



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

نقش قرآن در تربیت انسان

(پایان نامه تحصیلی دوره ماستری)

استاد رهنما: محمد نعیم "جلیلی"

نگارش: محمد رافع "افضلی"

سال: ۱۴۰۱ هجری



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

نقش قرآن در تربیت انسان

(پایان نامه تحصیلی دوره ماستری)

استاد رهنما: محمد نعیم "جلیلی"

نگارش: محمد رافع "افضلی"

سال: ۱۴۰۱ هجری شمس





پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم محمد رافیع ولد محمد افضل: ID نمبر SH-MST-98-588 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: نقش قرآن در تربیت انسان به روز ۱۳۳۳ تاریخ ۲۰ / ۱۱ / ۱۴۰۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۰ (نمره به عدد) هشتاد پوره (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور رحمت الله زاهد	عضو هیات	
۲	دکتور محمد عارف عطانی	عضو هیات	
۳	استاد محمد نعیم جلیلی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

اهداء:

به شهیدان راه حق.

به خانواده و اعضای خانواده ام که دلسوزی، زحمات و دعا‌های خیرشان همواره امید بخش زندگی ام بوده و از پروردگار متعال برای ایشان سلامت و سعادت دنیا و آخرت را آرزومندم.

به استادان گرامی ام که با عشق و علاقه فراوان به فرهنگ و معارف اسلامی و تربیت محمدی همیشه تشویقم کرده اند.

به همه آنانی که برای تحکیم دین اسلام و تحقق عدالت الهی در اجتماع انسانی و از بین بردن هرگونه ظلم و استبداد محض رضای الله جل جلاله می رزمند.

سپاس‌گزاری

ثنا و سپاس غیر محدود و بی شمار پروردگار جهان و جهانیان را، آنکه انسان را صورت نیکو، زبان سخن گو عطیه کرد، خدای که با شمع فروزان عقل و خرد پیکری تاریک و خاکی ما را نور بصارت و بصیرت بخشید، و رمز گفتار و زیبای‌های آنرا در زبان آدمی به ودیعت گذاشت، و درود بی پایان بر پیشوای عالم بشریت سرور برگزیده گان دوجهان محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم و یاران با وفایش باد!

خوشحالم به اینکه بعد از گذشت نابسامانی‌ها و اوضاع آشفته روزگاران قبل، به لطف و مرحمت خداوند جل جلاله امنیت نسبی در کشور فراهم شده و درسایه آن همه جوانان رنج‌دیده وطن در یک وضعیت مطلوب آموزشی میتوانند، به کسب دانش و اندوختن تجربه‌های مفید زندگی جهت گرفتن مسئولیت‌های بعدی در جامعه و عرضه خدمات شایسته تری به کشورشان بپردازند و از این طریق وظیفه دینی، ایمانی و وجدانی خود را در قبال وطن فرهنگ و مردم ادا نمایند.

تشکری اختصاصی از پوهنتون خصوصی سلام می‌کنیم جهت تلاش خستگی‌نا پذیرشان در عرصه تربیت کدرهای علمی و تقدیم شان به جامعه. اکنون که بنده به فضل و عنایت پروردگار در شرف فراغت دوره ای ماستری قرار دارم، طبق معمول گذشته‌ها! برایم لازم است تا بالای یکی از موضوعات مهم و اساسی به منظور تهیه پایان‌نامه تحصیلی کار نمایم، بنا بر آن نظر به علاقه زیادی که داشتم خواستم "نقش قرآن در تربیت انسان" را به عنوان رساله ماستری خویش زیر نظر استاد مجرب این پوهنتون استاد محترم محمد نعیم "جلیلی" بررسی و تحقیق نمایم. خداوند جل جلاله را سپاس گزارم که بنده را توفیق عنایت فرمود که این رساله را به موفقیت به پایان برسانم. در اخیر از کمک استاد رهنمایم که در زمینه تدارک و آماده سازی این رساله ماستری وهم چنان از رهنمای‌های خوب و استادانه‌شان در طرز نوشتن موضوعات و ترتیب و تنظیم آن صمیمانه اظهار امتنان و شکران نمایم و از خداوند جل جلاله موفقیت و بهروزی شان را در دنیا و آخرت خواها نم.

با احترام

محمد رافع "افضلی"

خلاصه بحث

قرآن کتابی است که در تمام عرصه های زندگی بشری رهنمودهای دارد به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: (مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) ^(۱). هدف از این بحث و اوضح ساختن جوانب تربیت از منظر قرآن و آیات قرآن بوده، الله تبارک و تعالی در کلام خویش بصورت اجمالی در بعد تربیت نموده است. بناء در این بحث موجوده تلاش صورت گرفته تا جوانب تربیتی بگونه ای درست آن در حد توان شرح داده شود. بحث موجود دارای سه فصل بوده:

در این بحث تلاش صورت گرفته تا بصورت درست و منظم تمام جوانب تربیت از منظر قرآن به بحث گرفته شود، از زمان خلق انسان، دوره های مختلف او از جمله: دوران شیردهی، دوران طفولیت، دوران نوجوانی، یا مراقب بعد جوانی، تا به دوره تکمیل.

در فصل دوم و سوم تربیت از بعد مادی و معنوی با اهداف و و سایل آن که تکمیل کننده جوانب تربیت به شمار می رود توضیحات لازم داده شده، با استدلالات قرآنی و آیات آن تربیت به بحث گرفته شده، در ضم آیات دیدگاه ها و نظریات علما و دانشمندان بیان نمودیم که بافحص و جستجوی خوب شان در ساحه در تربیت چه دست آوردی از خود به جا گذاشته اند.

در نتیجه بحث موجود در سه فصل بطور میان گین میتوان نوشت؛ هرکدام از فصول دارای مباحثی در میان مباحث مطالب تداخل دارد. بعد آن: بحث ذیل با فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام و فهرست منابع و مآخذ خاتمه می یابد.

(۱) - سوره انعام آیه: (۳۸).

فهرست عناوین

۱	مقدمه:
	فصل اول: کلیات و مفاهیم پیرامون تربیت انسان در قرآن
۷	مبحث اول: تربیت و فلسفه آن.
۷	مطلب اول تعریف تربیت از دیدگاه قرآن.
۹	مطلب دوم: تعریف تربیت از دیدگاه دانشمندان.
۱۰	مطلب سوم: وجه مشترک میان تعلیم و تربیت.
۱۲	مطلب چهارم: رابطه در میان تربیت و تزکیه.
۱۴	مطلب پنجم: فلسفه تربیت در قرآن.
	مبحث دوم: تعریف انسان و مقصد از خلقت وی:
۱۶	این مبحث دارای شش مطلب می باشد:
۱۶	● مطلب اول: تعریف انسان و مقصد از خلق وی.
۱۸	● مطلب دوم: انسان از منظر دانشمندان.
۲۳	● مطلب سوم: حقیقت و ماهیت انسان.
۲۵	الف: معنای روح.
۲۶	ب: معنی نفس.
۲۷	ج: معنی عقل.
۳۰	● مطلب چهارم: هدف . مقصد از پیدایش انسان در قرآن.
۳۱	۱ - عبادت.

- ۳۲ - ۲ - عمران (آبادی زمین).
- ۳۴ - ۳ - مقصد دیگر خلقت انسان خلافت در روی زمین است.
- ۳۵ **مبحث سوم: انواع تربیت انسان در قرآن:**
- ۳۶ مطلب اول: مراحل تربیت جسمی.
- ۳۶ ۱ - اظهار سرور و شادمانی در وقت پیداشدن طفل.
- ۳۷ ۲ - دوران شیردهی کودک.
- ۴۰ ۳ - دوران مراقب.
- ۴۰ ۴ - همسازی کودک در عبادت.
- ۴۱ ۵ - همراه کردن کودکان در محافل مذهبی.
- ۴۳ ۶ - دوران بعد از تکلیف انسان.
- ۴۳ مطلب دوم: انسان و تکلیف.
- ۴۳ شرایط تکلیف:
- ۴۳ ۱ - بلوغ.
- ۴۴ ۲ - عقل.
- ۴۵ ۳ - اطلاع و آگاهی.
- ۴۶ ۴ - قدرت و توانایی.
- ۴۷ ۵ - ازادی و اختیار.
- ۴۷ فرق میان اجبار و اکراه.

فصل دوم تربیت مادی انسان، اهداف، مراحل و وسائل آن

- ۴۹ مبحث اول: معنی و اهداف تربیت مادی انسان در قرآن.
- ۵۱ مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت مادی در قرآن.
- ۵۲ انواع تربیت مادی.
- ۵۳ ۱ - تعلیم و تحصیل.
- ۵۳ ۲ - امنیت اجتماعی.
- ۵۴ مطلب دوم: اهداف تربیت مادی در قرآن.
- ۵۴ الف: رزق و روزی.
- ۵۴ ب: محیط زیست.
- ۵۵ ج: نظافت.
- ۵۷ د: توجه به صحت.
- ۵۸ مبحث دوم: مراحل تربیت مادی در قرآن.
- ۵۸ مطلب اول: غنای اقتصادی.
- ۶۰ مطلب دوم: انتخاب الگوه و قدوه نیک.
- ۶۱ مطلب سوم: اطاعت و فرمان برداری.
- ۶۲ مبحث سوم: وسائل تربیت مادی در قرآن.
- ۶۲ مطلب اول تعلیم و آموزش مفید.
- ۶۴ مطلب دوم: نعمت عمر برای انسان در قرآن.
- ۶۷ مطلب سوم: آزادی و اختیار برای انسان در قرآن.

۶۹	افعال و اعمال ماموریه برای انسان.
۷۰	اعمال و افعال منهییه برای انسان.
فصل سوم تربیت معنوی انسان، اهداف و وسائل آن در قرآن	
۷۵	مبحث اول: مفهوم معنوی.
۷۸	مطلب اول: اهداف معنوی عام برای فرد.
۷۸	علم و دانش.
۷۹	اخلاق.
۸۰	الف: سلوم نیک.
۸۱	ب: دفع بدی با خوبی.
۸۱	ج: بخشش مردم.
۸۱	د: صدق و راستی.
۸۲	تقدیس و پرستش.
۸۶	مطلب دوم: اهداف خاص برای فرد.
۸۷	الف: تسلیم شدن به اوامر الله.
۸۸	ب: رجا و امید از الله.
۸۹	ج: شکرگزاری الله متعال.
۸۹	عبادت الله.
۹۱	تقوای و عمل صالح.
۹۴	مبحث سوم: وسایل تربیت معنوی.

۹۴	مطلب اول: مفهوم عبادت.
۹۴	عبادت تکوینی.
۹۵	عبادت تشریحی.
۹۵	عبادت رفتاری.
۹۵	شرایط عبادت.
۹۶	فروتنی در عبادت.
۹۸	مطلب دوم: استخلاف در زمین.
۱۰۰	خلافت به معنی عام آن.
۱۰۱	خلافت به معنی خاص.
۱۰۲	مطلب سوم: قیام به عدل.
۱۰۲	مفهوم عدالت.
۱۰۵	الفاظ و کلمات مرادف عدالت در قرآن.
۱۰۶	الفاظ و کلمات متضاد عدالت در قرآن.
۱۰۶	ظلم و مفهوم آن.
۱۰۷	اعمالیکه شامل ظلم می شوند.
۱۱۰	نتیجه گیری.
۱۱۲	فهرست آیات قرآنی.

۱۱۸	فهرست احادیث.
۱۱۹	فهرست اعلام.
۱۲۱	فهرست منابع و مآخذ.
۱۲۶	خطه بحث.
۱۲۸	خلاصه به انگلیسی.

مقدمه

الحمد لله الذى علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم، ونعوذ بالله من أن نضل أو نُضل، أو نزل أو نُزل، و نستغفره ونتوب إليه من كل مخالفة لمنهاجه. قال الله تعالى: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱). ونعوذ بالله من أن نكون من الذين يقرءون القرآن ولا يتدبرونه ولا يعملون به، و أشهد أن محمداً عبده ورسوله النبى الامين الامى الذى علم المتعلمين، والهادى إلى سواء السبيل حيث قال: "من خرج فى طلب العلم فهو فى سبيل الله حتى يرجع"^(۲). وبعد:

درفران مجيد علوم زيادى نُهفته است كه با جستجوى درآيات كلام الهى ما مى توانيم به آن دست پيدا كنيم. بناء تربيت انسان از منظر آيات قرآن مسئله مجزا در قرآن نيست؛ بلكه به اساس نياز ما مى توانيم به كمك قرآن راهى بهتري را براى بهبود در زندگى خود و خانواده خود جستجوكنيم.

به همين ملحوظ خواستم عنوانى را تحت نام تربيت انسان در قرآن روى دست داشته باشم و تربيت را از منظر قرآن به بحث بگيرم.

علاقه داشتم كه مطالعه اى تربيت از منظر قرآن جامع باشد و خود را مكلف دانستم كه در روشنايى آيات قرآن تربيت را توضيح دهم در حاليكه تعداد از غربى يان و غرب زده گان به اين گمان اند، كه تربيت و فلسفه آن بر ميگردد به دنياى غرب، دانشمندان غربى، ... با وصفى كه چنين نيست اصل تربيت وریشه آن بر مى گردد به قرآن و آيات قرآن.

اهميت موضوع:

اهميت بحث قرار ذيل است:

- ۱ - برملا سازى نقش قرآن در تربيت انسان.
- ۲ - با توجه به اينكه قرآن مصدر اول اسلام است تمام حقوق حقه انسانها در لابلای آيات قرآن نُهفته اند با يد نمايان شود.
- ۳ - جواب درست و مناسب براى غرب زدگان كه در گرو افكار غربى شده، گمان ميبرند كه تربيت انسان، زاده و توليد شده غرب است. در حاليكه چنين نيست قرآن قبل از عرض وجود غرب و غربى ها مسئله تربيت را واضح ساخته؛
- ۴ - نقش قرآن در تربيت انسان اساس يك زندگى منظم براى انسان است كه به تمام آرزوهاى خود مى تواند نايل شود.

(۱) - سورة فاتحه آيه: (۱).

(۲) - الترمذى، محمد بن عيسى بن سوره. الجامع المختصر من السنن عن رسول الله ومعرفه الصحيح والمعلول وما عليه العمل المعروف بجامع الترمذى. باب العلم عن رسول الله (ج ۴ / ص ۳۸۶) شماره حديث (۲۶۴۷). انتشارات: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي چاپ دوم.

۵ - به کمک دستور قرآن در ساحه تربیت نه تنها دنیای خود را می سازیم؛ بلکه آخرت مان هم تضمین شده است.

اسباب اختیار موضوع:

۱ - بنا به علاقه شدیدی که به نوشتن تربیت از منظر قرآن داشتم خواستم تا اندکی روی این مسئله تمرکز داشته باشم.

۲ - همگانی ساختن آیات تربیت که قرآن از آن یاد کرده.

۳ - جمع آوری آیات تربیت انسان از لابلای سوره های قرآنی و در یک بحث تحقیقی تنظیم و ترتیب شده و به دسترس قرار دادن آن.

اهداف بحث:

۱ - در نظر گرفتن جوانب تربیت انسان از آیات قرآن؛

۲ - تاکید بر یک واقعیت عینی برای همه محققان و دانشجویان علوم تربیت، به ویژه اینکه تفسیر قرآن کریم در هیچ مرحله ای از تاریخ بشر متوقف نشده است؛ بلکه مطابق به درک زندگی بشر تا روز قیامت ادامه خواهد داد.

۳ - تحلیل تربیت انسان در لابلای آیات قرآن؛

۴ - آیات قرآنی بزرگترین و غنی ترین دلایل برای مطالعه و تحقیق اند، در یک جنبه خاص از علوم متوقف نمی شوند. مطالعات علمی زیادی برای آنها انجام شده است. برخی از اندیشمندان جنبه های آموزشی را مطالعه کرده اند و برخی دیگر جنبه های ادبی را و برخی از آنها جنبه های اجتماعی را مطالعه کرده اند محقق با مطالعه جنبه های تربیتی در آن می پردازد؛

۵ - کمک به غنی سازی موارد تربیتی به یک شیوه خاص و منبع خاص.

پیشینه موضوع:

تربیت انسان مورد توجه بسیاری از دانشمندان و اندیشمندان قرار گرفته است. بناء معلوم وهویدا است که در ارتباط به تربیت انسان کتب زیادی در زمانه های مختلف نگاشته شده که بیانگر تربیت انسان از منظر قرآن است، از قلم نباید گذاشت که تربیت انسان یک بخش وسیع است در برگیرنده تمام دوره های زندگی انسان می شود؛ بناءً بر خود لازم دیده تاراجع به نقش قرآن در تربیت انسان را به بحث گرفته باشم از یک طرف موضوع را محدود ساخته، و از طرف دیگر یک موضوع تازه و بکر را به بحث گرفته باشم.

در ارتباط به نقش قرآن در تربیت انسان کتاب های زیادی نگاشته شده به زبان های مختلف از جمله:

۱ - اعداد الانسان الصالح فی ضوء التربية القرآنية تالیف د: داود درویش حلس کلیه اصول الدین فی الجامعه الاسلامیه الغزه.

در این اثر مسائل عمده ای که نویسنده نگاشته است: مفهوم تربیت انسان صالح، چگونگی تربیت در قرآن و تربیت به طریقه وعظ وارشاد.

۲ - المبادئ التربوية في القرآن الكريم تالیف د: محمد صالح تاراس (۲۰۰۹م).

در این کتاب همچنان نویسنده کتاب به مسایلی اشاره کرده از جمله: روی دست گرفتن مسایل جدید، راه چاره‌ای برای استفاده از امکانات موجوده و تربیت روح انسان را احتوا می کند.

خلاها و کمبودی ها در این اثر: نبود ارتباط در میان انواع تربیت ذکر شده، کامل نبودن یک بحث و اکتفاء به یک اشاره معمولی، درج نکردن تربیت اطفال در اثر موجود.

۳ - **تربیه الانسان فی منهج القرآن** تالیف أ د: السيد عبدالحلیم محمد حسین انتشارات: الدار المعرفه بیروت لبنان.

نویسنده این اثر در کتابش به مسائل ذیل پرداخته: تربیت روح از منظر قرآن، تربیت جسم از منظر قرآن و وسائل تربیت در قرآن.

خلاها و کمبودیها در این اثر: در نظر نگرفتن تمام ابعاد تربیت، نام کتاب در برگزیده تمام ابعاد است؛ اما در این اثر به مسایل اندکی اشاره شده است.

۴ - **القرآن الکریم و آثاره فی تربیه الانسان والمجتمع** تالیف: عماد الکاظمی الطبعه الاولى (۲۰۱۵م) ناشر: معالم الفکر.

۵ - **التربية الروحية والاجتماعية في الاسلام** تالیف: اکرم العمری. مرکز الدراسات العلیاء. دانشگاه قطر، مرکز تحقیقات سنت سال چاپ: (۱۹۹۴م). در این اثر توجه زیاد به تربیت معنوی صورت گرفته و در بعد تربیت مادی چندان توجه نشده است.

خلاها و نقایص در این اثر:

نبود تربیت مادی و ابعاد آن در این اثر، نبود ارتباط در میان تربیت معنوی و تربیت اجتماعی.

۶ - **التربية الروحية** تالیف د: علی عبد الحلیم محمود. دار التوزیع والنشر الاسلامیه.

۷ - **فلسفه التربية فی القرآن الکریم** تالیف: عمر احمد عمر. دار المکتبة. دمشق سوریه.

۸ - **صفات انسان در قرآن** از محمد خبیر مرادی.

۹ - **انسان و قرآن** حسن علیدادی سلیمانی.

۱۰ - **درسایه های قرآن** از سید قطب چاپ (۱۳۸۱) مترجم: محمد صدریق راشد نشر مکتبه فاروقی اسلام آباد پاکستانی.

۱۱ - **نقش قرآن در هدایت انسان** از فرید وجدی چاپ: (۱۳۸۸) مترجم: ابوبکر حسن زاده نشر احسان. در این منبع بعد از بررسی مکرر به این نتیجه میرسیم، که هرکدام از منابع به مثل این منبع دچار مشکل و کمی است به مثل که در منبع ذیل: تمرکز بیشتر به هدایت انسان شده تا تربیت. بناء بر خود لازم دیده ام تا بعد تربیت را بگونه ای که شایسته و درست باشد از منظر قرآن به بحث بگیرم.

منهج بحث در این اثر:

- روش نوشتار در این بحث بصورت توصیفی بوده، با استفاده از منابع اصلی و اولیه برای بهتر شدن موضوع؛ همچنان تفسیر آیات بصورت مقایسوی. که بخشی از موضوعات شماره وار قرار ذیل اند:
- ۱ - ارائه موضوع، تعریف و توصیف موضوع در ابعاد مختلف، جمع آوری آیات راجع به موضوع به شکل موجز.
 - ۲ - هرکدام از آیات به کمک تفاسیر معتبر تحلیل و تفسیر شده.
 - ۳- توصیف آیات استناد شده به اساس قواعد و قوانین در تربیت و تزکیه.
 - ۴- در نظر داشتن تمام جوانب تربیت و توضیح آن.
 - ۵- ترجمه شخصیت ها و علماء که آراء شان نقل کرده می شود.
 - ۶- تهیه و ترتیب منابع و مآخذ.

فصل اول

کلیات و مفاهیم پیرامون تربیت انسان در قرآن

این فصل دارای مباحث و مطالب ذیل است:

مبحث اول: تعریف تربیت و فلسفه آن:

این مبحث دارای پنج مطلب می باشد:

- مطلب اول: تعریف تربیت.
- مطلب دوم: تعریف تربیت از دیدگاه دانشمندان.
- مطلب سوم: وجه مشترک در میان تعلیم و تربیت.
- مطلب چهارم: رابطه در میان تربیت و تزکیه.
- مطلب پنجم: فلسفه تربیت در قرآن.

مبحث دوم: تعریف انسان و مقصد از خلقت وی:

این مبحث دارای چهار مبحث می باشد:

- مطلب اول: تعریف انسان از منظر قرآن.
- مطلب دوم: انسان از منظر دانشمندان.
- مطلب سوم: حقیقت و ماهیت انسان.
- مطلب چهارم: هدف و مقصد از پیدایش انسان در قرآن.

مبحث سوم: انواع تربیت انسان در قرآن:

این مبحث دارای دو مطلب و پنج جز می باشد:

- مطلب اول: مراحل تربیت جسمی.
- ۱ - اظهار سرور و شادمانی در وقت پیدایش طفل.
- ۲ - دوران شیردهی کودک.

- ۳ - چگونگی تربیت طفل.
- ۴ - دوران مراقب.
- ۵ - همسازی کودک در عبادت.
- ۶ - همراه کردن کودکان در محافل مذهبی.
- مطلب دوم: دوران بعد از تکلیف.
- انسان و تکلیف.

شرایط تکلیف:

- بلوغ.
- عقل.
- اطلاع و آگاهی.
- قدرت و توانایی.
- آزادی و اختیار.
- فرق میان اجبار و اکراه.

مبحث اول

تربیت و فلسفه آن

مطلب اول: تعریف تربیت.

مطلب اول: در لغت: تربیت اسم مصدر است (رَبَّ) والرَّبُّ رباً در اصل تربیه " هو إنشاء الشيء حالاً فحالاً الى حدالانتمام" تربیت عبارت از عملی است مرحله به مرحله تا رسیدن آن به حد کمال. رَبَّه، ورباه، وَرَبَّه،^(۱). تعریف دوم: رَبُّ در اصل اسم مصدر است بمعنی تربیت یعنی چیزی را به تدریج مرحله به مرحله رساندن آن به پایه ای کمال^(۲).

به نقل از ابن منظور و زبیدی: ربه "تربیه علی تحویل التضعیف" استفاده می شود. "ربی" در اصل "رب" مضاعف بوده که به دلیل ایجاد سهولت در تلفظ و تخفیف حرف باء دوم تحویل و تبدیل به حرف عله یاء شده، در نهایت مصدر آن به دلیل معتل بودن فعل "ربی" برون تفعله آمده است.

(رب، ربی، یربی، و تربیه) برخلاف راغب اصفهانی، از کلام ابن منظور وزبیدی استفاده می شود. "رب" ریشه اصلی و اولی و "ربو" ریشه فرعی و ثانی "تربیت" است^(۳).

نتیجه به دست آمده از این دو تعریف: واژه تربیت با دو ماده لغوی "ربو" و "رب" مرتبط است. کلمه تربیت اسم مصدر است از باب تفعیل است که به دلیل معتل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، مصدرش همانند "تزکیه" برون "تفعله" آمده است.

(۱) - اصفهانی، حسین بن محمد (۵۰۲ هـ) المفردات فی غریب القرآن تحقیق: صفوان عدنان داودی (۱ / ص ۳۳۶). انتشارات: دار العلم الدار الشامیه مکان الطبع: دمشق و بیروت سال طبع: (۱۴۱۲ هـ).

ترجمه مولف: علامه راغب اصفهانی ملقب به ابو القاسم (۵۰۲ هـ) از اهل اصفهان که در بغداد عراق زندگی کرده بود، هم قرن امام غزالی بود، کتب زیادی از خود به جا مانده که یکی از کتابهای شان المفردات فی غریب القرآن که مورد استفاده ما است. به نقل از: الاعلام الزرکلی: خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی متوفی: (۱۳۵۶ هـ) (۲ / ص ۲۵۴). انتشارات دار العلم للملایین، طبع: پانزدهم سال: (۲۰۰۲ م).

(۲) - بیضاوی، ناصرالدین. انوارالتنزیل و السرار التأویل (۱ / ص ۸) انتشارات: دار الکتب العلمیه بیروت، لبنان. چاپ اول سال چاپ (۱۹۸۸ م). ترجمه مولف: البیضاوی، متولد: (۶۹۱ هـ) در بلاد فارس به صفت قاضی شیراز هم مدتی ایفای وظیفه نموده، نوشته های وی در بخش اصول، فقه، تفسیر ... ایشان در شهر تبریز ایران وفات نمود (الموسوعه العربیه العالمیه ج ۲ ص ۱۸۷).

(۳) - ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب (۱ / ۶). انتشارات: دار صادر بیروت. طبع اول در پانزدهم جلد. ترجمه مولف: ابن منظور ملقب به ابو الفضل، جمال الدین متولد: (۶۳۰ هـ) - (متوفی ۷۱۱ هـ) ایشان در مصر تولد شده به صفت قاضی در طرابلس از طرف حکومت وقت انتخاب شد، کتب زیادی نوشته. منبع: الاعلام للزرکلی (۶ / ص ۱۲۳). از قبل معرفی شده دیده شود.

تربیت در اصطلاح: به معنای بار آوردن و رشد بخشیدن به فرزند تارسیدن گام به گام به مرحله کمال است و همه جوانب تربیت مادی و جسمی، نفسی و روحی و عقلی و فکری و رفتاری و اجتماعی را شامل می شود (۱). همچنان تعلیم و تربیت راهی است برای آماده کردن انسان به شیوه ای صحیح و معتبر و متمایز از رفتار انسانی و توانایی او در دستیابی به منابع دانش و به کارگیری آنها در حل مشکلات فردی و مشکلات جمعی است (۲).

همچنان در این قول الله ﷻ معنی اصلی تربیت به وضوح دیده می شود ﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (۳). به نقل از امام فخر الدین رازی: (رَبِّ ارْحَمْهُمَا) کلمه رحمت همه خوبی های دین و دنیا را در بر می گیرد، (كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا) باشد که خداوند به من کمک کند تا این نوع از احسان بهترین باشد در تربیت یعنی توسعه پایدار در روند زندگی که در قول الله ﷻ واضح شده ﴿أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ﴾ (۴). هنگامیکه آب باران بر آن می فرستیم به جنبش در می آید و نمو می کند.

مفهوم کلی آموزش و تربیت، که در قدیم رایج بود، به عنوان وسیله ای برای کسب دانش محدود می شود، اما محققان آموزشی امروز تعاریف جدیدی را به این مفهوم اضافه کرده اند. آنها آموزش و تربیت را روشی برای آمادگی درست و معتبر می دانند که از ویژگی های آن متمایز است. رفتار فکری و انسانی و توانایی آن در دسترسی به منابع دانش و استفاده از آن برای حل مشکلات خود و مشکلات جامعه.

(۱) - زحیلی، وهبه بن مصطفی. مترجم: سلیمی، عبدالعزیز. **فقه خانواده در جهان معاصر**. (ص ۳۸) انتشارات: نشر احسان ایران تهران.

ترجمه مولف: زحیلی متولد (۱۳۵۱ ه ق) در شهر عطیه اطراف دمشق است. تحصیلات ابتدایی در دانشگاه الشریه در سال (۱۹۵۲ م) به پایان رساند و در سال (۱۹۵۶ م) دکترای خود از دانشگاه الازهر گرفت کتب زیادی نوشته و در سال (۲۰۱۵ م) وفات نمود.

(۲) - جرجس، میثال. **معجم المصطلحات التزییه والتعلیم** (ص ۱۶۲ - ۱۶۳) انتشارات: دار النهضه العربیه بیروت لبنان. چاپ اول سال چاپ: (۲۰۰۵ م).

(۳) - **سوره اسراء آیه: (۲۴)**.

(۴) - **سوره فصلت آیه: (۳۹)**.

صاحب تفسیر بیضاوی در تفسیرش راجع به تعریف تربیت می نویسد: در سوره الفاتحه الله تبارک و تعالی می فرماید: رَبِّ الْعَالَمِينَ که به معنی تربیت گام به گام است به این معنی که چیزی را مرحله به مرحله به تدریج قدم به قدم به کمال رساند، اگر رب را بمعنی تربیه بگیریم اطلاق معنی مصدر بر آن بگونه مبالغه است^(۱).

با ملاحظات تعاریف لغوی و اصطلاحی به مسائل ذیل دست پیدا می کنیم:

الف: حفظ و پرورش غرایز با تربیت قدم به قدم.

ب: پرورش دادن تمام استعدادهای اشخاص.

ج: هدایت غرایز و استعدادها به سوی حقانیت و کمال آنها که شایسته آنها است.

د: تربیت به گونه ای قدم به قدم این است قسمیکه امام بیضاوی رحمه الله از آن، با بیان کم کم به آن اشاره می کند.

الله ﷻ در کلام خود می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ﴾^(۲). ترجمه: ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابر این، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی. البته معنای دوم بنابر این است که کلمه‌ی ربانیون، از رب یا تربیت مشتق شده باشد.

مطلب دوم؛ تعریف تربیت از دیدگاه دانشمندان (فلاسفه):

تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می خواهد رشد را در فردی که فاقد ولی قابل آنست تسهیل کند.

تربیت سرپرستی از جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد است^(۳).

(۱) - بیضاوی، ناصر الدین بن عمر بن محمد. انوار تنزیل و الاسرار التأویل (۱ / ص ۷). انتشارات: دار المعرفه بیروت لبنان.

(۲) - سوره مائده آیه: (۴۴).

(۳) - شگوهی، غلام حسین. تعلیم و تربیت و مراحل آن (ص ۶) انتشارات: قدس رضوی. تهران ایران سال چاپ: (۱۳۶۷).

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخصی مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد و جود و به طور هماهنگ پرورش داده، شگوفاً سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند (۱).

تربیت عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به طور کلی پرورش و شگوفایی استعدادهای متربی، بگونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت مربی به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد (۲).

نتیجه به دست آمده که من از تعاریف ذیل آن رسیدم: تربیت عبارت از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی، و به طور کلی پرورش و شگوفایی استعدادهای متربی، بگونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت مربی به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد.

مطلب سوم: وجه مشترک در میان تعلیم و تربیت.

تعلیم و تربیت دو مفهوم کلیدی در حیات علمی و معنوی بشر است که پیوسته در کنار هم به کار رفته، و همراه هم هستند؛ اما آیا این دو مفهوم، دو مفهوم بیگانه از هم هستند که به صورت اتفاقی کنار هم قرار گرفته اند، یا باهم رابطه دارند؟ هدف این مطلب پاسخ به این دست سوالات است که با روش تحلیلی تدوین شده است.

مفهوم تعلیم: معادل این واژه در زبان عربی "تعلیم" آموزش است به طور کلی، دارای دو مفهوم عام و خاص می باشد. در مفهوم عام، شامل هر نوع انتقال مفاهیم و تأثیر گذاری در ذهن فراگیر، به منظور ایجاد یادگیری در وی می باشد، خواه این تأثیر گذاری در قالب رسمی و از پیش طرح ریزی شده باشد. همانند آنچه در مراکز آموزشی، به ویژه در صنف درسی انجام می گیرد، خواه به صورت خود به خودی و بدون طراحی و برنامه ریزی قبلی باشد. همانند تأثیری که از برنامه های آموزشی تلویزیونی و یا مطالعه کتاب و مجله مانند: اینها ناشی می شود. "آموزش" در مفهوم خاص خود، در قالب و شرایط ویژه ای صورت می گیرد. که عبارت است از: "فعالیت های که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی استاد یا معلم طرح ریزی می شود (۳).

(۱) - امینی، ابراهیم. اسلام و تعلیم و تربیت (ص ۱۴) انتشارات: احسان تهران ایران (ب، ت).

(۲) - ده آبادی، محمد علی حاجی. در آمدی بر نظام تربیتی اسلام (ص ۱۴) انتشارات: مرکز جهانی علوم اسلامی سال چاپ: (۱۳۷۷).

(۳) - علی اکبر سیف. روانشناسی پرورشی (ص ۸۲) انتشارات: احسان. تهران ایران.

راجع به تربیت: تعاریف، مفاهیم و نتیجه آن قبلاً نگاشته شد نیازی برای تکرار دیده نمی شود.

مفهوم ترکیبی تعلیم و تربیت " آموزش و پرورش ":

واژه ترکیبی "تعلیم و تربیت" در زبان فارسی، عمدتاً دارای دو کاربرد است: کاربرد نخست، در خصوص نظام "نهاد آموزش و پرورش" به طورمثال: گفته می توانیم که نظام تعلیم و تربیه در افغانستان اسلامی است. دوم آن در معنای "تربیت به معنای عام" است، یعنی نه تنها تربیت بلکه آموزش را نیز در بر گیرنده است. چراکه کاربرد این کلمه در خصوص تربیت، جدا از آموزش و در مقابل آن بعید به نظر می رسد. کاربرد این معنا، بسیار شایع تر از معنای اول است؛ بنابراین اساس "مراد از تعلیم و تربیت، یک مفهوم است که در قالب دو لفظ ادا می شود و معلمان بزرگ این کلمه در یک مفهوم به کار می برند، نه به صورتی که در عربی یا در فارسی به صورت تعلیم و تربیه به عنوان دو فرایند تعبیر می شود. معمولاً اندیشمندان و نویسندگان بزرگ مانیز وقتی درباره تعلیم و تربیت بحث می کنند، همان مفهوم تربیت را در نظر می گیرند^(۱).

تعلیم و تربیت یعنی چی؟

در بحث پیشین، سخن از تفاوت میان تعلیم و تربیت به میان آمد و دیدگاه های مختلف در این زمینه نقل شد. طبق این دیدگاهها، حد اقل از نظر مفهومی میان تعلیم و تربیت تفاوت وجود دارد. با این حال، وجود تفاوت به معنای عدم وجود رابطه میان این دو واژه نیست.

در میان تعلیم و تربیه رابطه مجاورتی بالاتر از آن است که ما توان تحلیل آنرا داریم در اصل باید ذکر کرد که در میان این دو واژه رابطه بسیار نزدیک است به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿رَبَّنَا وَإِنَّا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^(۲). ترجمه: پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی و بر این کار، قادری.

(۱) - شریعتمداری، علی. رسالت تربیتی مراکز آموزشی (ص ۸۵) انتشارات: تهران، سمت (۱۳۷۴ ه.ش).

(۲) - سوره بقره آیه: (۱۲۹).

به نقل از نصر بن محمد بن احمد علامه سمرقندی: در این بخش آیت؛ ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ مراد از يعلمهم الكتاب تعليم قرآن است و مراد از والحكمة دستور قرآن است که امر به انجام حلال کرده و از محرمات منع فرموده، و منظور وَيُزَكِّيهِمْ ای (يطهرکم من الکفر والشک) پاک ساختن آن از کفر و شرک و تربیت آن به توحید (۱).

همچنان در آیت دیگری الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ (۲).

ترجمه: وهمان گونه که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم، رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد.

همچنان در جای دیگری نیز او تعالی می فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (۳). ترجمه: خداوند بر مؤمنان منت نهاد نعمت بزرگی بخشید هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛

نتیجه به دست آمده: از آیات قرآنی هم چنین برداشت می شود که مراد از تزکیه در آیات تربیه است و همچنان مرادف آن تعلیم قرار گرفته گاهی تعلیم مقدم و تربیه موخر واقع شده و گاهی عکس آن. در حقیقت این دو اصل دوشا دوش هم اند. از نظر باحث تعلیم جمع تربیه مساوی به انسانیت می شود، مازمانی کامل بوده می توانیم که هردوی این دو واژه را در خود داشته باشیم.

مطلب چهارم: رابطه در میان تربیت و تزکیه:

در قبل بحث کردیم در تحلیل ماهیت و تعریف "تعلیم و تربیت" این نتیجه حاصل شد که، تعلیم و تربیت دو امر تفکیک پذیرند؛ تحقق هر کدام در نبود گزینه دیگر ممکن است. حال باید دقت صورت گیرد که این دو واژه از دیدگاه قرآن چه رابطه با هم دارند.

(۱) - سمرقندی، ابو للیث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم. بحر العلوم (۱ / ص ۱۱۳). انتشارات: دار المعرفه بیروت لبنان.

(۲) - سوره بقره آیه: (۱۰۱).

(۳) - سوره آل عمران آیه: (۱۶۳).

واژه های "تربیت و تزکیه" از باب تفعیل می باشد که در مجموع، مشتقات تزکیه ۱۴ مورد در قرآن به کار رفته است. از مجموع این موارد، در چهار مورد، دو واژه "تعلیم و تزکیه" در کنار هم به کار رفته اند. از این چهار مورد، در سه مورد آن، تزکیه بر تعلیم مقدم شده و در یک مورد، تعلیم بر تزکیه مقدم شده است (۱)

آیات عبارت اند از: ﴿وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ﴾ (۲). ترجمه: و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد.

آیت دوم: ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ﴾ (۳). ترجمه: و پاک شان کرد و تعلیم شان داد. آیت سوم: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ (۴). ترجمه: و خداوند تعلیم داد کتاب یعنی قرآن و حکمت را و همچنان پاک کرد شما را از گناهان کرد.

توضیح آیت سوم: مراد از ﴿وَيُزَكِّيهِمْ﴾ پاک بودن از شرک و تمام معاصی (۵). ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ﴾ یعنی: خود را مزین به احکام شریعت اسلام بساز و معارف تابناک اسلامی را که به حق فرستاده شده تطبیق کن (۶). ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ﴾ تعلیم شان داد کتاب را مراد از کتاب در اینجا "قرآن" است و مراد از الحکمه: حلال و حرام است. و مراد از ﴿وَيُزَكِّيهِمْ﴾ یعنی پاکی به واسطه توحید از گناه. ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ مراد از کتاب قرآن، مراد از حکمت شناخت دین و تفقه در آن و ﴿وَيُزَكِّيهِمْ﴾ یعنی ای یطهرهم من کفر و شرک به این معنی پاک کنند انسانها را از ضرر شرک (۷).

با کنار هم گذاشتن آیات فوق، مقایسه و تأمل در آنها، نکات قابل توجهی به دست می آید که از آنها، جدایی نا پذیری و در هم آمیختگی تعلیم و تربیت را می توان اثبات نمود:

-
- (۱) - - کریمی، عبدالعظیم. متولد: (۱۳۳۵ هـ ش) آموزش به مثابه پرورش (ص ۱۷ - ۱۸) انتشارات سمت تهران ایران.
- (۲) - - سوره بقره آیه: (۱۵۱).
- (۳) - - سوره آل عمران آیه: (۱۶۴).
- (۴) - - سوره بقره آیه: (۱۲۹).
- (۵) - - شوکانی، محمد بن علی بن عبد الله. تفسیر فتح القدیر (۱/ ص ۱۸۴). ترجمه مولف: شوکانی الامام و مفسر دارای تألیفات زیادی پیدایش (۱۱۷۳) هـ سال وفات (۱۲۵۰) هـ تفسیر المفسرون از د: محمد حسین الذهبی (۲/ ۲۱۱).
- (۶) - - ابو سعود، محمد ارشاد العقل السليم إلى مزایا الكتاب الكريم (۱/ ص ۲۰۶) انتشارات: موسسه الرساله چاپ اول (۱۴۲۰ هـ).
- (۷) - - قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الخزرجی شمس الدین. متوفی: (۶۷۱ هـ) الجامع لاحکام القرآن (۱/ ص ۳۵۰) محقق: البخاری، هشام سمیر. انتشارات: دار عالم الکتب، الرياض، المملكة العربية السعودية. سال چاپ: ۲۰۰۳ م.

۱ - در آیات چند عبارت به صورت مشترک وبا تعابیر واحد بیان شده که عبارتند از: "بعثت و ارسال رسول" رسولی از خود مردم، تلاوت آیات برای مردم، تزکیه مردم، تعلیم کتاب و حکمت به مردم.

تکرار سه عنصر رسول به عنوان مربی، تزکیه به عنوان تربیت، و تلاوت آیات یا تعلیم کتاب و حکمت به عنوان تعلیم، این آیه را به عنوان مناسب ترین و صریح ترین آیه قرآن در موضوع مهم تعلیم و تربیت معرفی می کند.

۲ - در هر چهار آیه، تلاوت قرآن، که یک نوع آموزش است، در آغاز قرار گرفته و در یک مورد، تعلیم مقدم بر تزکیه ذکر شده است. این خود حاکی از دو نکته مهم است: نخست اینکه، هیچ تربیتی بدون آموزش محقق نمی شود. دوم اینکه، در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی، تنها تعلیمی منجر به تربیت اسلامی می شود که در ذات خود تربیت اسلامی و رنگ الهی به همراه داشته باشد؛ در هر چهار آیه، تلاوت " آیات الهی " مطرح شده است نه هر نوع آیتی.

۳ - در سه آیه از چهار آیه تزکیه مقدم بر تعلیم بیان شده است. این نیز مفید دو نکته مهم دیگر است: نخست آنکه هیچ تعلیمی بدون "تربیت" به خوبی محقق نمی شود. دوم اینکه، در عین جدایی نا پذیری و همراهی تعلیم و تربیت در مرحله عمل تربیت از جهت رتبه و اهمیت مقدم بر تعلیم و به حساب می آید.

مطلب پنجم: فلسفه تربیت در قرآن.

برداشت از آیات کلام الهی در مورد غریزه انسانی منحصر به فرد است، زیرا برداشت از آیات در مورد انسان آماده بودن برای قرار گرفتن در سطح امانت الهی را می بیند، از این واقعیت شروع می شود که او موجودی است به شکلی از نظر شخصیتی برابر است. شکل گیری ارگانیک، ذهنی و احساسی انسان پس از سطح آفرینش خویش. مصداق این مسئله در آیت کلام الهی دیده می شود (۱). ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (۲).

ترجمه گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است. دلیل دیگر آن این فرموده الله تبارک و تعالی: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ (۳). ترجمه: منزّه شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، و همان که اندازه گیری کرد و هدایت نمود.

(۱) - البغا، مصطفی دیب. جوانب التربويه في علم اصول الفقه (۱۴۲۸ هـ ۲۰۰۷ م) طبع اول: انتشارات: دار المصطفی، دمشق سوریه (ص ۶۸).

(۲) - سورة طه آیه: (۵۰).

(۳) - سورة الاعلی آیه: (۱ - ۳).

طبیعت و سرشت انسانی که در آن نیاز به شناخت خالق خود، توسل به او و اتحاد او نهفته است. اگر خواسته‌ها بر آنها غلبه کند و در زیر آوار پوشانده شود و با تحمل، عهد طولانی و فراموشی خراب شود، آنها از همه برخاسته خواهند شد این امر هنگامی آشکار می‌شود که از دست خالق خود در هنگام مواجهه با خطری که انسان در آن هیچ قدرتی ندارد یا کمک می‌کند خارج شده و صادقانه به سوی پروردگار خود باز می‌گردد. خدا را بشناسید، او را متحد کنید، به او متوسل شوید و توسط او قضاوت شوید^(۱).

طبیعت خداوند که در آن مردم را آفرید و خوبی‌های آن و مذموم بودن دیگران را در ذهن آنها قرار داد. به قسمی که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (کل مولود یولد علی الفطره، فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه)^(۲). ترجمه: هر انسان تازه مولودی خلق می‌شود به فطرت اسلام پس این پدران شان است ایشان را به یهودیت، نصرانیت و یا مجوسیت سوق می‌دهد.

هیچ نوع تغییری در خلقت خداوند ایجاد نمی‌شود، یعنی هیچ کس خلقت خدا را تغییر نمی‌دهد، به طوری که مخلوق در موقعیتی غیر از موقعیتی که خداوند تعیین کرده قرار می‌گیرد. این همان چیزی است که ما شمارا با دین صحیح، یعنی صراط مستقیم که به خداوند و محل اقامت او منتهی می‌شود، به شما سفارش کرده، ایم؛ زیرا هر که چهره خود را برای دین راست نشان دهد، از شما در تمام قوانین آن از راه مستقیم در خواست می‌کند؛ اما اکثر مردم دین درست را نمی‌دانند و نمی‌دانند و اگر آن را بدانند، از آن پیروی نمی‌کنند^(۳).

اسلام با دیدی کیهانی از ایمان، ارزشهای فطری و تربیتی که آرام و هدفمند هستند، باهدف نیکویی و اعمال صالح، که احیای وجدان‌ها، روشنایی ذهن‌ها و احساس مسئولیت در انسان است، وارد شد. یکی از پایه‌های اسلام است؛ زیرا اسلام راهنمای حرکت جامعه و منبع همه قوانین عمل است که از جمله: آنها تربیت و تطهیر انسان به روشهای مختلف آن است.

(۱): - سید قطب، ابراهیم، حسین الشاربی، تفسیر فی ظلال القرآن (۲/ ۶۵۹). دار الشروق بیروت. ترجمه مولف: وی ادیب و متفکر اسلامی از کشور مصر سال پیدایش: (۱۳۲۴ هـ تا ۱۳۸۵ هـ) در قریه موشه در ولایت اسیوط در مصر به دنیا آمد بعد حفظ قرآن به تعلیم دروس دینی پرداخت بعد از فراغت در وزارت معارف مصروف کار شد به مدت دو سال به امریکا سفر کرد بعد آن به جماعت اخوان پیوست ... کتب زیادی از خود به جا گذاشت که از جمله تفسیر فی ظلال القرآن است موسوعه العربیه العالمیه.

(۲): - البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم صحیح البخاری، کتاب: الجنائز، باب ما قبل فی اولاد المشرکین، شماره حدیث: (۱۳۸۵). انتشارات: دار الایمان للطبع و النشر والتوزیع / دار القمه.

(۳): - السعدی، عبدالرحمن ناصر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان. (ص ۸۹۷) در یک جلد سال طبع: (۱۴۲۵ هـ، ۲۰۰۴ م) انتشارات: جمعیه احیاء التراث الاسلامی. ترجمه مولف: وی متولد: (۱۸۸۹ م) در سال: (۱۹۵۶ م) وفات کرده. وی یکی از دانشمندان عصر خود بود. مدرس، نویسنده، در زمینه‌های مختلف از جمله: تفسیر، فقه و عقیده و ...

مبحث دوم: تعریف انسان و مقصد از خلقت وی:

مطلب اول: الف: تعریف انسان: راغب اصفهانی در مفردات قرآن می نویسد: انسان موجودی است زنده، ناطق و سخنگو که میمیرد بناء نطق لفظی است مشترک برای بیان نیروی درونی انسان که او را به کلام و سخن گفتن و میدارد و نیز نطق همان سخنی است که با صداها آشکار و قابل فهم است. یا ناطق به آنچه را که دلالت بر چیزی دارد گفته می شود، از این روی به حکیمی گفته شد، ناطق وصامت چیست؟ پاسخ دلایل واستدلالاتی است که خبر دهنده هستند و عبرت هائی که آموزنده و سازنده هستند. (۱).

خداوند متعال انسان را آفرید تا خلیفه الله در روی زمین باشد؛ لذا قبل از آفرینش اولین فرد انسانی خطاب به برترین موجودات آن روز، یعنی: فرشتگان و برخی جنهای که در صف ملائک قرار گرفته بودند، فرمود: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۲). ترجمه: (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی نماینده‌ای قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است، ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

ب: مقصد از خلق انسان در روی زمین ممکن در صفحات بعدی بصورت تفصیلی بیان شود؛ اما در این جا به نکاتی خواهیم پرداخت که بصورت متفاوت و موجز در حقیقت خلق انسان اهداف خیلی زیادی را در پی دارد اگر بخواهیم تمام ابعاد خلقت را در این رساله جادهم ممکن نیست؛ بناء فقط به مسائل کوتاهی اشاره می‌کنیم. آیات زیادی را در قرآن دال بر این مسئله داریم به‌قسمی که الله تبارک و تعالی در کلام خویش می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ (۳).

(۱) - اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، ابو القاسم معروف به: راغب. متوفی: (۱۱۰۸م) المفردات فی غریب القرآن. (۱/ ص ۲۲۲۷). مترجم: خدا پرست، حسین مفردات الفاظ قرآن کریم انتشارات احسان تهران.

(۲) - سوره بقره آیه: (۳۰).

(۳) - سوره زاریات آیه: (۵۶ - ۵۸).

ترجمه: من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند. و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند هرگز از آنها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند. خداوند روزی دهنده و صاحب قوّت و قدرت است. توضیح و تعلیق در این سه آیت:

از مهم ترین سوالاتی که هر کسی از خود می کند، این است که: ما برای چه آفریده شده ایم؟ و هدف از آفرینش انسانها و آمدن به این جهان چیست؟ آیات فوق در اصل جوابی برای این سوالات است، او تعالی می فرماید: من جن و انس را نیافریده ام فقط بخاطر تعبد و پرستش خودم خلق کرده ام.

بدون شک هر فرد عاقل که کاری انجام می دهد، هدفی برای آن در نظر دارد، و از آنجا که خداوند، از همه عالم تر و حکیم تر است، بلکه با هیچ کس قابل مقایسه نیست، همه مخلوق او اند. این سوال پیش می آید، که او چرا انسان را آفرید؟ آیا کمبودی داشت که با آفرینش "انسان" بر طرف می شد، آیا نیازی داشته که ما را پاسخگویی به آن آفریده است، پس طبق مقدمه اول، باید قبول کنیم او تعالی هدفی داشته برای خلقت انسانها، و طبق مقدمه دوم، باید بپذیریم که: هدف او تعالی از آفرینش انسان چیزی نیست جز بازگشت به ذات پاکش.

در نتیجه باید این هدف را در بیرون ذات او تعالی جستجو کرد، هدفی که به خود مخلوقات باز می گردد، و مایه کمال خود آنها است، این از یکسو. از سوی دیگر، در آیات قرآن تعبیرهای مختلفی درباره هدف آفرینش انسان شده است. و در آیه دیگر می فرماید: ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^(۱). ترجمه: شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است. در اینجا مسأله آزمایش و امتحان انسان ها از نظر "حسن عمل"، به عنوان یک مقصد معرفی شده است. همچنان در آیت دیگر می فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِيَتَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾^(۲). ترجمه: خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد.

(۱) - سوره هود آیه: (۷).

(۲) - سوره الطلاق آیه: (۱۲).

در این آیت همچنان "علم و آگاهی از قدرت و علم خداوند" به عنوان مقصدی برای آفرینش آسمانها و زمین و آنچه در آنها است ذکر شده است.

همچنان مقصد از خلقت انسانرا در آیت دیگری مشاهده می کنیم او تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾^(۱).

ترجمه: و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امت بدون هیچ گونه اختلاف قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلفند...

در این آیت اشاره به رحم الله شده و برای همین رحمت آنها را آفریده بر طبق این آیه، رحمت الهی هدف مقصد اصلی آفرینش انسان است.

مطلب دوم: انسان از منظر دانشمندان.

حسن صاحب فرهنگ عمید میگوید: انسان، آدمی، مردم، بشر اناسی جمع اناس^(۲).

به نقل از ابن خلدون: در مقدمه کتابش روی دوپا راه می رود یا قامت راست دارد یا بالطبع خندان است و مانند اینها^(۳).

به نقل از علامه راغب اصفهانی: در مفردات قرآن انسان را چنین تعریف نموده اند: انسان موجودی است زنده، ناطق و سخنگو که میمیرد، پس نطق لفظی است مشترک برای بیان نیروی درونی انسان که او را به کلام و سخن گفتن وامیدارد و نیز نطق همان سخنی است که با صداها آشکار و قابل فهم است^(۴).

(۱) - سوره هود آیه: (۱۱۸).

(۲) - عمید، حسن فرهنگ فارسی عمید، (ص ۹۳) انتشارات: امیرکبیر تهران ایران سال چاپ: (۱۳۶۳ ه.ش).

(۳) - ابن خلدون، ابوزید عبد الرحمن بن محمد معروف به بن خلدون. مقدمه ابن خلدون، انتشارات: دارالحدیث قاهره چاپ اول سال چاپ: (۱۳۷۷ ه.ش).

ترجمه مولف: تاریخ نگار، جامعه شناس مشهور عرب که در سال: (۷۳۲ ه) در کشور تونس به دنیا آمد و در سال (۱۴۰۶ م در ۱۷ مارس) در مصر وفات کرد.

(۴) - اصفهانی، حسین بن محمد مشهور به راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، محقق: صفوان، عدنان داودی. انتشارات: دارالقلم و الدار الشامیه. سال چاپ:

(۲۰۰۹ م) چاپ: چهارم. ترجمه مولف: وی به مذهب اهل سنت والجماعت، آثار و تألیفات زیادی به جا گذاشته ایشان.

صاحب فرهنگ و معارف اسلامی میگوید: انسان جسم نامی، ناطق یا ناطق تنها گویند^(۱). با ذکر دیدگاه‌های دانشمندان در رابطه به انسان اینک می پردازیم به تحلیل آیات قرآنی در رابطه به انسان:

الف: مبداء خلق انسان:

این سرزمین پهناور با داشتن انواع و اقسام نعمات در بطن خاکی خود انواع و اقسام موجودات حیه را می پروراند و هر روز و هر دقیقه ما محتاج ایشان را برآورده میسازد و از این جمله انسان است این مخلوق که تمام هستی این جهان و آن جهان نسبتاً برای این ها خلق گردیده اند و این زمین است که از خود انواع و اقسام گیاه ها مواد ارتزاقی را نگه میدارد و می پروراند و انسان با استعداد و قدرتی که دارد از آن در گذرانیدن زنده گی خود بخوبی استفاده میکند. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ﴾^(۲). ترجمه: "و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم" آری به چنین صورت شکل انسان نخستین آدم علیه السلام بدون واسطه به صورت مستقیم از خاک ساخته شده بود آیا امروز انسان بواسطه جوهر از خاک پیدا نمیشود؟ حقیقتاً که میشود.

این نطفه مولود غذاهای گوناگون است که از نباتات و گوشت و لبنیات حیوانات سرچشمه میگیرد حیوانات هم از نباتات تغذیه میکنند و به زنده گی خود ادامه میدهد و این نباتات هم از خاک مایه میگیرند؛ بنا براین نطفه انسان که بعد ها بصورت انسانی در می آید مولود خاک میباشد.

چنانچه که اکتشافات امروزی موید اینست که عناصر موجود در زمان از قبیل: کلسیم، آهن و ... عصاره آن در انسان نیز وجود دارد و این مواد را انسان از طریق نبات بدست می آورد و تکاپو مینماید که نباتات از طریق خاک بدست میاورند و این خود نوعی از رابطه مستقیم انسان فعلی است با اصالت خلقت اش از خاک^(۳).

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خود مهربانی کرده: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾^(۴). ما شما را از آن زمین آفریدیم؛ و در آن بازمی گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم.

(۱) - سجادی، سید جعفر. فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات: کومش تهران سال: (۱۳۷۳ ه ش) چاپ: چهارم.

(۲) - سوره المؤمنون آیه: (۱۲).

(۳) - شیرازی، عبد الکریم بی آزار. قرآن و طبیعت گذشته و آینده جهان. (ص ۵۷). انتشارات: زکات علم تهران ایران، سال چاپ: (۱۳۷۶ ه ش).

(۴) - سوره طه آیه: (۵۵).

همچنان در جای دیگری الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾^(۱). ترجمه: بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، روح شما را می‌گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی‌گرداند.

هنچنان مورد دیگری در قرآن: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۲). ترجمه: خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و ارواح دیگری را که باید زنده بمانند بازمی‌گرداند تا سرآمدی معین؛ در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند.

ب: آمدن انسان به دنیا:

باید پذیرفت تحول و پیشرفت بسوی تکامل از طرق مختلف است، بناء بخاطر فهم آن می‌توانیم این آیت کلام الهی را به عنوان مثال بیاوریم: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾^(۳). ترجمه: که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید (تا به کمال برسید).

به نقل از امام شوکانی در تفسیر این آیت: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾ تبدیل از یک حالت به حالت دیگری بطور مثال: ابتداء نطفه، بعد علقه، مضغه، زندگی در دنیا، یا بعد از تولد وفات زود هنگام، یاغنی و مستمند و یا فقیر در تنگای اقتصادی^(۴).

(۱) - سوره سجده آیه: (۱۱).

(۲) - سوره زمر آیه: (۴۲).

(۳) - سوره انشقاق آیه: (۱۹).

(۴) - الشوکانی، محمد بن علی بن عبد الله. تفسیر فتح القدير (۷/ ص ۴۵۲). انتشارات: حقانیه پشاور پاکستان. ترجمه مولف: الشوکانی، الامام و مفسر دارای تألیفات زیادی پیدایش (۱۱۷۳) هـ سال وفات (۱۲۵۰) هـ تفسیر المفسرون به نقل از د: محمد حسین الذهبی (۲/ ۲۱۱).

همچنان شما را ترکیب مینماید درجه به درجه یا طبقه به طبقه از عالم ارواح به شکم مادر از رحم مادر بروی زمین از روی زمین به شکم زمین یعنی قبر و بعد از شکم زمین به دنیای برین یا جهان دیگر که به حقیقت آن رب خبیر آگاه و داناست و میداند. آیا این طبقه بندی عجیب نیست؟ درحقیقت همین است که ما بعضاً طی نمودیم و بعضی دیگر به شرف طی نمودن هستیم.

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِّن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَبْتَتَتْ مِّن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿١﴾.

ترجمه: ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد آن خون بسته شده، سپس از «مضغه» "چیزی شبیه گوشت جویده شده"، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم) و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم؛ و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم؛ بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حدّ رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی و پیری می‌رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند از سوی دیگر، زمین را در فصل زمستان خشک و مرده می‌بینی؛ اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می‌روپاند.

(۱): - سوره الحج آیه: (۵).

توضیح مسئله از منظر باحث:

وقت و زمان به دنیا آمدن کودک را الله تبارک و تعالی تعیین نموده و انتخاب کرده چه تعیین مناسب و اندازه مقرر نیک.

این تعیین اندازه به اساس علم و حکمت الله تبارک و تعالی است. بدین جهت که کودک با جسامت از این زیاده تر به مادر گشتانیدن در شکم ممکن نبود. همچنان اگر الله جل جلاله چوپه مگس و یا چوپه مرغ را به حالت ابتدایی و بسیار کوچک به دنیا فرستاده است به حفاظت و پرورش آن چقدر مردم کامیاب شدند؟ مورد عطف توجه برای ماست.

این مولود نوزاد را چند دقیقه بعد به دنیا خواهد آمد اگر شما به او بگوئید و او را فهمانده بتوانید که پس از مدت اندکی تو به مکان خواهی رسید، از جایگاه موجودات یعنی شکم مادر به لک ها درجه بزرگ است که در آنجا درخت های بزرگ، دریا ها، بحر و انواع حیوانات زنده گی میکنند و اگر به این سخن خود هم قسم بخوری ولی وی یقین نمیکند و این سخن را تصورات و خیال های رنگین بیش نمی داند و اما وی چون به دنیا بیاید و نخستین شعاع روشنی به چشم بتابد بعد از آن وی به باور کردن یا یقین همه این چیز ها مجبور میگردد به همین صورت پیامبران راستین خداوند تبارک و تعالی آمدند و با واسطه وحی الهی در مورد جهان برین به ما مژده داده و از حقایق آن ما را با خبر ساختند و این مسئله الحال تصدیقش در ذهن مشکل میاید در حالیکه تماما حقایق و واقعات اند.

این بدین سبب است که فکر و عقل انسانی دارای میدان نهایت محدود است؛ ولی با قطع شدن رشته روح از بدن انسان این همه پرده ها دور میشود و آخرت با تمام تفصیلاتش به نظر میاید قرآن عظیم الشان در این باره میفرماید:

به نقل از امام البغوی^(۱) در تفسیر معالم التنزیل: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ) ای: فی شک (فَإِنَّا

(۱) - ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی سال پیدایش (۴۳۶ هـ ق) سال وفات (۵۱۶ هـ ق) صاحب کتب زیادی، از جمله: محیی السنه، الفقیه المفسر. منبع: الذهبی، مصطفی محم حسین. التفسیر والمفسرون سال چاپ: (۱۴۳۳ هـ ق) انتشارات: دار الحدیث قاهره.

حَلَقْنَاكُمْ) یعنی: پدرتان آدم علیه السلام کسی که شما از نسل آن هستید خلق کردیم (۱).

مطلب سوم: حقیقت و ماهیت انسان:

قرآن مجید انسان را به دوجنس تقسیم نموده روح و بدن و تاکید دارد که حقیقت و واقعیت انسان همان روح انسان است، روحی که با بدن مادی همراه است. در زمان مرگ روح و نفس آدمی از بدن وی جدایی شود و در عالم برزخ به حیات خود ادامه می دهد.

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خود چنین می فرماید: ﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (۲). ترجمه: سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمتهای او را بجا می آورید.

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (۳). ترجمه: و به خاطر بیاور هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده، می آفرینم. هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود یک روح شایسته و بزرگ دمیدم، همگی برای او سجده کنید.

تحلیل آیت از منظر باحث: الله تبارک و تعالی می فرماید: پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده در افتید. "تسویه" در این آیه: به معنای خلقت اعضای بدن است که به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط آفریده شود. در لغت عرب، برای شخصی که از نظر صورت در حد اعتدال قرار گیرد، از ماده "سوی" استفاده می کنند. بنابر این مقصود از "سوی" در این آیات تکمیل خلقت جسمانی و پردازش آفرینش ظاهری انسان است. پس از آفرینش بدن که در حد اعتدال است، خداوند روحی در آن بدن می دمید.

(۱) - البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل، (۵ / ص ۳۶۶) تحقیق و تخریج احادیث وی: محمد عبدالله النمر، انتشارات: دار الطبیة للنشر و التوزیع. چاپ: چهارم. سال چاپ: (۱۹۹۷م).

(۲) - سوره سجده آیه: (۹).

(۳) - سوره حجر آیه: (۲۸ - ۲۹).

تاکنون خلقت را از دیدگاه قرآن به بحث گرفتیم که به دویخش عمده تقسیم نموده بود یعنی روح و بدن که عمدتاً به زندگی دنیا ارتباط دارد اما قرآن موضوع دیگری را نیز به معرفی می‌گیرد و آن اینکه حقیقت و واقعیت انسان، همان روح او است، روحی که با بدن مادی همراه است. در زمان مرگ روح و نفس آدمی از بدن او بیرون می‌شود و هم‌چنان بعد از مرگ با اینکه پس از مدتی بدن مادی متلاشی می‌شود روح باقی است و در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۱). زمر ۴۲

ترجمه: خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی‌گرداند تا سرآمدی معین؛ در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند.

کلمه "توفی" در این آیت به معنای اخذ و گرفتن است. بی‌شک فرشته مرگ هنگام مرگ، روح آدمی را می‌ستاند، زیرا بدن آدمی باقی است. از این بیان معلوم می‌گردد که حقیقت انسان همان است که قابض الارواح می‌ستاند و آدمی، واقعیتی جز این ندارد. اگر روح نیمی از انسانیت و شخصیت انسان را تشکیل می‌داد باید قرآن کریم به جای "یتوفاکم" می‌فرمود "یتوفی بعضکم" پس حقیقت انسان جز آنچه فرشته مرگ می‌گیرد نیست و پس از اخذ روح، چیزی از حقیقت انسان در زمین باقی نمی‌ماند.

بناءً نتیجه این می‌شود با ذکر دلایل در بحث که سه عنصر مهم در حقیقت انسان دخیل اند:

الف: روح.

ب: نفس.

ج: عقل.

(۱): - سوره زمر آیه: (۴۲).

الف: معنای روح:

انسان مخلوقی است مرکب جسم و روح که خداوند تبارک و تعالی خلق کرده و در خلقت آن هیچ گونه کمی و کاستی رخ نداده است. مقصود از خلقت انسان جمال انسان در جسمش نبوده؛ بلکه هدف جمال در روح انسان و صفای قلب آن است.

در رابطه به این مسئله شروع به حدیثی از احادیث رسول اسلام می‌کنیم: (عن ابو هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم إن الله لا ينظر إلى أجسادكم ولا إلى صوركم ولكن ينظر إلى قلوبكم و أشار بيده إلى صدره) (۱).

به نقل از تفسیر الالوسی: در رابطه به معنی روح گفته: راحت میابد انسان در زمان نفس کشیدن به همین خاطر می‌گویند نفس را راحت کرد (۲).

به نقل از تفسیر مفاتیح الغیب: در معنی روح می‌گوید، مراد آن رحمت الله است الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْتِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ﴾ که مراد آن رحمتی است که شامل حال انسانها شده، مسئله دوم: مراد آن راحت است مسئله سوم: خوشحالی در اصل سعه صدر می‌باشد (۳).

(۱): - النیشاپوری، ابوالحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم. صحیح مسلم، (۴/ص ۸۸)، (کتاب البر والصله والاداب) شماره حدیث: (۱۹۸۶). انتشارات: دارالجیر بیروت لبنان. چاپ: سوم.

(۲): - الالوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله الحسینی. تفسیر الالوسی، (۹/ص ۱۱۵) انتشارات: مکتبه العالمیه بیروت، لبنان. چاپ: دوم. ترجمه مولف: الالوسی، متولد: (۱۲۱۷هـ) متوفی: (۱۲۷۰هـ) ایشان: فقیه، مفسر و محدث بودند. پیدایش ایشان در شهر بغداد بود. در سن جوانی خویش رو به تدریس آورده و شاگردانی را تربیت کردند، در سال: (۱۲۶۳هـ) به مسند افتاء نشست در شهر بغداد وفات کرد (الموسوعه العربیه العالمیه ج ۲ ص ۲۲۰).

(۳): - الرازی، فخرالدین محمد بن عمر التیمی. مفاتیح الغیب، (۱۸/ص ۱۵۰). انتشارات: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان چاپ: اول سال چاپ: (۲۰۰۰م). ترجمه مولف: الرازی، ابوعبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین التیمی. متولد: (۵۴۴هـ)، در موقعیت رای منطقه طبرستان به دنیا آمد، تعلیم وی ابتداء نزد پدرش و دیگر علماء، کتب زیادی در بخش های مختلف از خود بجا گذاشته و در سال: (۷۷۱هـ) در شهر دمشق وفات کرد (الموسوعه العربیه العالمیه ج ۲ ص ۲۳۹).

همچنان الله تبارک و تعالی در جای دیگری از کلام خود می فرماید: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾^(۱). ترجمه: از تومی پرسند راجع به روح بگو برای شان روح از جانب پروردگارم است.

به نقل از تفسیر البیضاوی: در رابطه به این آیت ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ﴾ مراد از روح چیزی است که بدن توسط آن زنده می شود و اعضا در کنترل صاحب روح قرار می گیرد. ﴿أَمْرِ رَبِّي﴾ یعنی: از ابداعیات کائنات است.^(۲)

ب: معنی نفس.

نفس به معنی جان و حیات به اساس فرموده الله تبارک و تعالی در این آیت: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^(۳). ترجمه: هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی میرد. و همچنان در دیگر آیت می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾^(۴). انبیاء ترجمه: هر انسانی طعم مرگ را می چشد.

تعریف دیگری از نفس در قرآن: نفس به معنی شخصیت شکل گرفته و متعادل. به اساس فرموده الله تبارک و تعالی ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^(۵). ترجمه: خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی کند.

نفس به معنی: وجدان و خود آگاہی: به اساس فرموده الله تبارک و تعالی: ﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ﴾^(۶). ترجمه: (در آن زمان) هر کس می داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است.

(۱) - سورة الانساء آیه: (۸۵).

(۲) - البیضاوی، ناصرالدین ابو الخیر. تفسیر البیضاوی، (۳/ ص ۴۴۶). انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام زاهدان ایران.

(۳) - سورة آل عمران آیه: (۱۴۵).

(۴) - سورة انبیاء آیه: (۳۵).

(۵) - سورة بقره آیه: (۲۸۶).

(۶) - سورة انفطار آیه: (۵).

نفس به معنی نفس حیوانی یا اماره یا نفس تعالی نیافته: به اساس فرموده الله تبارک و تعالی ﴿وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۵). یوسف ۳۵ ترجمه: من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

نفس لوامه یا ملامت کننده: ﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾^(۶). قیامه ۲ ترجمه: و سوگند به (نفس لوامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حق است).

و در اخیر نفس مطمئنه: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾^(۷). فجر ۲۷ - ۳۰ ترجمه: تو ای روح آرام‌یافته به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خوشنودی و هم او از تو خوشنود است، پس در سلک بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو.

ج: معنی عقل.

در آیات و روایات که دو منبع اصیل شناخت اسلام است به طور صریح از عقل تعریفی ارائه نشده و به صورت مرسوم در باب تعریفات، ماهیت آن در قالبی مشخص مطرح نگشته است؛ اما با تعبیر و لحن‌های گوناگون به صفات و لوازم عقل و عاقل اشاره شده که بدین وسیله می‌توان تا اندازه‌ای به برخی از شعاع‌های عقل دست یافت. از این رو، با استفاده از قرآن و احادیث کوشش می‌کنیم در این مجال اندک برخی از این شعاع‌ها را در ذیل چند امر بیان کنیم:

۱ - معنای اصلی عقل، بستن و نگه داشتن است و به همین جهت ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی را با آن درک می‌کند، عقل نامیده می‌شود. همچنین نیرویی که به واسطه آن خیر و شر و حق و باطل را از یکدیگر تشخیص می‌دهد، عقل نام دارد و مقابل آن جنون، سفه و جهل است. در دیدگاه قرآن، عقل موهبتی الهی است، که آدمی را به سوی حق هدایت می‌کند و از گمراهی نجات می‌دهد^(۱).

(۱) - مرادی، محمد خبیر. صفات انسان در قرآن، (ص ۳۴ - ۳۶). انتشارات: امیر کبیر ایران تهران.

۲ - در قرآن کریم (۴۹) بار از مشتقات ماده "عقل" استفاده شده است و درعین حال، واژه های دیگری مترادف با عقل تلقی گشته است بطور مثال: سوره طور آیه ۳۲، سوره طه آیه ۵۴، سوره حجر آیه ۱۲۷، سوره فجر آیه ۵، سوره ق آیه ۳۷، سوره حج آیه ۴۶، سوره توبه ۸۷ و ۱۲۷، سوره آل عمران آیه ۷، سوره رعد آیه ۱۹، سوره زمر آیه ۱۸، سوره غافر ۵۴ (۱).

شرح: در کل اگر اشاره مختصری داشته باشیم به دلایل در می یابیم که ماده عقل نه تنها در این آیات که آدرس آن در فوق ذکر شده بلکه در آیات مختلف و متعددی اشاره به عقل و اهمیت، و جایگاه آن شده، در اصل تکلیف برای یک انسان عقل او است، عقل سبب باز خواست و پرسش می شود.

تفصیل چندی از آیات:

الله تبارک و تعالی در کلام خود فرموده: ﴿أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِيَدَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ﴾ (۲). ترجمه: آیا عقل های شان آنها را به این اعمال دستور می دهد، یا قومی طغیانگرند؟

به نقل از مقاتل: ﴿أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ﴾ بنابر این از آنها پرسید آیا رویاها و عقل آنها این جمله را به او می گوید که او شاعر ویا کشیش است؟ (۳).

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ﴾ (۴). ترجمه: آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمتی برای صاحبان عقل نیست؟

(۱) - مرادی، محمد خیر. صفات انسان در قرآن، (ص ۲۵).

(۲) - سوره الطور آیه: (۳۲).

(۳) - مقاتل بن سلیمان. تفسیر مقاتل، (۳/ ص ۴۲۳). انتشارات: دارالمعرفه بیروت لبنان. چاپ: دوم سال چاپ: (۱۹۹۸م).

ترجمه مولف: مقاتل بن سلیمان بن بشیر الازدی، بلخی، مشهور به ابوالحسن متوفی: (۱۵۰هـ) ایشان: یکی از علماء و مفسرین، سکونت اصلی شان از بلخ باستان بود که به بصره انتقال یافته و به بغداد همچنان زیسته بود، در بصره دفن گردید. (اعلام للزرکلی ج ۱ ص ۴۸).

(۴) - سوره الفجر آیه: (۵).

به نقل از مقاتل: ﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ﴾ در آن قسم برای کسی که دارای قلب است، کافی است، یعنی: عاقل، بنابراین عظمت این سوگند معلوم است، بنابراین خداوند قسم یاد می کند (۱).

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا﴾ (۲). ترجمه: آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند.

به نقل از قرطبی: در تفسیر این آیت او ذهن را به قلب اضافه کرد؛ زیرا محل آن است، همانطور که شنوایی محل گوش است و گفته شده است که ذهن محل مغز است (۳).

۳ - در روایات نیز عقل، ابزاری برای شناخت حقایق تلقی شده است. عقل است که خدا انسان‌ها را به آن آراسته و روشنی بخش آنان قرار داده است. پس بنده گان به واسطه عقل، آفریدگار خود را شناخته و خوب را از بد تمیز کرده می تواند؛ شناخته اند که تاریکی در نادانی و روشنایی در آگاهی است. این چیزی است که عقل، آنان را به آن رهنمود شده است.

۴ - از مجموع روایات در باب خلقت "عقل" چنین استفاده می شود که عقل دارای دو قوس صعود و نزول است و از آن به اقبال "روی آوردن" به ادبار "بازگشتن" تعبیر شده است. با توجه به مضامین در بخش تفسیر وحدیث و همچنان دیدگاه اندیشمندان بزرگ اسلامی، اقبال عقل، اقبال به عالم طبیعت، اجسام، مواد و عالم کثرت است و در همین عالم است که عقل در نازل ترین مرتبه خود قرار می گیرد و مردم آن را گاه در امور معاش و گاه در امور معاد خود به کار می گیرند. عقل نزول کرده همان عقلی است که گاه برای فراگیری علوم مختلف و بدست آوردن و حفظ تجربه‌ها از آن استفاده می شود (۴).

(۱) - مقاتل بن سلیمان. تفسیر مقاتل، (۴/ ص ۲۱۳).

(۲) - سوره الحج آیه: (۴۶).

(۳) - قرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر. تفسیر القرطبی، (۳/ ص ۱۲۸) انتشارات: دارالقلمه بیروت لبنان چاپ: دوم سال چاپ: (۱۹۸۹م).

ترجمه مولف: قرطبی، متولد: (۶۰۰هـ) و متوفی: (۶۷۱هـ). در شهر قرطبه به دنیا و به سکندریه سفر کرده، ایشان: مفسر، فقیه، اهل لغت. در قرطبه وفات کرده در منطقه سعید مصر مدفون است. (موسوعه العربیه العالمیه ج ۴ ص ۱۲۹).

(۴) - آمدی، عبدالوحد. شرح غررالحکم، (ج ۱ ص ۱۷۷). انتشارات: احسان ایران تهران.

مطلب چهارم: هدف و مقصد از پیدایش انسان در قرآن.

انسان مخلوقی است در میان مخلوقات الله تبارک و تعالی با یک سلسله شباهت ها و تفاوت ها با دیگر مخلوقات الله تبارک و تعالی. بطور مثال: انسان در صورت سالم بودنش رونده، گوینده و خورنده است، در حالیکه هستند مخلوقاتیکه در بخشی از موارد با انسانها شریک هستند؛ اما نمونه‌های دیگری خلقت پروردگار که کاملاً متفاوت تر از انسان است.

در نخست مسئله خلق بشر را روی دست می‌گیریم به قسمیکه الله تبارک و تعالی در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۱). ترجمه: جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیا فریدیم.

به نقل از علامه سمرقندی: در تفسیر این آیت خلق نشده انسان مگر اینکه امر به عبادت شده یعنی انسان خلق کرده شده فقط برای عبادت پروردگار^(۲)

علامه زمخشری: در تفسیر این آیت مینویسد جن و انسان فقط برای عبادت الله خلق شده، از تمام اینها جز این توقع دیگری نمی رود^(۳).

امام سیوطی در تفسیر جلالین موضوع را چنین می‌پندارد: مراد آن نفی عبادت نکردن کفار نیست بلکه تأکید برای حتمی بودن عبادت است^(۴).

(۱): - سورة الذاریات آیه: (۵۶).

(۲): - السمرقندی، نصر بن محمد. بحر العلوم (۴ / ۱۹۹) انتشارات: مکتبه حقانیه پشاور پاکستان. ترجمه مولف: السمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. مفسر و محدث، ملقب به امام الهدی بود تألیفات زیادی داشت از جمله بارز ترین تألیفاتش تفسیر بحر العلوم است که به زبان ترکی هم ترجمه شده (الموسوعه العربیه العالمیه ج ۵ ص ۱۲۳).

(۳): - الزمخشری، جارالله محمود بن عمرو. تفسیر الکشاف. (۶ / ۴۲۵) انتشارات: دارالمعرفه بیروت، لبنان. ترجمه مولف: الزمخشری، جارالله محمود بن عمرو بن احمد ملقب به ابوالقاسم. ایشان امام، مفسر، اهل لغت و ادب، در زمخشر از نواحی خوارزم به دنیا آمد در مذهب معتزلی زیست سفری به مکه داشت، کتب زیادی در موارد مختلف از جمله: تفسیر، حدیث، ادب و لغت نوشته و در شب عرفه در خوارزم وفات نموده (الموسوعه العربیه العالمیه ج ۴ ص ۱۲۴).

(۴): - السیوطی، جلال الدین. تفسیر الجلالین، (۲ / ۲۲۹) انتشارات: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان چاپ اول سال چاپ: (۱۹۹۸). ترجمه مولف: سیوطی، جلال الدین. (۸۴۹هـ). ایشان: عالم در علوم حدیث، تفسیر، زبان، تاریخ، ادب، فقه و ... در قاهره به دنیا آمد و بزرگ شد از آنجا به شام، حجاز، یمن، هند سفر کرده، نوشته های وی: به (۶۰۰) کتاب میرسد هستند کتب که صفحات خیلی زیاد دارد نام تعدادی از کتب وی: الجامع الکبیر، الجامع الصغیر، در حدیث النذیر البشیر، الاتقان فی علوم القرآن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور طبقات المفسرین الاشباه والنظائر ... در شهر قاهره در سال (۹۱۱هـ) وفات کرد.

۱ - عبادت:

الف: مقصد از خلق بشر: عبادت است خالص الله تبارک و تعالی را بر زبان یاد و اقرار کردن، اندام وجوارح را آماده برای اطاعت از فرامین الله ساختن، پابند بودن به ارکان اسلام، در راه الله تبارک و تعالی بذل نفس و مال را در اولویت قرار دادن بناء با این اوصاف معنی و مقصود خلقت انسان را در چنین ویژه گی ها می توان خلاصه کرد قابل ذکر است تمام مواصفات در این متن بیان نشده به عنوان مثال از آن یاد آوری شده (۱).

ب: هدف در خلق بشر: خداوند تبارک و تعالی انسان را برای صلاح و نفع خلق کرد، انسان را به کمال رساند، همچنان انسانیت را به کمال و بلوغ فکری رساند برایش نام اعمال خیر را نهاد (۲).

هدف دیگری در خلق بشر: فهم درست ایمان از کفر، خیر از شر، به ایراده و مشیت الله تبارک و تعالی در لابلای افعال بندگان الله به قسمیکه از زندگی گذشته گان و چگونگی زندگی شان آگاهی داریم از جمله: داستان و زندگی نوح علیه السلام و مردم آن زمان، داستان و قصه موسی علیه السلام و مردم آن زمان و ... (۳).

به نقل از فی ظلال القرآن: الله تبارک و تعالی خالق مخلوقات است: او جل جلاله میداند که چگونه بشر را خلق کرده، میداند که چه چیزی در قلوب شان قابل تأثیر است، میداند که کدام عمل سبب اصلاح و تربیت شان می شود، الله جل جلاله بخت میداند که برای کدام یک از مخلوقش نعمت نصیب فرماید و کدام یک عذاب و الم، میداند که انسانها در صنوف مختلف از لحاظ رنگ، چهره، زبان، نجات و ... قرار دارد (۴).

(۱) - نیشاپوری، حسن بن محمد بن حبیب بن ایوب ملقب به ابوالقاسم، تفسیر النیسابوری، (۱۷۱/۶) انتشارات: دارالقلم قاهره.

(۲) - بن عاشور، محمد طاهر. التحریر والتنویر، (۴۸ / ۸) انتشارات: دار سحنون للنشر والتوزیع کشور تونس سال چاپ: (۱۹۹۷م).

ترجمه مولف: وی در سال (۱۸۷۹م) در کشور تونس به دنیا آمد، فارغ تحصیل از دانشگاه زیتونیه شد، در سال ۱۹۱۱ به صفت قاضی انتخاب شد کتب زیادی از خود بجا گذاشته و در سال (۱۹۷۳م) درگذشت.

(۳) - الزحیلی، وهبه بن مصطفی. التفسیر المنیر، (۲۶۹ / ۱۱). انتشارات: دار الفکر المعاصر چاپ: بیروت دمشق سال چاپ: (۱۴۱۸ ه.ق).

(۴) - سید قطب، ابراهیم. فی ظلال القرآن، (۳۲۹ / ۶) انتشارات: دار الشروق القاهره.

۲ - عمران (آبادی زمین):

یکی دیگر از مقاصد خلقت انسان در روی زمین تعمیر و آبادانی زمین است بناء آبادی در زمین ممکن نیست مگر به تلاش و پشتکار انسان، انسان زمانی به رفاه و آسودگی دست یاب می شوند که در آبادی زمین از هیچ تلاشی فروگذاری نکند. از همین جهت الله تبارک و تعالی یکی از مقاصد خلقت انسان را ربط به آبادی زمین داده، در قرآن عظیم الشان در موارد مختلفی آیات متعددی را می توان پیدا کرد که تشویق تعمیر و ترمیم می کند؛ البته ناگفته نباید گذاشت که همه اشیاء از آن الله است و همه دوباره فنا پذیر اند.

عمران به معنی آبادی، آبادانی به کار رفته است ^(۱). چراکه با سازه های بشری است که آبادی تحقق می یابد و زندگی در آن رنگ و رویی تازه و دیگری پیدا می کند از این رو است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ ^(۲). ترجمه: و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم "عاد" قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید؛ و در کوهها، برای خود خانهها می تراشید بنا بر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید و در زمین، به فساد نکوشید.

در ارزش و اهمیت آبادانی همین بس که خداوند در هنگام بر شماری نعمت های الهی به بشر به توانمندی وی بر عمران و آبادسازی زمین توجه می دهد و سپس از وظیفه آبادسازی و عمران کردن زمین به عنوان ماموریت اصلی سخن بیان می آورد. به این معنا که می فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ ^(۳). ترجمه: اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت.

به نقل صاحب تفسیر النکت العیون (المآوردی) در توضیح این آیت می فرماید: هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ در این بخش آیت سه مسئله قابل ذکر است:

(۱) - عمید، حسن فرهنگ فارسی. (۲/ ۲۳۵۱) انتشارات امیر کبیر تهران ایران سال چاپ: (۱۳۶۳) چاپ: اول.

(۲) - سوره اعراف آیه: (۷۴).

(۳) - سوره هود آیه: (۶۱).

الف: خلقکم من الارض منظور این است که شما خلق از آدم شده اید و آدم از خاک پیداشده.

ب: معنی أَنشَأَكُم در زمین.

ج: أَنشَأَكُم بنبات زمین.

در بخش دوم آیت: **وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا** همچنان سه وجه وجود دارد:

الف: اعمركم فيها یعنی خلق کرده شمارا تا بسازید زمین را.

ب: دستور به بازسازی داده تا خود برطرف کننده احتیاجات خود باشید، خانه بسازید، درخت غرس نمایید.

ج: اعمالت را در آن طولانی کن، گویا که هزار سیصد سال عمر میکنی^(۱).

خداوند تبارک و تعالی در ارتباط به استفاده درست از زمین و بینه کردن نقطه کمی از زمین برای ما می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُمْتَشَاهِمًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^(۲). ترجمه: اوست که باغهای معروش باغهایی که درختانش روی داریست‌ها قرار دارد، و باغهای غیرمعروش باغهایی که نیاز به داریست ندارد را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می‌باشد) از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید و حق آن را به هنگام درو، پردازید و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

به نقل از صاحب جلالین در این آیت: خداوند خلق کرده باغ های انبوه به مثل: خربوزه را، و همچنان درختان سربه فلک کشیده ای به مثل: درختان خرما را، که شباهات در ظاهر بعضی ها اما از لحاظ طعم کاملاً متفاوت از دیگر هستند^(۳).

(۱) - الماوردی، علی بن محمد. تفسیرالنکت والعیون (۲/ ۲۰۷). انتشارات: دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان. ترجمه مولف: الماوردی، علی بن محمد بن محمد بن حبیب البغدادی، مشهور به الماوردی. متولد: (۳۶۴هـ) یکی از مفکرین شافعی مذهب بود. ایشان در فقه، اصول فقه، تفسیر، زبان عربی مهارت کامل داشت. یکی از بزرگان دولت عباسی به شمار می رفت، وی در سال (۴۵۰هـ) وفات نمود.

(۲) - سوره الانعام آیه: (۱۴۱).

(۳) - السیوطی، جلال الدین. تفسیر جلالین. (۲/ ۴۲۹).

بناء بخش بزرگی از زندگی انسان را زراعت تشکیل می دهد از این جهت خداوند از هر کدام از حبوبات میوه ها در آیات متعددی یاد آوری کرده که بطور نمونه از آن مثال بردیم.

ما می توانیم به کمک زراعت خوب به بخشی از آبادی زمین نائل شویم که این خود در حقیقت عمران زمین است.

۳ - مقصد دیگر خلقت انسان خلافت در زمین است:

مقصد دیگر از مقاصد خلق انسان خلافت انسان که الله تبارک و تعالی بدوش انسانها قرار داده و وی را مکلف ساخته تا در زمین عنوان جانشین الله تبارک و تعالی دساتیر و قوانین او تعالی خود تطبیق نموده دیگران را هم مکلف بسازد این امر ممکن نیست مگر اینکه رهنما برای انسان از جنس انسان باشد.

طوریکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۱). ترجمه: به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی نماینده‌ای قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است، ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.

صاحب تفسیر جلالین می نویسد: مراد از خلیفه در این آیت تنفیذ احکام است این ممکن نیست مگر به وسیله آدم^(۲).

به نقل از صاحب اضواء البیان: در تفسیر این آیت مراد از خلیفه پدرما آدم علیه السلام است چراکه اولین خلیفه در روی زمین ایشان بودند بخاطر تطبیق اوامر او تعالی^(۳).

(۱) - سوره بقره آیه: (۳۰).

(۲) - السیوطی، جلال الدین. تفسیر جلالین. (۱/ ۳۶).

(۳) - مقاتل بن سلیمان. تفسیر مقاتل. (۱/ ۲۲) انتشارات: مطبعه دار الشروق بیروت لبنان.

به نقل از امام رازی (۱) در تفسیرش: می گوید که مراد از خلیفه در این آیت در روی زمین آدم را خلیفه می گردانم؛ بناء زمانیکه نام از زمین برده میشود شامل تمام نقاط زمین است اگر مشرق است یا مغرب. به قسمیکه در جای دیگری می فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾ (۲). ترجمه: سپس شما را جانشینان آنها در روی زمین قرار داد. در کلمه خلیفه دو مسئله وجود دارد اول مراد آن آدم علیه السلام است در این بخش: ﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا﴾ مراد ذریه آدم یعنی اولاد است (۳).

مبحث سوم: تربیت انسان در قرآن:

انسان در مراحل مختلف از زندگی خود شامل بخش های از تربیت می شود اگر تربیت جسمی باشد یا معنوی اما انسان آنرا تجربه می کند، اصل مسئله این که تمام این مسائل در قرآن به وضوح اشاره شده گاهی به صورت اجمال و گاهی به صورت تفصیل که حال تربیت جسمی را مورد بحث و بررسی قرار داده توضیح می دهیم. تربیت جسمی همچنان به مثل دیگر انواع تربیت از خود مراحلی دارد از بدو پیدایش انسان از بطن مادر، رشد آن در طی زمانهای مختلف از لحاظ وزن قد در حقیقت رشد قابل ملاحظه ای است که باید تأمل کرد خداوند جل جلاله خالق هستی است از چگونگی خلقت مخلوق، رشد و نموی مخلوق، بقا و فنای مخلوق خود کاملاً آگاه است، بناء باید ذکر کرد: الله تبارک و تعالی هر موجود صاحب روح را در زمان خلقت آن به یک وزن خاص و اندازه خاص خلق می کند بعد از گذر زمان الله تبارک و تعالی وی را رشد و نمو می دهد به قسمیکه در کلام خود می فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۴).

(۱) - الرازی، ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسن بن حسین ملقب به فخرالدین متولد (۵۴۴هـ) در شهر ری طبرستان، از کبار علمای عصر خود به فراگیری علم پرداخت، ایشان خود از جمله علمای بزرگ ان زمان بود کتب زیاد نوشت من جمله: تفسیر مفاتیح الغیب یکی از نوشته های وی است درسال: (۶۰۶هـ) وفات نمود (الموسوعه العربیه العالمیه ج ۳ ص ۳۲۱).

(۲) - سورة یونس آیه: (۱۴).

(۳) - الرازی، فخر الدین. تفسیر مفاتیح الغیب، (۱ / ۴۴۱) انتشارات: دار القمه بیروت لبنان.

(۴) - سورة فاتحه آیه: (۲).

مطلب اول: مراحل تربیت جسمی.

به نقل صاحب تفسیر جلالین: در این بخش رَبِّ الْعَالَمِينَ تربیت کننده قدم به قدم یعنی الله تبارک و تعالی مالک تمام خلق است اعم از جن وانس وملائکه و ... برای تمام اینها عالم گفته می شود بطور مثال: عالم انسان، عالم جن وغیره (۱).

(۱): مرحله دوران قبل از تکلیف:

بعد از پیدایش طفل اولین کاری که نزدیکان طفل انجام میدهد شیردهی طفل نوزاد است، بعد از انتقال دوره جنین به دوره نوزادی، را شاید بزرگترین دوره انتقال در زندگی دانست که هر فرد آن را تجربه می کند. قرآن کریم با اشاره به این مرحله، فرموده است: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ﴾ (۲). ترجمه: و خداوند شما را از خاک مرده، سپس از نطفه آفرید، آن گاه شما را زوج های نر و ماده قرار داد. هیچ ماده ای باردار نمی شود و بارش را نمی نهد مگر به علم او.

به نقل از صاحب تفسیر سمرقندی: در تفسیر این آیت مراد از وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ یعنی خداوند جل جلاله آدم را خلق کرد از خاک ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ یعنی: خلق کرد انسانرا از نوع دیگر انسان به نحوی از نطفه که آب مرد و زن یک از تولد تا هفت سالگی:

(۱): اظهار سرور و شادمانی در وقت پیداشدن طفل:

اظهار سرور و شادمانی در وقت پیداشدن طفل و تبریک دادن به کسیکه بخانه اش طفلی پیدا می شود. این کار به نظام خانواده و ارتباط فامیل ها به یکدیگر اثر خوبی میگذارد.

(۱) - سیوطی، جلال الدین. تفسیر جلالین (۱ / ۱ - ۲).

(۲) - سوره فاطر آیه: (۱۱).

قرآن کریم از بشارت دادن اولاد به مناسبت‌های متعددی جهت ارشاد و رهنمایی ما یاد آور شده است. در جایی همسر ابراهیم علیه السلام را به پیداشدن اسحق علیه السلام بشارت می‌دهد می‌فرماید: ﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾^(۱). زن ابراهیم علیه السلام (که در آنجا) ایستاده بود خندید پس ما او را به (پیدایش) اسحق و از پی او به پیدایش یعقوب بشارت دادیم^(۲). یعنی شادمانی کردن یک اصل است در زمان پیدایش نوزاد وقتی طفلی بخانه ای شخص مسلمان پیدامی شود به اساس مژده ملک به خانم ابراهیم علیه سلام باید مژده داده شود و خوشحالی شود.

(۲): دوران شیردهی کودک: موضوع را از آیت قبلی که ذکر شد در این دوره تربیت همان پرورش کودک است تربیت طفل شیر خوار تغذیه مناسب او با شیر مادر است. خدای متعال در این زمینه امر می‌کند: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾^(۲). ترجمه: و مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند... این آیه: به صورت جمله خبری آمده است، ولی منظور از آن امر است؛ یعنی باید فرزندان خود را شیر بدهند^(۳).

از جمله اقدام‌های تربیتی در ایجاد زمینه مناسب، برای گرایش کودک به معنویات و عبادت، به ویژه نماز، این است که مادر در دوره شیر دادن به کودک، همواره وضو داشته باشد. زیرا اثر تربیتی اش این است: وضو به عنوان مقدمه نماز، نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگی‌ها می‌شود، بلکه تطهیر روح را نیز در برمی‌گیرد. این طهارت جسم و روح که با وضو حاصل می‌شود، تأثیر روانی در روحیه مادر و کودک دارد. اگر مادر هنگام شیر دادن با وضو باشد، باعث استراحت و آزادسازی روح کودک و رابطه معنوی او با خداوند می‌شود^(۴).

حق شیر دادن طفل در دوران شیر خوارگی مخصوص مادر است، و اوست که میتواند درین مدت فرزند خود را شیر دهد و از او نگهداری کند، اگر چه حق سرپرستی اطفال صغیر بر عهده پدر گذاشته شده، اما از آنجا که تغذیه جسم و جان نوزاد درین مدت با شیر و عواطف مادر پیوند ناگستنی دارد، حق نگهداری و سرپرستی را برعهده او گذارده است، و اگر مادر بنا به معاذیری که دارد از شیر دادن طفل خویش ابا می‌ورزد باید نگهداری و شیر دادن کودک به دایه مناسب واگذار

(۱) - سوره هود آیه: (۷۱).

(۲) - سوره الفاطر آیه: (۱۱).

(۳) - طبرسی، فضل بن حسن بن مفضل. تفسیر الطبرسی (۲ / ۵۸۶)، انتشارات احسان تهران سال چاپ: (۱۳۷۲).

(۴) - فقیهی، محسن معرفت ابواب الفقه (ص ۳۲) انتشارات: مرکزین المللی ترجمه و نشر المصطفی چاپ: نهم سال چاپ: (۱۳۹۶هـ).

شود مشروط به اینکه این امر سبب آن نگردد که حقوق مادر پایمال شود؛ بلکه باید به تمام حقوق او رسیدگی بعمل آید (۱)

طفل تعلیم و تربیه:

اولین چیزی که به طفل تعلیم داده می شود همانا او را بنام خداوند آشنا ساختن است؛ مثلا در ابتداء طفل زمانی که بمسجد داخل می گردد به او قبل از شروع حروف هجا "لااله الاالله محمد رسول الله" یافتاح یاعلیم و بسم الله الرحمن الرحیم" یاد داده می شود (۲).

(۳): چگونگی تربیت طفل:

طفل تا وقتی که خرد است به آغوش والدین خود میباشد والدین درین اثناء مکلفیت دارند که از همان آوان خرد سالی به تربیه او بکوشند و او را به چیزهای خوب آهسته رهنمایی کنند و از چیزهای بد منع نمایند؛ اما همینکه اطفال به مرحله تعلیم رسیدند باید در تربیه و تعلیم آنان والدین و مربیان به تفاهم یکدیگر پردازند. دین مقدس اسلام برای اصلاح طفل و طرز تربیه وی نظریه خاصی را ارائه میدهد:

اگر برای طفل موعظه ارشاد و نرمش مفید باشد نباید طفل مهجور قرار داده شود یعنی با او سخن گفتن منع گردد و اگر مهجور بودن و یا توبیخ برایش مفید واقع شود، نباید مورد لت و کوب قرار گیرد، و اگر تمام این وسایل از نوازش، وعظ، ارشاد، توبیخ، زجر و مهجور قرار دادن به تربیه وی مؤثر واقع نشد درین مرحله است که از لت و کوب که به جرح و زخم طفل منجر نگردد کار گرفته می شود. از مراتب فوق الذکر در احادیث آتی ذکر بعمل آمده است.

در مورد نوازش و ارشاد طفل از آنحضرت صلی الله علیه وسلم صحیح بخاری و مسلم چنین روایت می کند: "عمرو پسر ابی سلمه رضی الله عنه می گوید: من پسر "خردی" تحت تکفل آنحضرت صلی الله علیه وسلم بودم در وقت طعام خوردن دست های خود را به اینطرف و آنطرف کاسه غذا می انداختم برای من آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: " ای پسر بسم الله بگو، بدست راست خود غذا بخور و از طرف نزدیک خود لقمه خود را بگیر.

(۱): - نافع، نظام الدین. حقوق طفل در اسلام (ص ۲۳).

(۲): - همان اثر (ص ۲۴).

در صحیح بخاری و مسلم نیز از سهل پسر سعد رضی الله عنه روایت شده است وی گفت: برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم نوشیدنی آوردند آنحضرت از آن نوشیدند بجانب راست شان پسری نشسته بود و بجانب چپ شان کلان سالانی نشسته بودند آنحضرت به آن پسر گفتند: آیا اجازه می‌دهی که این نوشیدنی را به اینها بدهم؟ این در واقع نوعی از نوازش و لطفی بود که آنحضرت به این پسر نمودند پسر گفت: نه بخدا من سهم خود را بکسی نمیدهم آنحضرت جام نوشیدنی را روی دستش نهادند این پسر عبدالله پسر عباس رضی الله عنهما بود.

در مورد مهجور قرار دادن (سخن ناگفتن با اطفال) در صحیح بخاری و مسلم چنین آمده است: یکی از نزدیکان پسر مغفل (که هنوز به سن رشد نرسیده بود) به ریگ‌ها توسط انگشتان خود نشانه میزد او را پسر مغفل منع کرد و گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم از نشانه زدن به ریگها منع فرمودند و گفتند: که به این شکاری صید نمی‌گیرد، دشمن بوسیله آن از بین نمی‌رود بجز اینکه چشم (انسانی) را نابینا کند و یاددانی را می‌دهد (مفادی ندارد) مگر آن پسر حرف او را نادیده گرفت و بکار خود ادامه داد پسر مغفل گفت بتو می‌گویم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم از این عمل منع کرده اند و توبه این کار ادامه می‌دهی؟ من باتو دیگر سخن نمی‌زنم.

در مورد لت و کوب کردن اطفال به نحوی که مجروح و زخمی نگردد: از عمرو پسر شعیب در کتاب سنن ابی داود و مستدرک روایت است که وی از پدر کلان خود روایت می‌کند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: اولاد خود را به نماز امر کنید وقتی که سن شان به هفت سالگی می‌رسد و اگر به سن ده سالگی نماز اداء نمی‌کردند آنها را بزنید و بستر خواب شانرا از یکدیگر جدا کنید (۱).

درین دوره اگر والدین و معلمین به تربیه اولاد توجه نکنند و از آنها مراقبت جدی نه نمایند شکی نیست که اطفال به فساد و فحشاء دست می‌زنند و به اعمال زشت روی می‌آورند. بهترین راه جلوگیری و معالجه منحرف شدن اطفال همانا مصروف نگهداشتن شان و پرکردن اوقات فراغت آنها می‌باشد و به همین شیوه می‌توانیم آنها را به راه‌های سالم تشویق کنیم و به پند و اندرز شان بپردازیم باید چنان پروگرامهای سمعی و بصری از طرف مؤسسات مربوط در نظر گرفته شود تا اوقات فراغت اولاد مراهق به مطالعه کتب اسلامی، قصص قرآنی، سیرت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و یاران شان و داستانهایی که از یک طرف سرگرم شان نگهدارد و از جانبی به معلومات شان بیفزاید برگردد و به ورزش‌های بدنی که به صحت شان مفید است و به کارهای دستی و حرفه‌های دلچسپ مصروف گردند و به نشانه زدن، سوار کاری اسب، شنا و غیره سرگرمی

(۱) - نافع، نظام الدین حقوق طفل در اسلام (ص ۲۴).

۴: دوران مراقب:

ها متوجه ساخته شوند و به حلقه های علمی و مجالسی و عظمی که در مساجد و جاه های دیگر به منظور اصلاح جامعه بر گذار می شود شرکت نمایند. راه دیگری که به اصلاح جوانان کمک می کند همانا هم صحبتی با رفقای صالح و نیک است که همیشه او را همراهی کنند و اگر خطایی از وی سرزند نصیحتش نمایند و اگر به لغزشگاه فرو رود او را مدد و همکاری کنند پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: " الرجل علی دین خلیله فلینظر احدکم من یخالل " (۱).

ترجمه: شخص با کیش دوست خود میباشد پس باید ببیند با چه کسی دوستی و رفاقت می کند.

۵: همسازی کودک در عبادت:

رفتار پدر و مادر در محیط خانه، هرچه باشد سرمشقی برای کودکان خواهد بود. زیرا آنان فاقد درک کامل شرایط عقلی هستند که بتوانند خوبی را از بدی تمایز دهند. از این گذشته، فرزندان به پدر و مادر شان علاقه دارند و بر اساس همین علاقه، آن ها را سرمشق خود قرار می دهند و می کوشند رفتارشان را با افعال ایشان انطباق دهند. روی این اصل معلوم می شود که پرورش اخلاقی کودکان در محیط خانه، به صورت عملی انجام می پذیرد (۲).

زیرا کودکان اولین و بهترین درس دینداری و ارتباط معنوی با خدا را در محیط خانه از طریق مشاهده، عملکرد والدین به ارث می برند. وقتی که کودکان و نوجوانان مشاهده می کنند که پدر و مادرشان نسبت به امور مذهبی حساسیت و دقت نظر دارند و به عبادت اهمیت فراوان نشان می دهند و در اوقات نماز با اشتیاق به سوی عبادت می شتابند و در مناسبت های مذهبی و مراسم عبادی شرکت فعال دارند، خود به خود به این قبیل امور احساس علاقه و نشاط می کنند و مجذوب حالات ملکوتی دعا و مناجات می شود (۳).

(۱): - نافع، مظام الدین حقوق طفل در اسلام (ص ۲۵).

(۲): - رشیدپور، مهرداد شاه علی. فرهنگ و اخلاق، (ص ۱۰۹) انتشارات: امیر کبیر تهران. سال چاپ: (۱۳۷۴هـ).

(۳): - مروجی طوسی، محمد رضا حقوق فرزندان در اسلام (ص ۱۶۸) انتشارات: نشر احسان تهران. سال: (۱۳۸۷هـ).

۶: همراه کردن کودکان در محافل مذهبی:

حضور کودکان در اماکن و برنامه های مذهبی به ویژه نماز جماعت، مخصوصا اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می کند. هرچه میزان شرکت کودک و فعالیت های او در محیط های علمی و مذهبی بیشتر باشد، به نگرش های دینی والاتری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه مندی کودک به این محیط های خوب با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط را مستقیمی دارد^(۱).

البته برای ایجاد موفقیت در این زمینه لازم است در کنار عبادت و نماز، برای کودکان برنامه های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند: اهدای جوایز، کارت تشویق، پخش شیرینی در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت فراهم می کند^(۲).

جسم انسان نگاه دارنده روح و عقل انسان است، از همین جهت قرآن کریم به این مسئله توجه خاصی را مبذول داشته بناء قرآن کریم در ارتباط جسم انسان و ارزش آن عنایات زیادی قایل شده اند، از جمله: مسایل قبل از ازدواج، انتخاب شریک زندگی، آداب جماع و احکام وضع حمل، مسایل رضاعت شیردهی، حضانه و تربیه طفل تا اینکه به سن بلوغ برسد.

۷: دوران بعد از تکلیف:

همینکه طفل به سن رشد رسید و ازدواج برایش مناسب پنداشته شد برای پدر مستحب است که از مال خویش به مصارف زواج و تهیه اسباب منزل اولاد پردازد، بسا پدرها دیده می شوند درحالیکه استطاعت مالی هم دارند به این بمانه که اولاد شان جوان گردیده اند و مسؤلیت نفقه شان به عهده خودشان می باشد از کمک نمودن به اولاد ابا می آورند و در مصارف ازدواج شان دخالت می کنند. درین فرصت اگر جلو غریزه شهوانی جوان بوسیله ازدواج گرفته نشود شاید بعضی از جوانان دست بفحشاء و منکر زنند و سبب فساد اخلاقی خود و دیگران گردند ازینرو برای پدران صاحب استطاعت در قدم اول و برای حکومت اسلامی در قدم دوم لازم است که جلو انحراف جوانان را بگیرند و زمینه زواج سالم را برای شان مهیا سازند^(۳).

(۱) - باهنر، محمد جواد. سیری در عقاید و اخلاق اسلامی (ص ۱۲۳) انتشارات: شاهد ایران تهران سال: (۱۳۸۷هـ).

(۲) - ملکی، حسن. شاملی، عباسعلی. شکراللهی، مهدی. تربیت عبادی کودکان (ص ۱۱۴) انتشارات: اسلام و پژوهش های تربیتی سال: (۱۳۹۰هـ).

(۳) - همان اثر: (ص ۱۱۵).

به همین قسم زمانی که دختر به سن رشد رسید پدر مکلف است که او را برضای خودش به شوهر دهد و در امر ازدواج تأخیر نکند پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: **(اذا خطب الکم من ترضون دینه و خلقه فزوجوه الا تفعلون تکن فتنه فی الارض وفساد عریض)** ^(۱). ترجمه: وقتی به خواستگاری (دختران) شما کسی می آید که به باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است.

به نقل از ابن جریر در تفسیرش: منظور از این قول الله تبارک و تعالی در این مکان، این است زمانیکه اطفالتان و نزدیکان تان به سن بلوغ رسید دستور دهید تا در زمان دخول به پیش شما ابتداء اجازه داخل شدن را اخذ نماید در وقتی از اوقات به قسمیکه اجازه می خواهند بزرگان در زمان دخول به مکانی با اذن صاحب مکان ^(۲).

دیانت او و به اخلاقی رضایت دارید او را به نکاح دهید اگر این کار را نکنید فتنه در روی زمین زیاد می شود و فساد دامنگیر می گردد.

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام روح بخش خویش فرموده: **﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْخُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾** ^(۳). ترجمه: وهنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند

نتیجه به دست آمده: از ابن جریر در ضمن این آیت: زمانیکه فرزندان ما به سنی میرسند که باید متوجه، معاشرت، رفت و آمد خویش شوند گاهی دیده می شود که جوانان و نوجوانان خود مسائل را درک نمی کنند بطور دوامدار باید یاد آوری شود تا تبدیل به عادتشان گردد.

(۱) - الترمذی، محمد بن عیسی أبو عیسی. سنن الترمذی ابواب النکاح (۲ / ص ۳۸۰) شماره حدیث: (۱۰۸۴) حکم حدیث: حسن صحیح به حکم ترمذی. انتشارات: دار إحياء التراث العربی بیروت لبنان.

(۲) - طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان (۱۹ / ص ۲۱۵). ترجمه مولف: طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر الاملی الطبری، ابو جعفر بزرگ مفسرین صاحب تفاسیر مشهور، سال تولد (۲۲۴) سال وفات در بغداد (۳۱۱ هـ) تفسیر جامع البیان (۷/ ص ۲۰۳۳). طبقات مفسرین از داودی (۲ / ص ۱۱۰ - ۱۱۸) دیده شود.

(۳) - سوره نور آیه: (۵۹).

مطلب دوم: انسان و تکلیف:

از توان مندی‌های انسان به قسمیکه قبلا اشاره کردیم، توان مندی تکلیف پذیری است. انسان می‌تواند در یک ترتیب منظم که برایش وضع شده است، زندگی کند. هر موجود دیگر غیر از انسان جز از قوانین چیزی طبیعی از قانون دیگر نمی‌تواند پیروی کند. مثلا: نمی‌توان سنگها و چوبها یا برای درختان و گلها و یا برای اسب و گاو وگوسفند قانون وضع کرد و به آنها ابلاغ کرد و آنها را مکلف ساخت که در چارچوب قوانین و مقرراتی که برای آنها و به مصلحت آنها وضع شده است رفتار نمایند. این موجودات، فرضا در جهت حفظ ومصلحت آنها اقدامی بشود باید به صورت اجبار و الزام عمل شود.

ولی انسان یگانه موجود متمایزی است که این "امکان" و "توانایی" شگفت را دارد که در چهار چوب یک سلسله قوانین قراردادی رفتار نماید. این قوانین قراردادی از آن نظر که از طرف یک مقام صلاحیت دار وضع می‌شود و به انسان تحمیل می‌شود و تحمل قانون از نوعی زحمت ومشقت خالی نیست، به نام "تکلیف" خوانده می‌شود.

بناء قانون گذار برای اینکه انسان را به تکلیف خاصی مکلف سازد چند شرط را باید رعایت کند. به عبارت دیگر، انسان با واجد بودن چند شرط می‌تواند انجام تکالیفی را بر عهده بگیرد^(۱).

شرایط تکلیف:

شرایط تکلیف که در همه تکالیف باید وجود داشته باشد امور ذیل است:

(۱) - **بلوغ:** انسان به یک مرحله از سن که می‌رسد، تغییراتی ناگهانی وتغییری شبیه نوعی جهش در اندامش و احساساتش و اندیشه اش پیدا می‌شود که بلوغ نامیده می‌شود. هرکسی در حقیقت یک بلوغ طبیعی دارد. به طور دقیق نمی‌توان یک زمان معین را مرحله‌ی بلوغ برای همه‌ی افراد معین کرد. ممکن است بعضی افراد از بعضی دیگر زودتر به مرحله‌ی بلوغ طبیعی برسند. خصوصیت فردی افراد و همچنین خصوصیات منطقه ای ومحیطی در تسریع یا تأخیر بلوغ طبیعی تأثیر دارد.

(۱) - مطهری، مرتضی. انسان و سرنوشت (ص ۷۵). انتشارات: احسان تهران ایران چاپ اول.

آنچه مسلم است این است که جنس زن از جنس مرد زودتر به مرحله بلوغ طبیعی می رسد. از نظر قانون لازم است یک سن معین که سن متوسط عموم است و یا سنی که حد اقل سن بلوغ است (بعلاوه شرطی دیگر مانند رشد، در فقه اسلامی) در نظر گرفته شود تا همه افراد یک ضابطه داشته باشند؛ بنابراین ممکن است افرادی به بلوغ طبیعی رسیده باشند، ولی هنوز به سن بلوغ قانونی نرسیده باشند.

در اسلام طبق نظر علماء بلوغ قانونی مرد از نظر سن، تمام شدن پانزده سالگی به سال قمری و ورود در شانزده سالگی تعیین شده است. و بلوغ قانونی زن تمام شدن نه سالگی و ورود در ده سالگی تعیین شده است. بلوغ قانونی یکی از شرایط تکلیف است، یعنی فردی که به مرحله قانونی نرسیده باشد مکلف نیست مگر با دلیل ثابت شود که به مرحله بلوغ طبیعی قبل از مرحله قانونی رسیده باشد^(۱).

(۲) - عقل: یکی دیگر از شرایط تکلیف، عاقل بودن است، دیوانه که فاقد عقل است مکلف نیست و تکالیف از او ساقط است همان طوری که نابالغ در زمان عدم بلوغ به هیچ وجه تکلیفی متوجه او نیست، در زمان بلوغ نیز مکلف نیست که آنچه را که در زمان عدم بلوغ انجام نداده است، جبران کند؛ مثلاً: شخص که در عدم بلوغ متهم به ولد کرده شود؛ زیرا تکلیف متوجه او نبوده است. شخص دیوانه نیز در حال دیوانگی مکلف نیست؛ بنا براین اگر دیوانه ای پس از چندی عاقل شد مکلف نیست تکالیفی را که در ایام دیوانگی انجام نداده قضا کند؛ مثلاً: لازم نیست که نمازها و روزه های آن زمان را قضا نماید^(۲).

به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^(۳). ترجمه: اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید.

به نقل از السعدی در تفسیرش: مراد از السُّفَهَاءَ کسی است که توانایی تصرف در مال را ندارد بخاطر نداشتن عقل کافی به مثل دیوانه، معتوه، یعنی بی عقل ومانند اینها^(۴).

(۱) - مطهری، مرتضی. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی انسان در قرآن (ص ۴۰ - ۴۱)، انتشارات: احسان تهران ایران.

(۲) - همان اثر: (ص ۴۱).

(۳) - سورة النساء آیه: (۵).

(۴) - السعدی، عبدالرحمن ناصر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان (۱ / ص ۱۶۴).

به نقل از ابن جریر الطبری در تفسیرش: گفته که اهل تأویل در کلمه السُّفَهَاءِ اختلاف دارند، عده‌ای می‌گویند: که مراد آن منعی است که الله تبارک و تعالی بنده گان خود را منع فرموده تا به بی‌خردان اموال سپرده نشود؛ اما عده‌ای دیگر می‌گویند که مراد آن کودکان و زنان اند (۱).

(۳): - اطلاع و آگاهی: بدیهی است که انسان آنگاه قادر است تکلیفی را انجام دهد که از وجود آن تکلیف آگاه باشد و به عبارت دیگر به او ابلاغ شده باشد.

فرضا قانونگذاری قانونی را وضع می‌کند ولی به اطلاع مکلف نرساند، مکلف ملزم نیست و بلکه قادر نیست آن را به مرحله اجرا درآورد و اگر عملاً بر خلاف رفتار نماید قانونگذار نمی‌تواند او را مجازات نماید. علمای علم اصول می‌گویند مجازات کسی که از تکلیف آگاه نیست و تقصیری در کسب اطلاع ندارد زشت است و نام این اصل را "قبح عقاب بلا بیان" می‌گذارند.

البته شرط بودن علم و آگاهی برای تکلیف به نحوی که گفته شد مستلزم این نیست که انسان بتواند عملاً خود را در بی‌خبری نگه دارد و آن را عذری برای خویش بیندارد. انسان مکلف است که تحصیل علم و آگاهی کند و سپس بر طبق آگاهی خویش عمل و فعالیت کند.

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام روح بخش خویش فرموده: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (۲). ترجمه: در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند.

به نقل از السعدی در تفسیرش: در رابطه به این بخش آیت إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ منظور در اینجا قومی است که دارای عقل اند و منافع خود را درک کرده می‌توانند و درک کرده بتوانند که اوامر و نواهی الله تبارک و تعالی کدام‌ها اند به اوامر عمل نموده و از نواهی اجتناب نمایند (۳).

(۱): - طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان (۷ / ص ۵۶۰).

(۲): - سوره الرعد (۴).

(۳): - السعدی، عبدالرحمن ناصر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان (۱ / ص ۴۱۲).

۴): - **قدرت و توانایی:** کاری مورد وظیفه و تکلیف انسان قرار می‌گیرد که انسان توانایی انجام آن را داشته باشد، اما کاری که انسان قادر به انجام آن نیست هرگز مورد تعلق تکلیف واقع نمی‌شود. شک نیست که توانایی انسان محدود است، نامحدود نیست. چون توانایی محدود است، تکالیف باید در محدوده تواناییها صورت گیرد. مثلا: انسان توانایی تحصیل علم و دانش دارد اما در محدوده معین از نظر زمان و از نظر اندازه معلومات. یک فرد انسان هر اندازه نابغه باشد نتیجه باید تدریجاً و در طول زمان مدارج علم و دانش را طی کند.

حالا اگر یک فرد را مجبور کنند که یک شبه تحصیلات چند ساله را انجام دهد، به اصطلاح تکلیف "بملا یتاق" یعنی: تکلیف به کاری که فوق طاقت و قدرت است کرده اند و اما اگر انسانی را مجبور کنند که همه علوم جهان را فرا گیرد، باز هم تکلیف به غیر مقدور است و صحیح نیست و هرگز از طرف یک مقام حکیم عادل چنین حکمی صادر نمی‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^(۱). ترجمه: خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند.

به نقل از السعدی در تفسیرش: یعنی در دین هیچ حرجی نیست در اصل اوامر از جانب الله تبارک و تعالی و نواهی از جانب او تعالی از امور مشکل بر بالای مردم نیست^(۲).

تعلیق: اینجا یک نکته است و آن اینکه همچنانکه در مورد اطلاع و آگاهی گفتیم که مشروط بودن تکلیف به اطلاع و آگاهی مستلزم این نیست که ما مؤظف و مکلف به تحصیل اطلاع و آگاهی نباشیم، مشروط بودن تکلیف به قدرت و توانایی نیز مستلزم این نیست که ما مکلف به کسب و تحصیل قدرت نباشیم. در مواردی خواستن قدرت حرام است ولی تحصیل آن واجب. فرض کنیم در مقابل دشمنی سرسخت و قوی و مقتدر قرار گرفته ایم که قصد تهاجم به حقوق ما و یا قصد تهاجم به حوزه "اسلام" دارد و ما در حال حاضر قدرت مقابله با آن را نداریم و هرگونه مقابله ای، از دست دادن نیروها است بدون آنکه نتیجه ای در حال حاضر یا در آینده از این کار خود بگیریم. بدیهی است که در این صورت ما مکلف به مقابله و جلوگیری نیستیم، ولی همواره مکلف بوده هستیم که تحصیل قدرت و توانایی کنیم تا در چنین شرایطی دست روی دست نگذاریم. همچنان الله تبارک و تعالی در مورد چنین می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ

(۱): - سوره بقره آیه: (۲۸۶).

(۲): - السعدی، عبدالرحمن ناصر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان (۱ / ص ۳۲۴).

بِهِ عَدُوٌّ لِلَّهِ وَعَدُوٌّ لَكُمْ^(۱). ترجمه: هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها دشمنان، آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

همان طوری که یک فرد و یا یک جامعه نا آگاه که در تحصیل آگاهی کوتاهی کرده است مورد مؤاخذه الهی قرار می‌گیرد و نا آگاهی برای او عذری محسوب نمی‌شود، همچنین یک فرد و یا یک جامعه‌ی ناتوان نیز که در تحصیل قدرت و توانایی کوتاهی نکرده است، ناتوانی او عذری برای او محسوب نمی‌شود.

(۵): - آزادی و اختیار: آزادی و اختیار یکی دیگر از شرایط تکلیف است. یعنی انسان آنگاه مکلف است به انجام یک وظیفه که اجبار و یا اضطراری در کار نباشد، اگر اجبار (اکراه) یا اضطرار در کار باشد، تکلیف ساقط می‌گردد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^(۲). ترجمه: خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند.

از این قید دقیق معلوم می‌شود که انسان به اساس توان انجام عمل، مکلف اند نه بالاتر از توان. لازم به ذکر میدانیم که انسانها به گونه‌های مختلف زنده گی می‌کنند بناء تعدادی در رفاه و تعدادی در اکراه به سر می‌برند.

فرق بین اجبار (اکراه) و اختیار:

اجبار (اکراه) مانند اینکه یک قوه، جابره شخصی را تهدید کند به اینکه حتما روزه‌ی خود را بخورد بطوریکه اگر نخورد، جاننش در خطر قرار خواهد گرفت. بدیهی است که در چنین مورد تکلیف روزه ساقط می‌شود، یا اگر کسی مستطیع شود و یک شخص جابر او را تهدید کند که اگر به حج برود به جان او یا کسانش صدمه وارد خواهد آورد.

اضطرار آن است که انسان از طرف شخصی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد بلکه این خود اوست که انتخاب می‌کند، ولی این انتخاب معلول شرایط سختی است که پیش آمده است، مانند کسی که در بیابانی درمانده و گرسنه است و جز مردار غذایی که سد جوع کند نمی‌یابد، در چنین حالتی موارد تکلیف حرمت خوردن مردار ساقط می‌شود^(۳).

(۱): - سوره الانفال آیه: (۶۰).

(۲): - سوره بقره آیه: (۲۸۶).

(۳): - مطهری، مرتضی. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی انسان در قرآن. (ص ۴۵).

همچنان الله تبارک و تعالی در زمینه چنین اشاره نموده: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُ وَحَلْمُ الْحَنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِعَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَمَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۱).

ترجمه: گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده مگر آنکه بموقع به آن حیوان برسید، و آن را سربیرید و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، همه بر شما حرام شده است؛ و همچنین قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است امروز، کافران از زوال آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم اما آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، مانعی ندارد که از گوشت‌های ممنوع بخورند؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است.

به نقل از ابن جریر الطبری در تفسیرش: مراد از الْمَيْتَةُ هر آن موجودی که در خشکه و یا پرنده اند مباح است از جانب الله تبارک و تعالی و منظور از "الدم" دم مسفوح است نه غیر آن^(۲).

(۱) - سورة المائدة آیه: (۳).

(۲) - الطبری، ابن جریر جامع البیان فی تأویل القرآن محقق: احمد محمد شاکر (۲۳ / ص ۶۷)

فصل دوم

تربیت مادی انسان، اهداف، مراحل و وسائل آن در قرآن

تمهید

مبحث اول: معنی و اهداف تربیتی مادی انسان در قرآن.

این مبحث دارای دو مطلب می باشد:

- مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت مادی در قرآن.
- مطلب دوم: اهداف تربیت مادی در قرآن.

مبحث دوم: مراحل تربیت مادی در قرآن:

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

- مطلب اول: عنانندی اقتصادی.
- مطلب دوم: انتخاب الگو و قدوه نیک.
- مطلب سوم: اطاعت و فرمان برداری.

مبحث سوم: وسائل تربیت مادی از قرآن:

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

- مطلب اول: تعلیم و آموزش.
- مطلب دوم: نعمت عمر برای انسان در قرآن.
- مطلب سوم: آزادی و اختیار برای انسان از قرآن.

مبحث اول: معنی و اهداف تربیتی مادی انسان در قرآن

تمهید

تربیت مادی انسان از منظر قرآن یکی از بارزترین گونه‌های تربیت، برای انسان به شمار می‌رود. تربیت مادی در برگزیده بخش بزرگی از زندگی انسان را شامل است، انسان به کمک تربیت مادی می‌تواند به تربیت معنوی دستیاب شود زمانیکه ما به تربیت مادی دست یاب شدیم راه را برای تربیت معنوی باز کرده ایم.

مبحث اول: معنی و اهداف تربیتی مادی انسان در قرآن.

در این مبحث به معنی و اهداف تربیت مادی انسان پرداخته می‌شود.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت مادی در قرآن.

واژه تربیت:

در این قول الله تبارک و تعالی: **وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيَ** ^(۱). و همچنان در آیت دیگر الله تبارک و تعالی می‌فرماید: **لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنِ قَوْلِهِمْ** ^(۲).

ربانی به دو معنی می‌باشد: اگر یاء آن برای نسبت باشد، دال بر کثرت است، یعنی کسی که لویه زیاد و پر حجم دارد. اگر یاء در ربانی برای نسبت نباشد، این کلمه معادل واژه مربی خواهد بود، به معنای تربیت کننده ^(۳).

(۱): - سوره آل عمران آیه: (۷۹).

(۲): - سوره المائده آیه: (۶۳).

(۳): - رفیعی، مجروز. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیه و میانی آن (۳ / ص ۹۰) انتشارات: احسان تهران.

مثال دیگری در این قول الله تبارک و تعالی: **وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن تِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُم بِهِنَّ** ^(۱). ترجمه: همسران تان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید.

ربائب، جمع ربیبه، به معنای فرزند زن است که در دامن شوهر جدید تربیت شود. این واژه هم مربوط به دوره ای کودکی است ^(۲).

تعریف ماده: هر آنچیزیکه دارای جرم و حجم باشد، ماده نامیده می شود. دانشمندان ماده را بگونه های مختلفی تعریف و توصیف کرده اند از جمله: فلاسفه گویند؛ جوهری است جسمانی که تحقق و فعلیت آن به صورت و محل توارد صور متعاقبه می باشد. فرق میان ماده با موضوع در این است که موضوع بدون عروض عارض، متحقق الحصول است و ماده بدون صورت متحصل نمی شود. ب امری که تبدیل به چیزدیگری شود ماده گویند مانند آب که ماده هوا است.

صاحب فرهنگ دهخدا می گوید: ماده جسمانی، ماده خاص و ماده، ماده عقلی، ماده قریب، ماده، بعید و... عام هرکدام تعریف خود را دارد ^(۳).

تربیت مادی بردو بخش تقسیم می شود:

۱: تعلیم و تحصیل: دانش و فراگیری آن یکی دیگر از بخش های تربیت مادی به شمار می رود به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ ^(۴). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به شما گفته شود: مجلس را وسعت بخشید و به تازه واردها جا دهید، وسعت بخشید، خداوند (بهدشت را) برای شما وسعت می بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: برخیزید، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

(۱) - سورة النساء آیه: (۲۳).

(۲) - رفیعی، مجروز. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیه و مبانی آن (۳ / ص ۱۲۳).

(۳) - علی اکبر. فرهنگ دهخدا (۴ / ص ۲۲۰) انتشارات: امیر کبیر ایران تهران سال چاپ: (۱۳۴۳).

(۴) - سورة مجادله آیه: (۱۱).

همچنان الله تبارک و تعالی در رابطه به اهمیت علم و فراگیری آن چنین می فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾^(۱). ترجمه: اینها مثالهایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند. تحلیل: مسئله ای قابل بحث در این دو آیت به بطور خاص و همچنان آیات دیگر بطور عام به این مسئله پی می‌بریم که الله تبارک و تعالی برای تعلیم و تحصیل ارزش والای قائل اند از همان جهت هم اولین آیات نازله برای رسول مقبول اسلام صلی الله علیه وسلم شروع آن به دستور شارع به خواندن و نوشتن کردند.

۲: امنیت اجتماعی: دولت در اسلام، مؤظف است برای افراد جامعه به حدی زمینه کسب و کار را فراهم نماید که برای مصوئیت و آرامش آن ها کفایت کند و اگر شخصی به علت مریضی، معیوبیت، طفولیت و یا کهن سالی توانایی کار را نداشته باشد، دولت مکلف است تا کم از کم ضرورت های اولیه زنده گی اش را تأمین نماید. هرچند در نظام ساسیالیستی اصل امنیت اجتماعی وجود دارد؛ اما در کاپیتالیزم این مسأله به عنوان یک اصل وجود ندارد؛ زیرا در این نظام هیچ کسی مکلف نیست به دیگری کمک کند.

دست آوردها:

الف: کسب روزی حلال: بدست آوردن روزی به طریقه درست آن از طریق کار و کسب به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾^(۲). ترجمه: او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.

همچنان الله تبارک و تعالی در جای دیگر می فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^(۳). ترجمه: و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

تحلیل باحث: از محتوای این دو آیت ما به این نتیجه می‌رسیم که انسان برای به دست آوردن روزی در هر جای زمین اگر زندگی کند در صورتیکه دین وی با معتقداتش در خطر نباشد مشکلی نیست برایش در ضمن آن مأموریت انسان سعی و تلاش در برای زندگی بهتر است.

(۱) - سوره العنکبوت (۴۳).

(۲) - سوره الملک آیه: (۱۵).

(۳) - سوره النجم آیه: (۳۹).

مطلب دوم: اهداف تربیت مادی در قرآن.

الف: رزق و روزی در قرآن: به تمام نیازمندی های که برای ادامه حیات موجودات ضروری است رزق گفته می شود. از آنجا که خداوند خالق همه موجودات است و ادامه حیات هر موجودی، در واقع خلق مداوم و لحظه به لحظه او است، روزی رسان موجودات نیز خداوند جل جلاله است. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خود می فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^(۱). ترجمه: هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا.

به نقل از تفسیر بغوی در ضم این آیت: اشاره به قید های مربوط به هر گزینه شده بطور مثال: پرنده گان با بال هایشان مخلوق اند و روزی برای شان داده می شود، چهار پایان مخلوق اند، درنده گان مخلوق اند که هر کدام آنها با نام شان توضیح داده و در ختم اشاره خاص به انسان کرده که همانند انسان نیازمند خورد و نوش اند که الله تبارک و تعالی زمینه روزی و زیستن را برای شان مهیا کرده^(۲).

همچنان الله تبارک و تعالی در آیت دیگری می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾^(۳). ترجمه: بی تردید خداوند خود روزی دهنده و صاحب قدرت استوار است.

به نقل از بغوی در تفسیرش: الله تبارک و تعالی می فرماید بنده گان من را کسی دیگری روزی نمی دهد، بعد آن توضیح می دهد رزاق الله است غیر از الله کسی دیگری نیست یعنی بر جمیع مخلوقات خویش الله جل جلاله روزی می دهد.

ب محیط زیست: الله تبارک و تعالی خالق تمام هستی است او تعالی هر چه بخواهد همان می شود. بناء الله تبارک و تعالی زمین و هر آنچه در زمین بخاطر استفاده درست مخلوقش خلق کرده.

به قسمیکه او تعالی در این آیت می فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^(۴).

(۱) - - سورة هود آیه: (۶).

(۲) - - سورة الزاریات آیه: (۵۸).

(۳) - - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل (۳/ ص ۱۴۱) تحقیق: النمر، محمد عبدالله. انتشارات: دار طیبه للنشر والتوزیع. چاپ: چهارم سال چاپ: (۱۹۹۷م).

(۴) - - سورة بقره آیه: (۲۲).

ترجمه: آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان جو زمین را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ از آسمان آبی فرو فرستاد؛ به وسیله آن و میوه‌ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد؛ بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند).

از نظر باحث: در این آیه اشاره به ثمرات شده که سبب رزق و روزی برای انسانها و حیوانات می‌شود با مطالعات مضامین ساینسی به این نتیجه می‌رسیم که موجودیت درخت و سرسبزی سبب پاکی هوا می‌گردد و آلودگی، باکتری را از بین می‌برد.

به نقل از تفسیر مقاتل در تفسیر این آیت: مراد از فِرَاشًا فرش یا بساط و مراد از بِنَاءً سقف یا چت است مراد از مَاءً آب باران است، که توسط آن انواع واقسام میوه جات حبوبات و قسم استفاده از زمین صورت می‌گیرد. پس چرا باید با صاحب آن که الله متعال است شریک باید آورد (۱).

نتیجه‌ی به دست آمده از این آیت از دید باحث: خداوند جل جلاله هستی را خلق کرده، همه چیز از نیازهای انسان را در اختیارش قرار داده، فقط و فقط انسان را مکلف ساخته تا از آن پاسداری کرده، در پی حفاظت آن قدم موثر بردارد. الله تبارک و تعالی بخاطر بهتر زیستن انسان در زمین و استفاده موثر آن از زمین، آبادانی زمین، رسیده گی به محیط و ماحول مکان های زیستی. این خود مبین ارزش نعمات الهی است.

همچنان الله تبارک و تعالی در آیت دیگر می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ مَمْتَرُونَ﴾ (۲). ترجمه: او کسی است که شما را از گل آفرید؛ سپس مدتی مقرر داشت تا انسان تکامل یابد؛ و اجل حتمی نزد اوست و فقط او از آن آگاه است. با این همه، شما مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او، تردید می‌کنید.

ج: نظافت: یکی از ارکان تربیت مادی برای انسان نظافت و پاکیزه گی انسان است که سبب می‌شود تا محیط پاک، جامعه پاک، مردم پاک داشته باشیم.

به قسم که الله تبارک و تعالی در کلام خویش می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (۳). ترجمه: خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را نیز دوست دارد.

(۱) - بلخی، مقاتل بن سلیمان بن بشیر الازدی. تفسیر مقاتل. (۱/ ص ۱۶) انتشارات: دار المعرفه. بیروت لبنان.

(۲) - سوره انعام آیه: (۲).

(۳) - سوره بقره آیه: (۲۲۲).

به نقل از ابن جریر طبری: در ضم این آیت إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ کسانی که از خدا روی گردانند و از اطاعت او برمی خیزند و او تعالی را اطاعت می کنند و مراد از وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ از رجوع به نیکی کند بعد از توبه به مثل: وضوء شرط برای ادای نماز است (۱).

همچنان الله تبارک و تعالی در ارتباط به پاکی و پاکیزه گی، غذای پاک و حلال در این آیت می فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَالْحَنِزِيرُ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْحَنِقَةُ وَالْمَوْفُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَمَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ﴾ (۲). ترجمه: گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح می شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر افتیدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده "صید" حیوان درنده مگر آنکه بموقع به آن حیوان برسید، و آن را سربرید و حیواناتی که روی بتها یا در برابر آنها ذبح می شوند، همه بر شما حرام شده است؛ همچنین قسمت کردن گوشت حیوان به ودوسيله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است - امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید و از مخالفت من بترسید.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی: در این بخش آیت الْمُنْحَنِقَةُ حیوانی را گویند که بصورت طبیعی نفسش بند آمده و مرده باشد، مراد از وَالْمَوْفُوذَةُ حیوانی است که زده شود با هر وسیله ای ممکنه ای، مراد از وَالْمُتَرَدِّيَةُ حیوانی است که از جای مرتفع به پایین افتیده و مرده باشد همانند قله کوه و یا درون چاهی، مراد از النَّطِيحَةُ حیوانی که به وسیله شاخ جنگی جان خود را از دست داده باشد.

تمام این موارد ذکر شده حالاتی اند که خوردن حیوان برای انسان پاک و نظیف نیست بناء اضرار صحی گوشت های ذکر شده بیشتر از منافع آن است (۳).

(۱) - طبری، ابن جریر. جامع البیان. (۴/ ص ۳۹۶).

(۲) - سوره المائده آیه: (۳).

(۳) - قرطبی، شمس الدین. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی). (۲/ ص ۲۴۰).

همچنان الله تبارک و تعالی در بیان اهمیت پاکی در این آیت می فرماید: ﴿...مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ﴾^(۱). ترجمه: ...خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید.

تعلیق باحث: پاکی و پاکیزه گی به دو وجه توجه شده: پاکی مادی یا فیزیکی و پاکی معنوی؛ لازم به ذکر میدانیم که پاکی مادی قسمیکه قبلا گذشت نیاز به تکرار آن نیست؛ اما در پاکی معنوی باید خاطر نشان کرد که گناهان دوره های مختلف را شامل می شود که در این بخش الله تبارک و تعالی می فرماید: لِيُطَهِّرَكُمْ یعنی: ایراده الله متعال این است که ببخشد گناهان بندگان مؤمن خود را که این پاکی معنوی به شمار می رود.

د: توجه به صحت: صحت یکی دیگر از اساسی ترین شرط در تربیت مادی بشمار می رود، لازم به ذکر میدانیم که صحت ضامن تطبیق درست دساتیر الهی می تواند شود، به قسمکه الله تبارک و تعالی در ضم انسانهای معتاد به شراب هستند می فرماید: ﴿لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾^(۲).

ترجمه: به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می گوئید. مراد از این بخش آیت: سُكَارَى به نقل از بغوی در تفسیرش مستی است چنان مستی که فرد تشخیص درست را از نادرست نتواند^(۳).

از آنجایی که ملت های پویا نیازمند سربازانی فاضل هستند، وقوام سربازی نیز سالم بودن جسم و قوای جسمانی است، قرآن کریم این معنا را در سرگذشت امتی مجاهد که در راه آزادی، استقلال و خودسازی، رنج ها و مشقت های مبارزات را تحمل کرده بیان فرموده است خداوند جل جلاله برای آن قوم به پا خواسته رهبری اندیشمند با توانایی جسمانی بالا برگزید، و یکی از ارکان قیام را داشتن نیروی جسمانی قوی بر شمرد قرآن کریم در سرگذشت بنی اسرائیل، مبنای تأیید طالوت را به فرماندهی چنین توصیف کرده است:

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش فرموده: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾^(۴). ترجمه: بی گمان خداوند او را بر شما برگزیده است؛ و او را در علم و نیروی جسمانی وسعت و افزونی بخشیده است.

(۱) - سورة المائدة آیه: (۶).

(۲) - سورة النساء آیه: (۴۳).

(۳) - بغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل. (۲ / ص ۲۱۹) تحقیق و تخریج احادیث وی: النمر، محمد عبدالله.

(۴) - سورة بقره آیه: (۲۴۷)

به نقل از صاحب تفسیر جلالین: در ضم این آیت إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ یعنی: خداوند جل جلاله طالوت را برگزیده بود برای پادشاهی عَلَیْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ طالوت در میان بنی اسرائیل داناترین شان، وقوی ترین شان بود همچنان دارای سعه صدر عالی بود از این جهت خداوند وی را انتخاب کرد^(۱).

پیامبر علیه السلام در بسیاری از احادیث این مفهوم را شرح داده و مؤمنان را به حفظ قوای جسمانی خود شان تشویق کرده است. همچنان که به حفظ نیروی روحانی نیز تشویق فرموده است. "عن ابی هریره رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه وسلم المؤمن القوی خیر من المؤمن الضعیف"^(۲). ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مؤمن توانا بهتر از مؤمن ضعیف است. در دیگر حدیثی به نقل از بخاری شریف رسول الله می فرماید: "إن لبدنک علیک حقاً"^(۳) ترجمه: جسمت بر بالایت حق دارد.

مبحث دوم: مراحل تربیت مادی در قرآن:

تربیت مادی مراحل مختلفی را طی می کند؛ در هر مرحله اوصاف جداگانه ی را برای انسان تربیت شده نظر به شخصیت انسان بجامیگنارد. در عموم به این نتیجه می رسیم که اگر انسان مسلمان باشد یا کافر شامل این نوع تربیت است، اما بگونه های مختلف آن.

مطلب اول: غنماندی اقتصادی: یکی دیگر از مسائل زندگی بشری مسئله اقتصاد و مصرف است، در ارتباط به اقتصاد و مسائل اقتصادی رهنمودهای از شریعت اسلام، ما در اختیار داریم که هر کدام به نوبه خود مبین مسئله خاص اقتصادی است.

ابتداء دلایل خود را آغاز می کنیم از آیات کلام الهی که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾^(۴). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید. به نقل از امام ماوردی در تفسیرش: مربوط به این آیت ایشان می فرمایند: که در این بخش سه قول وجود دارد. **الف:** در شرح آن از جمله: زنا، قمار، ظلم شامل است که نظر به قول امام سدی رحمه الله.

(۱): - سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین. تفسیر جلالین (۱/ ص ۲۵۳).

(۲): - النیشاپوری، ابوالحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم. صحیح مسلم، کتاب القدر، باب فی الامر بالقوه و ترک العجز. شماره حدیث: (۲۶۶۴) نوع حدیث: صحیح و متفق علیه بخاری و مسلم.

(۳): - بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم. صحیح البخاری. کتاب النکاح، باب لزوجک علیک حق، شماره حدیث: (۵۱۹۹) نوع حدیث: صحیح.

(۴): - سورة بقره آیه: (۱۸۸).

ب: شامل این آیت عقود فاسد هم شامل است.

ج: نظر اخیر اینکه الله تبارک و تعالی منع فرموده: که انسانی بخورد غذای اهل قریه ای را یا که بخورد غذای خریده شده ای را به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ﴾^(۱).

همچنان برای منع اسراف او تعالی می فرماید: ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^(۲). ترجمه: واسراف نکید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

به نقل از صاحب تفسیر الالوسی در این بخش آیت: حقیقتاً اسراف سبب قهر الله تبارک و تعالی، و عذاب از جانب الله برای شخص مسرف است^(۳).

د: مدیریت درست در مصرف: ملکیت در اسلام به دو بخش تقسیم می شود: ملکیت خصوصی و ملکیت عمومی. هر فرد می تواند از طریق حلال، صاحب مال شود. و در ضمن دولت هم ملکیت هایی دارد که به نام "بیت المال" یاد می شود. اسلام نه فرد را از تشبث های حلال اقتصادی منع کرده است و نه دولت را، بنابر این، اگر منافع و مصالح افراد ایجاد کند که دولت در امور اقتصاد با آنان شریک شود، دولت می تواند این کار را بکند؛ اما در نظام سرمایه داری اصل این است که دولت امنیت را تأمین نماید و کارهای اقتصادی از قبیل تجارت، تولید، ترانسپورت، کارهای ساختمانی، آموزشی، تعلیم و زراعت باید خصوصی باشند.

اما در نظام سوسیالیستی دولت مکلف است تا همه کارهایی را که در بالا برشمردیم انجام دهد و افراد فقط برای دولت کار کنند و هیچ کس حق ندارد ملکیت خصوصی داشته باشد.

تعلیق باحث: آزادی مقید اقتصادی در اسلام: در اسلام هر شخص می تواند آزادانه هر کار و کسبی را که بخواهد انجام دهد و در حالات عادی مجبور نیست از دولت اجازه بگیرد. پس او در تشبث های اقتصادی آزاد است. اما این آزادی، مطلق نبود بلکه شرایط و مکلفیت هایی هم وضع گردیده است تا به دیگران کمک شود و از متضرر شدن شان جلوگیری به عمل آید که حرام بودن سود، قمار، نیرنگ و فریب و واجب بودن زکات عشر و مالیات از جمله همین شرایط و مکلفیت ها می باشد. در نظام سرمایه داری به فرد اجازه داده شده است تا به آزادی مطلق، پول و سرمایه به دست بیاورد؛ ولی در نظام سوسیالیستی آزادی فرد به کلی از او گرفته شده است.

(۱) - سوره النور آیه: (۶۱).

(۲) - سوره اعراف آیه: (۳۱).

(۳) - الالوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله. تفسیر الالوسی، (۳/ص ۱۱۵)

مطلب دوم: انتخاب الگو و قدوه نیک

قدوه نیک در زنده گی هر انسان مسلمان تأثیر به سزای دارد، انتخاب الگوه می تواند که مسیر زنده گی هر انسان عاقلی را تغیر دهد، به همین ملحوظ الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^(۱). ترجمه: مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. به نقل از صاحب تفسیر معارف القرآن در تفسیر این آیه: کاریکه انجام آن یا ترک آن از رسول الله صلی الله علیه وسلم به درجه وجوب ثابت شده باشد، پیروی از آن واجب و لازم است و کاریکه انجام آن به درجه استحباب ثابت شده باشد، پس انجام و ترک آن به درجه استحباب است تا تخلف از آن گناه محسوب نشود^(۲).

همچنان او تعالی می فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ﴾^(۳).

ترجمه: برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم.

به نقل از صاحب تفسیر معارف القرآن در این آیه: به مسلمانان دستور داده شده تا به اسوه حسنه و سنت ابراهیم علیه سلام اقتدا کند و از ابراهیم علیه سلام ثابت است که او در حق والد مشرک خود دعانموده^(۴).

و همچنان در دیگر قول او تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^(۵).

(۱) - سوره احزاب آیه: (۲۱).

(۲) - عثمانی، محمدشفیع تفسیر معارف القرآن ترجمه دری. (ج ۱۱ ص ۵۸). مترجم: حسین پور، مولانا محمد یوسف. تربت جام انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام ایران زاهدان. ترجمه مولف: وی در سال (۱۳۱۴ هـ ق) در سهارنپور هندوستان به دنیا آمد، درس ابتدایی وی در دارالعلوم دیوبند بوده، همچنان از وی کتبی بجامانده و تفسیر بزرگی بنام معارف القرآن از جمله زحمات ایشان می باشد.

(۳) - سوره ممتحنه آیه: (۴).

(۴) - عثمانی، محمد شفیع تفسیر معارف القرآن ترجمه دری. (ج ۱۳ ص ۵۹۰).

(۵) - سوره توبه آیه: (۱۱۹).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید. به نقل از صاحب تفسیر انوار القرآن در این آیه: اشاره آیه کریمه به این حقیقت که توبه آن سه تن پذیرفته شد به علت صداقت و راستی شان بود پس راستی نجات بخش انسان از مهالک است (۱).

مطلب سوم: اطاعت و فرمان برداری.

اطاعت از دساتیر الهی یک امر واجبی است برای هر انسان خاصاً انسان مسلمان الله تبارک و تعالی دستور به انجام اوامری کرده و منع از نواهی کرده باید مطابق دستور عمل صورت گیرد.

اعتقاد به خدای یگانه باید با اطاعت و فرمانبرداری از او همراه باشد. اطاعت از فرمان خداوند اصول و قوانینی که در اسلام مقرر فرموده زمینه عملی برای توحید و یگانه پرستی می باشد. الله تبارک و تعالی چنین ارشاد می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (۲). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را.

از منظر باحث: در این آیه نکته های ذیل وجود دارد:

الف: در این آیه اطاعت از اولوالامر همدیف و همگام با اطاعت از پیامبر ذکر شده است. چون اطاعت از پیامبران اطاعت کامل و همه جانبه است و لذا اطاعت از اولوالامر نیز باید مانند اطاعت از پیامبر باشد.

زیرا خداوند هرگز مومنین را به اطاعت مطلق از کسانی که احتمال خطا و اشتباه در باره آن گمما می رود فرمان نمی دهد.

ب: همچنان که پیامبر رهبری جامعه را در زمان خودش به عهده داشت و به حکم این آیه برای مردم واجب بود که از دستورات پیامبران اطاعت کنند، اولوالامر به همین منوال در تطبیق دستورات الهی نقش اساسی دارد بناء اطاعت از او هم واجب است.

(۱) - مخلص، عبدالروف. تفسیر انوارالقرآن. (ج ۲ ص ۱۲۲).

(۲) - سورة النساء آیه: (۵۹).

مبحث سوم: وسائل تربیت مادی در قرآن:

قرآن تنها کتابی است که میتوان به نام جامع الکلم خطاب کرد و این کتاب آسمانی نه تنها در بعد توحید بلکه در تمام ابعاد و امور از زندگی بشر پیام های نابی با خود دارد. بطور مثال: نظام سیاسی در قرآن، نظام اقتصادی در قرآن، نظام اجتماعی در قرآن، نظام اخلاقی در قرآن و مسایل دیگر از نیازهای زندگی که ما به راحتی در قرآن پیدا کرده می توانیم.

مطلب اول: تعلیم و آموزش مفید: اولین معلم الله تبارک و تعالی است و انسان اولین متعلم است حق است که بگوئیم معلم مطلق الله سبحانه و تعالی است و او است که همه چیز را برای انسان آموخته است و انسان به جهت ذاتی خود توانسته است آن را بپذیرد و به صورت تعلم و پذیرش دانش اسما در ذات خود قرار دهد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^(۱). ترجمه: سپس علم اسماء علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید، اسامی اینها را به من خبر دهید.

علوم بر دو گونه اند: علوم مفید و علوم مضر. علوم مفید فایده خوبی آن بر دوام خواهد بود و علوم مضر نیز شر و زیانش ماندگار است. پدر، مادر، سرپرست و مربی کودکان مسئولیت دارند که بهترین دانشهای نظری، عملی و حرفه های شایسته را به پسران و دختران بیاموزند. آموزشهای که در شریعت اسلام مردان به آموختن آنها فراخوانده شده است، در سه زمینه: آموزش قرآن، آموزش نماز، آموزش عبادت و آموزش علوم ورزشی و نظامی است.

در مورد آموزش قرائت، ترتیل و حفظ قرآن در حد توانایی، واجبی اساسی است؛ زیرا قرآن چراغ پر فروغی است که تاریکی های جهالت را روشن می نماید و راه صحیح را به انسانها می نمایاند و زمینه سربلندی و سلامت و سعادت در دنیا و آخرت را فراهم می نماید^(۲).

(۱) - سورة بقره آیه: (۳۱).

(۲) - زحیلی، وهبه. فقه خانواده در جهان معاصر (ص ۱۸۳).

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خود می فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۲).

ترجمه: از سوی خداوند کتاب روشنگری به نزد شما آمده است. خداوند به وسیله آن کسانی را که در جستجوی رضایت او هستند به راه‌های پر امن و امان هدایت می کند و بامشیت و فرمان خود آنان را از تاریکی‌ها (کفر و شرک و جهل) بیرون می آورد و به سوی نور (ایمان و یکتاپرستی و آگاهی) می برد و به راه درست هدایتشان می نماید.

قرآن برای تعلیم و تعلم آداب خاصی را بیان می کند. در مسئله تعلیم قرآن به مسئله مهم و اساسی تعهد اشاره می کند و بیان می دارد که تعلیم کننده باید با متعلم شرط درستی بهره گیرد. بر همین پایه است که هروت و ماروت دو فرشته الهی در زمان حضرت سلیمان علیه سلام برای آموزش متعلمان از ایشان می خواهد که متعهد گردند تا از دانش خویش در راستای اهداف نادرست بهره نگیرند و آن را برای اهداف سازند و مفید به کار گیرند. به قسمیکه الله تبارک و تعالی ارشاد می فرماید: ﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكِينَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ (۳). ترجمه: سلیمان هرگز دست به سحر نیالود و کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل هاروت و ماروت، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می دادند. و) به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر اینکه از پیش به او می گفتند: ما وسیله آزمایشیم کافر نشو و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن.

و دیگر از آداب تعلیم و تعلم موضوع حضرت موسی علیه سلام و خضر علیه سلام است که شهرت خاص دارد نیاز به تکرار نیست.

همچنان استمرار در تعلیم؛ گوشزد کردن یادآوری نمودن از رهنمایی های قرآن به شمار می رود به قسمیکه او تعالی ارشاد میفرماید: ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (۳).

(۱) - سوره بقره آیه: (۲).

(۲) - سوره بقره آیه: (۱۰۲).

(۳) - سوره قصص آیه: (۵۱).

ترجمه: ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکر شوند. و همچنان مسایل دیگری که آیات قرآن به آن اشاره نموده در باب ارزش علم و تعلم بیان نموده بصورت مختصر به چند آیت که ذیلا ذکر شد. اکتفای کنیم.

مطلب دوم: نعمت عمر برای انسان در قرآن.

نعمت عمر برای انسان یکی از بزرگترین نعمت ها برای انسانها به شمار می رود و انسان به واسطه این نعمت بزرگ می تواند به الله تبارک و تعالی خود را نزدیک کند و در مقابل گناهان از او تعالی بخشش بطلبد، بسا افسوس بر آنده از انسانهای است که از نعمت بخشش و عمر بی بهره می مانند با انبوه از گناه به خانه ابدی رجعت می کنند.

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام روح بخش خویش می فرماید: ﴿وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ﴾^(۱). ترجمه: و هیچ کس عمر طولانی نمی کند، یا از عمرش کاسته نمی شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است.

صاحب تفسیر معارف القرآن در رابطه به این آیت می فرماید: مفهوم این آیت نزد جمهور مفسرین این است، به هر کسی که الله تبارک و تعالی عمر طولانی عنایت فرماید، آن از قبل در لوح محفوظ ثبت است، و اگر عمر کسی نیز کم گذاشته شود و آن هم نیز در لوح محفوظ مندرج است، حاصل آن اینکه در اینجا مراد از آن طول و نقص عمر فرد واحد نیست؛ بلکه بحث متعلق به نوع انسانی است که به یک فردی از آن عمر طویل داده می شود و به فرد دیگر عمر کمتر، این نوع تفسیر را از ابن عباس وابن کثیر نقل نموده اند و جصاص از حسن بصری و ضحاک نیز همین قول را نقل کرده است.

بنابراین در عموم تفاسیر مانند: ابن کثیر، ابن جریر، روح المعانی و غیره این را تفسیر جمهور قرار داده اند، و بعضی فرموده اند که اگر طول و نقص عمر را متعلق به شخص واحد بدانیم پس مراد از قلت عمر این است که هر میزان عمری که الله تبارک و تعالی برای هر کسی تعیین کرده باشد آن یقین است. و هر روزی که میگذرد از آن عمر مقرر

(۱): - سوره فاطر آیه: (۱۱).

یک روز کم می شود و با گذشتن دو روز نیز به اندازه همان دو روز کم می شود هم چنین هر بار تنفس وی سبب کاستن عمر وی می گردد این تفسر از شعبی، ابن جریر، ابن جبیر، ابومالک، ابن عطیه منقول است (۱).

همچنان الله تبارک و تعالی در جای دیگر از کلام خویش می فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ (۲). ترجمه: خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می آفریند، و دانا و تواناست.

به نقل از ابن کثیر در تفسیرش در رابطه به این آیت: الله تبارک و تعالی خبر از چگونگی پروسه انتقالات مرحله به انسان می دهد. انسان در اصل از جنس خاک است به قسمکه آیت قرآن دال بر این مسئله است در ابتدا خاک، بعد آن نطفه، سپس علقه، بعد آن گوشت جویده شده، در نهایت استخوان بندی، بعد آن پوشاندن استخوان ها توسط گوشت دمیدن روح در آن، تولد از بطن مادر، به شکل و صورت بسیار ضعیف بعد تبدیل طفل صغیر، سپس شروع به سخن گفتن می کند، به سن مراهق می رسد، بعد تبدیل به جوان نیرومند می شود در حالیکه در ابتداء بسیار ضعیف و نحیف بود. ختم کلام: بعد از قوت دوباره ضعف، و ناتوانی، پیری، این است نحوه ای خلقت الله تبارک و تعالی در مخلوقش (۳).

همچنان الله تبارک و تعالی در کلام روح بخش خویش می فرماید: ﴿ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ﴾ (۴). ترجمه: سپس مدتی مقرر داشت تا انسان تکامل یابد؛ و اجل حتمی نزد اوست.

(۱) - عثمانی، مفتی محمد شفیع. تفسیر معارف القرآن ترجمه فارسی مترجم: حسین پور، مولانا محمد یوسف. (۱۱ / ص ۳۲۵).

(۲) - سورة الروم آیه: (۵۴).

(۳) - ابن کثیر، ابو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر. تفسیر القرآن العظيم (۶ / ص ۳۲۷). ترجمه مولف: عمای الدین مشهور به ابو الفداء اسماعیل بن عمرو در سال (۷۰۰ هـ ق) در بصره به دنیا آمده بعد از وفات پدرش همراه با برادرش به دمشق سفر کرد از علماء دمشق استماع درس کرد. وی کتب زیادی در بخش تفسیر، حدیث، تاریخ و ادب نوشته اند و در سال (۷۷۴ هـ ق).

(۴) - سورة الانعام آیه: (۲).

صاحب تفسیر المنار در تفسیرش در رابطه به این آیت می نویسد: **ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا** یعنی مدت دنیا **وَأَجَلٌ مُّسَمًّى**؛ یعنی عمر انسان تا به زمان مرگ وی (۱).

به همین قسم آیات زیادی در قرآن وجود دارد که مبین مسائل مربوط به عمر انسان است که در نهایت به آخرین آیت اکتفا می کنیم: **﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾** (۲). ترجمه: خداوند شما را آفرید؛ سپس شما را می میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب‌ترین سنین بالای عمر می‌رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند و همه چیز را فراموش کنند؛ خداوند دانا و تواناست.

به نقل از صاحب فتح القدر امام شوکانی در رابطه به این آیت: مراد الله تبارک و تعالی در این بخش آیت **وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ** یعنی: در حالیکه هیچ چیزی وجود نداشت شما را خلق کرد، **ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ** تا زمان تکمیل نمودن زمان مقرر شما زنده می مانید بعد میمیرید، **وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ** گفته شده: رذل یرذل رذاله، والارذل والرذاله: به نقل از نیشاپوری در تفسیر فتح القدر عقلا ضوابطی را ترتیب داده اند در رابطه به عمر انسان به چهار مرحله: اول: سن رشد انسان نشو و نمو، دوم: سن جوانی، سوم: سن کهولت، چهارم: سن فرسودگی ظاهری در بدن یعنی سن پیری (۳).

صاحب تفسیر خازن در تفسیر این آیت می نویسد: **وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ** عمر انسان به چهار مرحله تقسیم می شود:

اول: نشو و نما انسان از ابتدای پیدایش تا به سن سی و سه لگی را شامل است، در حالیکه ابتداء و نهایت جوانی انسان را در بر میگیرد.

دوم: سن وقوف برای انسان از سی و سه سالگی الی تا به چهل سالگی میرسد، که در این دوره نهایت قوت جسمی و کمال عقلی برای انسان به شمار می رود.

سوم: سن کهولت از چهل سالگی الی به سن شصت سالگی را شامل است، که در این مرحله انسان کم بودی های را در بدن خود حس می کند از جمله: ابتلاء به مرض های گوناگون و امثالهم.

(۱) - محمد رشید بن علی رضا. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) (۷ / ص ۲۴۸) انتشارات: هیئته المصریه العامه للکتاب. سال چاپ: (۱۹۹۰م). ترجمه

مولف: محمد رشیدرضا در سال (۱۸۶۵م) در القلمون لبنان به دنیا آمد ایشان نویسنده دینی و فعال سیاسی در مصر و سوریه در اواخر دوره عثمانی بود یکی از مفکران و مصلحان بزرگ قرن چهاردهم به شمار می رفت ایشان کتب زیادی نوشته اند و در سال (۱۹۳۵ م) در قاهره وفات کرد.

(۲) - سورة النحل آیه: (۷۰).

(۳) - شوکانی، محمد بن علی بن محمد. فتح القدر الجامع بین فنی الروایه والدرايه من علم التفسیر (۴ / ص ۲۴۱).

چهارم: سن شیخوخه و انحطاط است که شروع آن از سن شصت سالگی تا به آخر عمر انسان را در بر میگیرد.^(۱)

نتیجه به دست آمده از نظر باحث: با مقایسه آیات و تفاوت دیدگاهها در میان مفسرین به این مسئله دست یاب می شویم که عمر بعد از تقسیم به مراحل مختلف هر مرحله از ویژگی ها و نقیصه های مختلفی دارد. مرحله در زندگی برای انسان دیده می شود که انسان بلا تکلیف است هیچ تکلیفی متوجه انسان نمی شود، اما مرحله ای وجود دارد که انسان در مقابل هر گونه از اعمال خوب و یا بد مورد باز پرس قرار می گیرد.

در نهایت می توان چنین احصائیه کرد که عمر انسان در زندگی دنیا عبس و یا بیهوده نیست بناء انسان را لازم است تا در مسیر درست قدم نهاده زندگی باقی و جاوید خویش را تضمین نماید به قسمکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش فرموده انسان چنین می پندارد که بحال خویش گذاشته می شود نه چنین نیست حتمادر مقابل اعمال و رفتارهای زندگی خویش پرسش های را جواب دهد.

مطلب سوم: آزادی و اختیار برای انسان در قرآن.

انسان در افعال خود اختیار دارد زیرا اراده او چنان است که می تواند هم خیر و هم شر را اراده کند و می تواند خیر و شر را از هم به وسیله شرع و عقل تمیز دهد، خداوند تبارک و تعالی برای انسان این توان را بخشیده است که راه های خیر یا راه های شر را اختیار کند. به طور مثال: انسان می تواند دزدی کند و یا آن را به اختیار خود ترک کند. الله تبارک و تعالی راه نیکی و بدی را برای انسان نشان داده است.

او را از طریق کتاب های آسمانی و عقل آگاه گردانیده است که پیروی از اوامر الهی و انجام اعمال نیک نتایج خوبی دارد و موجب سعادت دنیا و آخرت می گردد و بر عکس ترک اوامر الهی، و انجام اعمال بد، سبب بد بختی او در دنیا و آخرت می شود. بناء هرگاه انسان گناه را اختیار کند، دلیلی برای عذر ندارد و اگر خداوند خواست مجازاتش می کند، و اگر راه توحید و حسنات را اختیار کرد، خداوند برایش اجر و مکافات می دهد.

(۱) - بغدادی، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم مشهور به خازن، تحقیق و تصحیح: شاهین، محمد علی. تفسیر الخازن نسخه محققه (لباب التأویل فی معانی التنزیل) (۳ / ص ۸۸)، انتشارات: دار الکتب العلمیه، بیروت لبنان. سال چاپ: (۱۴۱۵ هـ ق).

در کل آزادی و اختیار انسان را به سه بخش تقسیم می‌کنیم:

الف: اختیار انسان در سنین قبل از تکلیف، در ابتدای کودکی اگر از انسانی خطائی صادر میشود شخص کودک به علت خردی سنش مسئول شمرده نمی‌شود مگر اینکه با اندکی تنبیهات به عمق موضوع واقف ساخته می‌شود و بس. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می‌فرماید: **خُجِرْكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لَتَبُلُّعُوا** یعنی شما بعد از پیدایش شکل یک طفل کم حجم و به اندازه نیم متر کمتر و بیشتر می‌باشید که از مادر به دنیا می‌آید در این صورت شما توان تشخیص خوب را از بد ندارید بناءً هیچ تکلیفی دامنگیر شما نیست تا اینکه زمان تکلیف وی فرانسد.

ب: اختیار انسان در سنین تکلیف، هیچ انسانی نیست مگر اینکه به محضر الله تبارک و تعالی در روز محاسبه قرار گیرد از تمام افعال و کرده‌های دنیای جواب پس دهد. به قسمیکه الله جل جلاله مشرکین قریش را مخاطب قرار داده از افتخارات بی مورد شان به بدی یاد می‌کند.

﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^(۱). ترجمه: آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است (این دو)، نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند.

به نقل از صاحب تفسیر معارف القران: در رابطه به این آیت می‌نویسد، اینکه بسیار از مشرکان مکه در مقابله با مسلمانان بر این افتخار می‌کردند که امور تعمیر مسجد الحرام و آب دادن حجاج به عهده ما است و هیچ عملی بالاتر از این نیست.

حضرت عباس قبل از اسلام آوردن شان وقتی که در غزوه بدر اسیرشد و دوستان مسلمان او وی را ملامت کردند که شما چگونه از نعمت اسلام محروم هستید او چنین اظهار داشته بود همان گونه که شما ایمان و هجرت را از افتخارات خود می‌پندارید، ما نیز به مسئولیت‌های خطیر چون، تولیت، تعمیر مسجد حرام و آب رسانی به

(۱): - سوره توبه آیه: (۱۹).

حجاج، افتخار می‌کنیم، و هیچ عملی نمی‌تواند با این امور برای ما برابری کند. آن گاه در پاسخ به گفته‌های عباس این آیت نازل شد (۱).

برتری جهاد بر دیگر اعمال در این آیت: آنچه در این آیه، جهاد بر تعمیر مسجد ترجیح داده شده، مراد از عمارت تعمیر ظاهری آن است. اما اگر تعمیر مسجد به معنی حضور برای عبادت باشد آن وقت در حکم ذکر الله خواهد بود و مطابق نص صریح آنحضرت صلی الله علیه وسلم ذکر الله در حقیقت عمارت و آبادانی مسجد است. و از افضل و اعلی خواهد بود. چنانکه در مسند امام احمد، ترمذی و ابن ماجه به روایت حضرت ابو الدرداء منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: که آیا من چنان عملی نشان ندهم که از همه اعمال شما بهتر و به نزد پروردگار شما از همه افضل و انجام جهاد برتر باشد که شما در راه خدا با دشمن سخت و مقتدری در جهاد مبارزه کنید. و در آن شما او را بکشید و او شما را به قتل برساند؟ صحابه عرض کردند یا رسول الله حتماً آن عمل را به ما نشان دهید، فرمود: آن عمل "ذکر الله" است، از این معلوم شد که فضیلت ذکر الله از جهاد هم بیشتر است. اما در این جا واضح است که فخر و غرور مشرکین مبتنی بر ذکر الله و عبادت نبود. بلکه مبنی بر تعمیر ظاهر و انتظامات مسجد بود، بنا براین جهاد از آن افضل قرار داده شده است (۲).

افعال و اعمال مأموریه برای انسان: تکلیف برای انسان ایمان و اعتقاد وی است که از وی پرسیده می‌شود اینکه ایمان به مؤمن به داشته یاخیر؟ در اعمال و افعال به کدام منبع اتکاء کرده، آیا منبع درستی را اختیار کرده، یا که بخاطر تعبد و پرستش به غیر متوسل شده اند.

به مثلیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش برای انسان مسلمان امر: به نماز، به گرفتن روزه، به دادن زکات به فقراء و مساکین کرده، همچنان در صورت توان مندی ادای حج خانه ای کعبه، این همه به این مسئله بر میگردد که

(۱) - عثمانی، مفتی محمد شفیع. تفسیر معارف القرآن ترجمه فارسی مترجم: حسین پور، مولانا محمد یوسف. (۶ / ص ۲۱۹).

(۲) - همان اثر: (۶ / ص ۲۲۱).

انسان در تمام شئون زندگی خویش مختار مطلق نیست؛ بلکه در امری صاحب اختیار و در امر دیگر مقید به قید گردیده است.

اگر به دلایل قرآنی هرکدام از موارد پردازیم با وجود دلایل زیاد ممکن نتوانیم بطور کامل از هرکدام از بخش های تکلیفی بوجه احسن در این رساله مختصر بحث کرده باشیم، چراکه هرکدام از بخش تکلیفی خود یک عنوان مستقل به شمار می‌رود. بعنوان مثال به چند دلیل عمده تکلیفی اشاره مختصر می‌نماییم.

الف: ایمان به الله، که یکی از بزرگترین مسؤولیت ها برای یک انسان به شمار می‌رود، به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش اشاره می‌کند به اینکه انبیاء علیه سلام به چیز دیگری دعوت نمی‌کردند دستورشان در مأموریت شان این بود که الله را عبادت کنید. در این آیت به وضوح دیده می‌شود: ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾^(۱). همچنان در سوره اعراف: آیات: (۶۵، ۷۳، ۸۵). سوره هود آیات: (۵۰، ۶۱، و ۸۴) همچنان در سوره مؤمنون: آیات: (۲۳ و ۳۲). در این آیات اگر اندکی توجه کرده شود پی خواهیم برد که تماما به توحید و وحدانیت اشاره می‌کند. با توجه به این دلایل پس اختیار انسان در تعبد و پرستش اختیاری نیست که هرکه هرچیز را مطابق میل خود بتواند پرستد.

اعمال و افعال منهیة برای انسان: همچنان در اعمال و افعال، الله تبارک و تعالی زندگی انسان را مقید به قید قرار داده، اختیار مطلق در تمام امور ندارد. بطور مثال: انسان مسلمان را از خوردن مال حرام منع کرده، از سود خوردن، دزدی، شراب نوشیدن، زنا کردن، حق دیگران را تلف نمودن و ... منع فرموده بطور صریح احادیث رسول اسلام صلی الله علیه وسلم در احادیث تفصیل نموده. بطور مثال: به چند مورد از آیات قرآن اکتفا می‌کنیم.

(۱) - به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَنِزِيرَ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِعَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۲). ترجمه: خداوند، تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. ولی آن کس که مجبور

(۱) - سوره اعراف آیه: (۵۹).

(۲) - سوره بقره آیه (۱۷۳).

شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد؛ خداوند بخشنده و مهربان است.

(۲) - همچنان در رابطه بد بودن سود: الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾^(۱). ترجمه: گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است و تفاوتی میان آن دو نیست. در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام؛ زیرا فرق میان این دو، بسیار است.

(۳) - در رابطه به بد بودن دزدی الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ﴾^(۲). ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید.

(۴) - راجع به بد و مضموم بودن شراب الله تبارک و تعالی در آخرین مرحله از مراحل چهارگانه خویش چنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۳). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و ازالام نوعی بخت‌آزمایی، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

(۵) - در بد بودن عمل فاحش زنا الله تبارک و تعالی یاد کرده: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾^(۴). ترجمه: هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛

ج: آزادی و اختیار انسان: انسان در بعضی موارد از خود اختیاراتی را هم دارد بطور مثال: خوردن، نوشیدن، راه رفتن، زیستن، مکانی برای زندگی بهتر انتخاب کردن، بهترین لباس را استفاده کردن، و ... هیچ‌گونه قیدی بالایش وضع نشده در صورتی که مطابق شریعت باشد. زمانیکه انسانی در زندگی دچار سگتگی شود می‌تواند هرکجا که خواسته باشد زندگی برای خویش اختیار کند به شرطی که مانعی در عبادت وی، عقیده توحید برایش پیدا نشود.

(۱) - سوره بقره آیه (۲۷۵).

(۲) - سوره مائده آیه: (۳۸).

(۳) - سوره مائده آیه: (۹۰).

(۴) - سوره النور آیه: (۲).

الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱). ترجمه:

مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست خداوند بی نیاز و داناست.

به نقل از صاحب تفسیر الوسیط: در را بطه به این آیت، زمانیکه شما در تنگنا قرار گرفتید بخاطر خاندن نماز در هرکجای از زمین که خواسته باشید می توانید ادای نماز کنید. بناء در وقت نماز توجه نماز داشته باشید و خداوند همراه بندگان خویش است^(۲). پس از گفتار این مفسر دانسته می شود که نماز خاندن زمانیکه مسجد یا مکان مخصوص آن نباشد تمام زمین مسجد الله است بندگان می توانند در آن ادای نماز و باقی عبادات کنند.

نتیجه به دست آمده در این مطلب: به اساس دلایل قرآنی و استدلالات مفسرین به این نتیجه می رسیم که انسان زندگی اش به اساس یک چارچوب تنظیم شده است. در حالیکه توان خوب بودن و یا بد بودن را نیز دارد می تواند بهترین انسان باشد که الله در کلامش توصیف کرده، به مثل صالحین، شهداء و انبیاء در مقابل می تواند بدترین انسان هم باشد که تاریخ این نوع انسانها را تجربه کرده است، با خوب بودن بقای خویش را تضمین می کند اما باید بودن در دوزخ را بالای خویش باز می سازد.

(۱): - سوره البقره آیه: (۱۱۵).

(۲): - الزحیلی، وهبه بن مصطفی. التفسیر الوسیط (۱ / ص ۵۴) انتشارات: دار الفکر دمشق سوریه. چاپ: اول سال چاپ: (۱۴۲۲ هـ ق).

فصل سوم

تربیت معنوی انسان اهداف و وسائل آن در قرآن

تمهید

مبحث اول: معنا و مفهوم تربیت معنوی انسان در قرآن:

مبحث دوم: اهداف تربیت معنوی.

این مبحث دارای دو مطلب می باشد:

مطلب اول: اهداف عام برای فرد.

- علم و دانش برای فرد.
- اخلاق.
- بزل و بخشش.
- صدق و راستی.
- تقدیس و پرستش.

مطلب دوم: اهداف خاص برای فرد.

الف: تسلیم شدن به اوامر الله.

ب: رجا و امید از الله.

ج: شکر گزاری الله متعال.

عبادت الله.

تقوی و عمل صالح.

مبحث سوم: وسایل تربیت معنوی.

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

مطلب اول: مفهوم عبادت الله متعال.

عبادت تکوینی.

عبادت تشریحی .
عبادت رفتاری .
شرایط عبادت .
فروتنی در عبادت .
مطلب دوم: استخلاف در زمین .
الف: خلافت به معنی عام .
ب: خلافت به معنی خاص .
مطلب سوم: قیام به عدل .
مفهوم عدالت .
الفاظ و کلمات مرادف عدالت در قرآن .
الفاظ و کلمات متضاد عدالت در قرآن .
نتیجه گیری .
فهرست آیات .
فهرست احادیث .
فهرست اعلام .
فهرست منابع .
خطه بحث .
خلاصه به انگلیسی

(مبحث اول)

معنا و مفهوم تربیت معنوی انسان در قرآن

تهید

تربیت اگر مادی باشد یا معنوی هر کدام دارای ویژگی های بلخصوصی می باشد، به قسمیکه در تربیت مادی اشاره کردیم، همچنان اجزای آن را مورد بحث و بررسی قرار داده ایم تربیت معنوی یعنی، تربیتی خداگرا، خدا محور، و اصلاح کننده رابطه انسان با آفریدگار است، ویژگی بارز چنین رویکردی تقویت بنیان های اعتقادی و عرفانی و روحیه عبودیت و بندگی است. در واقع تربیت معنوی برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان صورتی که فلسفه کلی جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیا و آخرت تعیین کرده است، گام بردارد. بر این اساس، وقتی در پرتو تربیت معنوی، رابطه انسان گام های بلندی برداشته است. تربیت معنوی به مثل تربیت مادی دارای بخش های مختلفی است که هر کدام را به ترتیب توضیح می دهیم.

تربیت معنوی در اصل سازنده یک شخصیت کامل در زنده گی بشری به شمار می رود، ما در قبل تربیت مادی را بحث داشتیم پی بردیم که تربیت مادی یک بخش عمده زنده گی بشری را احتوا می کند. همچنان تربیت معنوی است به کمک تربیت معنوی ما می توانیم بطور درست و معیاری بنده گی الله تبارک و تعالی را به انجام برسانیم، زنده گی خود را بدون نقص با عزت طی کنیم. تربیت معنوی به مثل تربیت مادی دارای یک سلسله مراتب و مراحل است، که ذیلا بعد از معرفی تربیت معنوی اشاره می شود.

مبحث اول: مفهوم معنوی:

قابل یاد آوری است که تعریف تربیت را قبلا در بخش تربیت مادی ذکر کردیم، نیاز به ذکر دوباره آن نیست.

اما معنوی:

در لغت: معنوی، (م ع ن و ی) منسوب به معنی است. یعنی آنچه: منسوب به معنی است. باطنی، حقیقی^(۱).
تعریف دیگری: از فرهنگ لغت آبادیس: در رابطه به تعریف لغوی، معنوی یعنی: باطنی، روحانی، روحی، عارف و در دورنی، که مرادف آن. ظاهری، مادی و صوری است^(۲).

(۱) - عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. (ص ۱۱۴۰) انتشارات: امیرکبیر ایران تهران سال چاپ: (۱۳۶۳ ه.ش).

(۲) - از همان نویسنده: (ص ۲۲۰) انتشارات: احسان تهران.

براساس تحلیل این دو تعریف به یک دلیل قرآنی تفسیر می‌کنیم: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾^(۱). ترجمه: چشمها او را نمی‌بینند؛ ولی او همه چشمها را می‌بیند. اگر به این آیت اندکی تأمل کرده شود به این نتیجه می‌رسیم که حقیقتاً الله با عجائب خلقتش قابل رؤیت و دید است.

به زمین، کوه‌ها، دشت‌ها، انسانها، حیوانات و ... تمام حقیقتاً مبین این مسئله است که صاحبی وجود دارد اگر ما به چشم به صورت مادی دیده نمی‌توانیم اما از لحاظ معنوی قابل درک است.

در رابطه به تعریف اصطلاحی معنوی تعاریفی مختلفی ارائه شده هرکدام از اندیشمندان به اساس استعداد و توان مندی خودشان معنوی را تعریف نموده‌اند. با اندکی تفاوت در تعریف هرکدام.

معنوی در اصطلاح: معنویت یعنی وجود معنا و هر آنچه مادی نباشد را معنوی گویند. از دین به معنویت نیز استعاره می‌شود^(۲).

معنویت: معنویت از معنوی گرفته شده، که منسوب به "معنا" است؛ یعنی آنچه در مقابل پوسته و ظاهر باشد و به باطن و روح مربوط گردد^(۳) همچنان به معنای مقامات، درجات عالم باطن و سیر در عالم معنا و باطن از دیگر معانی معنویت است^(۴).

تعریف دیگری از معنویت: در اصطلاح، معنوی در مقابل لفظی است و در معنی روحانی در مقابل مادی و باطنی در مقابل ظاهری هم بکار می‌رود. معنوی می‌تواند امر قدسی یا غیبیت ارزش‌های اخلاقی، دین، عرفان و ... هر نوع معنا بخشی به زندگی را در بر گیرد^(۵).

(۱) - سوره انعام آیه: (۱۰۳).

(۲) - بهرامی، هاجر. روانشناسی دینی (ص ۱۲۳) انتشارات: احسان تهران.

(۳) - دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا، (ماده معنوی ص ۸۳) انتشارات: امیر کبیر ایران تهران سال چاپ: (۱۳۷۷هـ).

(۴) - مطهری، مرتضی. انسان و ایمان (ص ۱۶۹) انتشارات: احسان تهران سال چاپ: (۱۳۶۱هـ).

(۵) - سیف، علی اکبر. روانشناسی تربیتی (ص ۲۲۰) انتشارات: امیر کبیر تهران ایران چاپ دوم

تعریف دیگری در رابطه به معنوی از دیدگاه سیکولاریزم: زندگی معنوی لزوماً به معنای تعلق به یکی از ادیان نهادینه و تاریخی نیست، بلکه به معنای داشتن نگرشی به عالم و آدم است که به انسان آرامش، شادی و امید بدهد.^(۳)

در خاتمه از تعاریف یاد شده به این نتیجه می‌رسیم: که مقصد از تربیت معنوی در حقیقت تربیت باطنی است هر زمان یک انسان درون خود را آراسته سازد به زینت اسلام، تعامل کند به دستور اسلام، خدا ترسی داشته باشد، در روشنایی اسلام، تقوی پیشه کند، بخاطر تحقق آرمان های معنوی.

والدین باید به این بخش از تربیت اهتمام بیشتری بورزند؛ زیرا این نوع از تربیت، زمینه ساز رشد احساسات و عواطف، تهذیب، تزکیه و شفافیت آنها است و موجب رشد شخصیت کودکان می‌گردد. از طرف دیگر تربیت معنوی و روحانی باعث تعالی نفس، صفای روح و سلامت روانی او از انواع بیماریها و رذایل اخلاقی می‌گردد و آرامش و آسودگی را برای او به ارمغان می‌آورد علاوه بر این چنین تربیتی تجلیت خداوند و تفکر در عظمت و ادراک اسرار آفرینش و التزام به او اوامر او را در آنان تقویت خواهد نمود، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^(۲). ترجمه: مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهای شان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

به نقل از صاحب تفسیر فتح القدير: مراد وَجِلَّتْ در این آیت پدید آمدن خوف و ترس از الله در بنده اش، این ویژه گی خاصاً در وجود مؤمنین راستین و مخلصین به الله است، و مراد از زَادَتْهُمْ إِيمَانًا زیادت در عمل است چراکه ایمان شیء واحد است نه زیاد می‌شود و نه کم می‌شود^(۳).

(۱) - - الميداني، عبدالرحمن. اجنحه المکررالثلاثه (ص ۲۲۰) انتشارات: دار القلم دمشق سوریه چاپ: هشتم سال چاپ: (۲۰۰۰م).

(۲) - - سورة انفال آیه: (۲).

(۳) - - شوکانی، محمد بن علی بن محمد. تفسیر فتح القدير. (۳ / ص ۱۴۸).

مبحث دوم: اهداف تربیت معنوی.

اهداف تربیت معنوی به مثل اهداف تربیت مادی دارای شاخص های مشخصی است، در جاذبه های مادی انسان به مثل حیوانات خوردن، نوشیدن، خواب میل به امور جنسی و استراحت دارد. اما در بعد معنوی تنها انسان است که می تواند حس کند که چگونه خود را آراسته به زینت اخلاق سازد، علم بیاموزد، رفتار خوب داشته باشد و... در اصل تربیت معنوی سبب می شود تا ما به این اهداف دست یاب شویم:

مطلب اول: اهداف معنوی عام برای فرد:

۱ - علم و دانش: انسان دانش و آگاهی را تنها از آن جهت که او را بر طبیعت مسلط می کند و سود زندگی مادی اوست نمی خواهد، حقیقتاً در انسان گزینه حقیقت جویی و تحقیق وجود دارد، نفس دانایی برای انسان مطلوب و لذت بخش است. علم گذشته از اینکه وسیله ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت ها بر آمدن، فی حد نفسه نیز مطلوب برای بشر به شمار می رود. انسان اگر بداند که رازی در ورای کهکشانشما وجود دارد و دانستن و تأثیری در زندگی او ندارد، باز هم ترجیح می دهد که آنرا بداند. در اصل انسان از جهل فرار می کند و به سوی علم و دانش میشتابد؛ بنا براین، علم و آگاهی یکی از ابعاد معنوی وجود انسان به شمار می رود. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^(۱). ترجمه: بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند تنها خردمندان متذکر می شوند.

به نقل از صاحب تفسیر المنیر: مراد از: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ آیا علماء و جهال باهم برابردند هرگز چنین نیست، چراکه علماء تدبیر در آیات خالق می کنند به کمک عقل سلیم شان نه جهلاء بخاطریکه جهال توان درک، فیصله راجع به امور را ندارند، این دو فرقه باهم هیچگاه برابر نیستند، بخاطر که شخص عالم حق را بهتر درک کرده می تواند و به منهج حق زود تر آشنایی پیدامی کند^(۲).

(۱) - سورة الزمر آیه: (۹).

(۲) - زحیلی، وهبه بن مصطفی. التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج (۲۳/ ص ۲۵۸) انتشارات: دار الفکر المعاصر، دمشق سوریه. چاپ: دوم سال چاپ: ۱۴۱۸ ه.ق.

به نقل از صاحب تفسیر الطبری: در رابطه به این آیت هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ بگو ای محمد صلی الله علیه وسلم برای قومت آیا برابر اند آنانیکه میدانند که کدام عمل بهتر است و محمود تر است در نزد پروردگار که اجر در آن باشد و آن سیئات که خود داری کردن آن بهتر است درحالیکه ما کسانی هستیم که میدانیم و اما دشمنان ما نمی دانند (۱).

همچنان الله تبارک و تعالی در کلام خویش در رابطه به جایگاه علماء می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُخَشَى اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (۲). ترجمه: از میان بندگان خدا، تنها علماء هستند که بیشتر از او می ترسند.

صاحب تفسیر سمرقندی در تفسیرش در رابطه به این آیت می فرماید: إِنَّمَا يُخَشَى اللَّهُ مِنْ ... یعنی: علماء مخلوقات الله تبارک و تعالی را بهتر می شناسد و در خلقت الله تبارک و تعالی بهتر تمرکز و فکر می کند به ثواب آن عامل و از عقاب آن ترس و هراس دارند (۳).

۲ - اخلاق: بخشی از کارها را انسان انجام می دهد نه به منظور منفعت از آنها یا دفع زیانی به وسیله آنها؛ بلکه صرفاً تحت تأثیر یک سلسله عواطف که عواطف اخلاقی نامیده می شود، از آن جهت انجام می دهد که معتقد است انسانیت چنین حکم می کند. فرض کنید انسانی در شرایط سخت، در بیابانی وحشتناک قرار گرفته است بدون مواد خوراکی، البسه و وسیله حمل و نقل، و هر لحظه خطر مرگ وی را تهدید می کند، در این میان انسانی دیگری پیدا می شود و به او کمک می کند و او را از چنگال مرگ قطعی نجات می بخشد. بعد از این دو انسان از هم دیگر جدا می شوند و یک دیگر را نمی بینند، سالها بعد آن فردی که روزی گرفتار شده بود نجات دهنده قدیمی خویش را می بیند که به حال بدی قرار گرفته است، به یادش میفتد که روزی همین شخص او را نجات داده است. آیا وجدان همین فرد در اینجا هیچ گونه فرمانی نمی دهد؟ آیا برایش نمی گوید که پاداش نیکی دوباره نیکی است آیا نمی گوید سپاسگزاری احسان کننده لازم است جواب روشن است.

(۱) - الطبری، محمد بن جریر بن یزید. جامع البیان فی تأویل القرآن. تحقیق: احمد محمد شاکر. (۲۱/ ص ۲۶۸) انتشارات: مؤسسه الرساله. چاپ اول: سال چاپ: (۱۴۲۰ هـ ق ۲۰۰۰ م).

(۲) - سورة الفاطر آیه: (۲۸).

(۳) - سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم. بحرالعلوم. (۳ / ص ۴۲۳) انتشارات: دار المعرفه بیروت لبنان. چاپ اول.

به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام روح بخش خویش می فرماید: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^(۱). ترجمه: آیا جزای نیکی جز نیکی نیست حقیقتاً است.

به نقل از صاحب تفسیر البغوی: در رابطه به این آیت، هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ احسان احسان کننده در دنیا نتیجه اش پاداش در آخرت است^(۲).

وهم اینکه وجدان انسانها حکم می کند که پاداش نیکی را به نیکی باید آفرین گفت و بی اعتنا را باید مورد ملامت و شماتت قرارداد "این از وجدان اخلاقی ناشی می شود و این گونه اعمال را خیر اخلاقی می گویند" معیار بسیاری از کارهای انسان "خیر اخلاقی" است و به عبارت دیگر، بسیاری از کارها را انسان به جهت "ارزش اخلاقی است" انجام می دهند نه به جهت امور مادی. این نیز از مختصات انسان است و مربوط است به جنبه ای معنوی انسان و یک بعد از ابعاد معنویت او به شمار می رود. سایر جانداران هرگز چنین معیاری را ندارند، برای حیوان خیر اخلاقی مفهومی ندارد و ارزش اخلاقی بی معنی است.

الف: سلوک نیک، رفتار نیک برای انسان منافع معنوی زیادی را به بار می آورد، به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^(۳). ترجمه: هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن.

به نقل از امام بغوی در تفسیرش: در رابطه به این آیت، وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ یعنی هیچگاه نیکی با بدی برابر نیست به مثل: صبر در مقابل غضب که باهم تفاوت دارند، حلم در مقابل جهل، عفو در مقابل سخت گیری. بنا در این بخش آیت: ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ امر به صبر در مقابل غضب، نرمی در مقابل جهل و گذشت در مقابل سخت گیری شده^(۴).

(۱): - سورة الرحمن آیه: (۶۰).

(۲): - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل (۷ / ص ۴۵۵) تحقیق: النمر، محمد عبدالله.

(۳): - سورة فصلت آیه: (۳۴).

(۴): - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود، تحقیق: النمر، محمد بن عبدالله. معالم التنزیل (۷ / ص ۱۷۴).

نتیجه به دست آمده از این آیت: اگر نظری به ظاهر آیت داشته باشیم به این مسئله می‌رسیم که گذشت و صبر برای انسان از هر آنچه که منفعت بار است با منفعت تر است.

ب: دفع بدی با خوبی، الله تبارک و تعالی همیشه بد خلقی را مذموم پنداشته برای انسان مسلمان را لازم است که در هنگام تعامل با دیگران مزین به زینت اخلاق حمیده باشد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ﴾^(۱). ترجمه: و آنها که بخاطر ذات پاک پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست...

صاحب تفسیر بغوی در تفسیر این بخش وَالَّذِينَ صَبَرُوا آیت می فرماید: صبر در مقابل مصیبت، درمقابل شهوات، درمقابل گناه بخاطر رضای الله تبارک و تعالی^(۲).

ج: بخشش از مردم یکی دیگر از گزینه های اخلاقی برای انسان مسلمان عفو و گذشت است انسان باید همیشه بخشنده گی داشته باشد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَعْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَىٰ﴾^(۳). ترجمه: گفتار پسندیده در برابر نیازمندان، و عفو و گذشت از خشونت‌های آنها، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است.

به نقل از صاحب تفسیر بغوی: در رابطه به این آیت، قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ یعنی سخن نیک و پسندیده و همچنان دعای نیک در حق برادر مسلمان^(۴).

د: صدق و راستی یکی دیگر از مکارم اخلاق به شمار می رود انسان راستگو و راستکار نه تنها با صداقت خویش محبوب دها در دنیا قرار می گیرد بلکه سبب بخشش و رضایت الله تبارک و تعالی نیز می گردد.

(۱) - سوره رعد آیه: (۲۲).

(۲) - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود، تحقیق: النمر، محمد بن عبدالله. معالم التنزیل (۴ / ص ۳۱۲).

(۳) - سوره بقره آیه: (۲۶۳).

(۴) - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود، تحقیق: النمر، محمد بن عبدالله. معالم التنزیل (۱ / ص ۳۲۶).

الله تبارک و تعالی در کلام خویش صادقین را به نیکان و خوبان تعبیر کرده است همچنان زمانیکه در رابطه به زندگی رسول اسلام صلی الله علیه وسلم از مشرکین قریش پرسیده می شد آنها به جز اینکه بگویند محمد صلی الله علیه وسلم راست کار و راست گو بود سخنی دیگری برای گفتن نداشتند.

الله تبارک و تعالی از راست گویی چه به نیکای یاد کرده، در کلام خویش: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^(۱).

به نقل از صاحب تفسیر منیر: در رابطه به این آیت، وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ مراد این بخش رسول اسلام صلی الله علیه وسلم است، وَصَدَّقَ مراد این جمله مؤمنین اصحاب رسول اسلام است، به مثل ابوبکر، عمر، عثمان، و باقی اصحاب^(۲).

اما امروزه هرکه به صدق گفتار قولی و عملی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم باور و یقین داشت و کاملاً درک کرده بود که هرآن سخنی از او صلی الله علیه وسلم صادر شده جنبه یقینی دارد این هم نمونه ای از صدق امت محمد صلی الله علیه وسلم به شمار می رود.

۳ - تقدیس و پرستش: یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود آدمی، حس نیایش و پرستش در وجود وی است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می دهد هر زمان و هر جاکه بشر وجود داشته باشد، نیایش و پرستش هم وجود داشته است، مسئله ای قابل بحث شکل کار و یا نیایش انسانها بوده هرکسی به جهتی میلان پیدا کرده گاهی به راه راست و درست و گاهی به خطا و اشتباه این انتخاب انسان بوده که تعیین کننده مسیر خویش شدند آنانکه به کمک وحی تعیین مسیر کردند، حقیقتاً به راه درست قدم نهاده اند در غیر آن راه را به چاه ختم می کنند.

(۱) - سوره زمر آیه: (۳۳).

(۲) - زحلی، وهبه بن مصطفی. التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج (۲۴ / ص ۶).

از نظر شکل از رقصها و حرکت های دسته جمعی موزون همراه بایک سلسله اذکار و اوراد گرفته تا عالی ترین خضوعها و خشوعها و راقی ترین اذکار و ستایشها و از نظر معبود از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم و ابدی منزّه از زمان و مکان.

به نقل از صاحب کتاب انسان در قرآن: پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند؛ بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر اینکه از پرستش غیر ذات یگانه "شُرک" جلوگیری به عمل آوردند. از نظر مسلمات دینی بشر ابتداء موحد و یکتا پرست بوده است. در حقیقت خدای واقعی خویش را می پرستیده اند پرستش بت ها، یا ماه، یا ستارگان، برای انسان از انحرافهای بوده که بعدا انسانها به آن میلان پیدا کرده اند، و از ایشان اینگونه پرستش رخ داده است. یعنی چنین نبوده که انسان پرستش را از بت و یا انسان یا موجود دیگری آغاز کرده باشد و تدریجا با تکامل تمدن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حس پرستش که احیانا از آن به نام حس دینی تعبیر می شود، در عموم افراد بشر وجود دارد (۱).

انسان ممکن است جانداران، یا درختان، یا بتهای زرین یا سنگی، یا خدای نادیده نی، یا مردی ربانی، یا پیشوای شیطانی صفت را پرستند، می تواند نیاکان یا ملت، یا طبقه یا حزب خود یا پول و یا کامیابی را پرستند... او ممکن است از جمله معتقداتش به عنوان دین، ممتاز از معتقدات غیر دینی آگاه باشد و ممکن است برعکس، فکر کند که هیچ دینی ندارد. مسأله برسر این نیست که دین دارد یا ندارد، مسئله برسر این است که کدام دین را دارد (۱).

۱- وجود الله: الله تبارک و تعالی در کلام خویش در آیات مختلفی راجع به وجود خویش اشاراتی داشته است و انسان را مکلف ساخته تا او که خالق رازق مخلوقات مورد تعبد و پرستش قرار دهد از جمله در این آیت کریمه: ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (۲). ترجمه: چگونه به خداوند کافر می شوید. در حالی که شما مردگان و اجسام بی روحی بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می شوید؛ بنابراین این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست.

(۱): - مطهری، سید مرتضی. انسان در قرآن (۲۲).

(۲): - سوره بقره آیه: (۲۸).

همچنان دلیل دیگری از لابلائی آیات قرآنی: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^(۱). ترجمه: او خدایی است که همه آنچه را از نعمتها در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است.

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾^(۲). ترجمه: و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست.

۲ - وحدانیت الله: در اصل هستی خود دال بر وحدانیت الله تبارک و تعالی است اگر از بصیرت خود کار گرفته متوجه محیط و ماحول خود باشیم در می یابیم که کائنات از ناظم و خالقش دارد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید شما کسی را عبادت کنید که شمارا خلق کرده، : ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^(۳). ترجمه: ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید.

همچنان الله تبارک و تعالی در آیت دیگری نیز می فرماید: ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^(۴). ترجمه: چگونه به خداوند کافر می شوید در حالی که شما مردگان و اجسام بی روحی بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می شوید. بنابر این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست.

(۱) - سوره بقره آیه: (۲۹).

(۲) - سوره شوری آیه: (۲۹).

(۳) - سوره بقره آیه: (۲۱).

(۴) - سوره بقره آیه: (۲۸).

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾^(۱). ترجمه: و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است، که غیر از او معبودی نیست اوست بخشنده و مهربان و دارای رحمت عام و خاص.

هنچنان در جای دیگر: ﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۲). ترجمه: و حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خدا بر همه چیز تواناست.

الف - ربوبیت: الله جل جلاله خالق و رازق ما است مدیر و مدبر ما است، در حقیقت احاطه کننده همه چیز الله جل جلاله است به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾^(۳). ترجمه: خداوند آفریدگار هر چیز است و اوست که از هر چیز نگهداری می کند.

همچنان در جای دیگر الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلم يَكُن لَّهُ وِليٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا﴾^(۴). ترجمه: و بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهان داری شریکی دارد و نه خوار بوده که نیاز به دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.

پس خواسته توحید ربوبیت این است که باید هر گونه عبادت، زاری، کمک خواستن و تمام حوائج دنیوی و اخروی، تنها از الله تعالی خواسته شود و از گرفتن دیگر متصرفین و کمک کننده گان به صورت جدی اجتناب شود؛ چراکه الله تبارک و تعالی تنها لایق عبادت و پرستش است و بس.

بصورت عام الله تبارک و تعالی می فرماید که غیر او تعالی هیچ پستی بانی برای انسان و جود ندارد. ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۵).

(۱) - سوره بقره آیه: (۱۶۳).

(۲) - سوره آل عمران آیه: (۱۸۹).

(۳) - سوره زمر آیه: (۶۲).

(۴) - سوره اسراء آیه: (۱۱۱).

(۵) - سوره انعام آیه: (۱۷).

ترجمه: و اگر خداوند به تو ضرری برساند. کسی جز او برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیز توانا است. نکته قابل یاد آوری است که فقط به ذکر دلایل پرداختیم به بخاطر زیاد نشدن محتوای از تفسیر هر کدام از دلایل خود داری کردیم.

ب - الوهیت: تعریف الوهیت؛ "إله" در لغت به معبود گفته می شود؛ الوهیت مصدر و صفت الله تعالی است. معنای توحید الوهیت این است که تنها الله تعالی مستحق ولایت پرستش است و در عبودیت "استحقاق پرستش" هیچ شریکی ندارد.

بخاطر اثبات توحید دلایل زیادی از قرآن و سنت داریم به چند دلیل مختصر اکتفا می کنیم، ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾^(۱). ترجمه: خداست که هیچ معبودی جز او نیست.

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ﴾^(۲). ترجمه: بگو: خداوند، یکتا و بیگانه است، الله بی نیاز از همه است.

مطلب دوم: اهداف خاص برای فرد.

به قسمیکه اهداف عام را جهت آگاهی با چند مثال مختصراً توضیح داده شد. همچنان اهداف خاص که افراد را شامل می شود، هر کدام به نوبه توضیح داده می شود.

۱ - ایمان به الله، ایمان به الله تبارک و تعالی یکی از مهم ترین عنصر برای یک مسلمان به شمار می رود، بناء ایمان به الله متقاضی محبت به الله است. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^(۳). ترجمه: و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، بگو: من نزدیکم دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند و به مقصد برسند.

(۱) - سوره بقره آیه: (۲۵۵).

(۲) - سوره اخلاص آیه: (۱ - ۲).

(۳) - سوره بقره آیه: (۱۸۶).

به نقل از صاحب تفسیر فتح القدیر: در این بخش آیت؛ وَلْيُؤْمِنُوا بِيْ يَعْنِيْ اِذَا كُنْتُمْ اَعْرَابًا مِّنْ اَرْضٍ مَّا جَاءَتْكُمْ لِقَاءِ رِجَالٍ مِّنْ اَرْضِ آخَرَةٍ لِّيُؤْمِنُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ وَرِجَالِ النَّبِيِّ الَّذِي اُنزِلَ فِيْهِ الْوَحْيُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ را استجابت می‌کنم^(۱).

همچنان در آیت دیگر الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ﴾^(۲). ترجمه: بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است.

در جای دیگر نیز الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ اَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِيْنَ﴾^(۳). ترجمه: بگو: از خدا و فرستاده او، اطاعت کنید و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

به همین چند دلایل قرآنی اکتفا می‌کنیم؛ نتیجه امر این می‌شود که بدون محبت با الله و رسول وی تنها ادعای محبت کافی نیست. انسان باید در دل و ضمیر خویش با خداوند محبت داشته باشد.

الف: تسلیم شدن به اوامر الله؛ انسان در تمام امر از امور زندگی خویش خود را منقاد به رضای الله تبارک و تعالی بداند. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در این آیت می‌فرماید: ﴿بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ﴾^(۴). ترجمه: آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.

به نقل از ابن جریر الطبری در تفسیرش: در رابطه به یک بخش این آیت، بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ مراد از اسلام تسلیم بودن به اوامر او تعالی که در آن خشوع و خضوع باشد. همچنان اشاره به مسلم هم شده، یعنی نه تنها خضوع بلکه تمام اندام و جوارح برای اطاعت از الله تبارک و تعالی فعالیت داشته باشد.

(۱): - شوکانی، محمد بن علی بن محمد. فتح القدیر الجامع بین فنی الروایه والدرايه من علم التفسیر (۱ / ص ۲۴۳).

(۲): - سوره آل عمران آیه: (۳۱).

(۳): - سوره آل عمران آیه: (۳۲).

(۴): - سوره بقره آیه: (۱۱۲).

بطور کلی گفته می‌توانیم مراد این بخش اخلاص با الله تبارک و تعالی است (۱).

ب: رجا و امید از الله یکی دیگر از شرایط ایمان به الله متعال به شمار می‌رود، به قسمیکه الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۲). ترجمه: کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

به نقل از ابن جریر الطبری: در رابطه به این بخش آیت: اینان از بهترین نان این امت به شمار می‌روند، و شدند اهل رجاء به قسمیکه کسی طلب امید نماید و کسی که از خداوند بترسد (۳).

همچنان در جای دیگر الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (۴). ترجمه: بگو: من فقط بشری هستم مثل شما؛ امتیازم این است که به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

به نقل از صاحب تفسیر بغوی در این بخش آیت: فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ کسی که ترس در دل داشته باشد، و امید دیدار خالق خود را نیز داشته باشد رجا گفته می‌شود (۵).

همچنان الله تبارک و تعالی در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾ (۶). ترجمه: آنها که ایمان به ملاقات ما و روز رستاخیز ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند.

(۱) - طبری، ابن جریر. جامع البیان. (۲ / ص ۵۱۰).

(۲) - سوره بقره آیه: (۲۱۸).

(۳) - طبری، ابن جریر. جامع البیان. (۴ / ص ۳۱۷).

(۴) - سوره کهف آیه: (۱۱۰).

(۵) - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود، تحقیق: النمر، محمد بن عبداللہ. معالم التنزیل. (۵ / ص ۲۱۳).

(۶) - سوره یونس آیه: (۷).

ج: شکرگزاری **الله متعال**، شکر در مقابل نعمات **الله تبارک و تعالی** یکی دیگر از شرایط ایمان به **الله تبارک و تعالی** است. انسان مسلمان را لازم است تا در هر حالت شکر **الله** را بجا آورد به قسمیکه **الله تبارک و تعالی** می فرماید: ﴿فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾^(۱). ترجمه: پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گوئید و در برابر نعمتهایم کفران نکنید.

همچنان در جای دیگر نیز می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾^(۲). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می کنید.

همچنان در جای دیگر می فرماید: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^(۳). ترجمه: و همچنین به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

۱- **عبادت **الله متعال****. تنها شایسته عبادت **الله تبارک و تعالی** است او است که خلق می کند و می میراند، به قسمیکه **الله تبارک و تعالی** در کلام خویش می فرماید راجع به دین و عبادت: ﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^(۴). ترجمه: آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند؛ بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.

(۱) - سوره بقره آیه: (۱۵۲).

(۲) - سوره بقره آیه: (۱۷۲).

(۳) - سوره ابراهیم آیه: (۷).

(۴) - سوره بقره آیه: (۱۱۲).

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^(۱). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید.

هم چنان باری تعالی می فرماید: ﴿قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^(۲). ترجمه: بگو آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم خدایی که آفریننده آسمانها و زمین است؛ اوست که روزی می دهد و از کسی روزی نمی گیرد. بگو: من مأمورم که نخستین مسلمان باشم و خداوند به من دستور داده که از مشرکان نباشم.

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^(۳). ترجمه: پروردگارا تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جوئیم.

به نقل از صاحب تفسیر المنار: در رابطه به این آیت، مراد از إِيَّاكَ نَعْبُدُ اطاعت از پروردگار همراه نهایت خشوع و خضوع^(۴).

همچنان الله تبارک و تعالی برای خاص بودن عبادت برای خودش می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۵). ترجمه: بگو نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

همچنان امر بر عبادت الله متعال او تعالی می فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾^(۶). ترجمه: بگو من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم.

(۱) - سوره آل عمران آیه: (۱۰۲).

(۲) - سوره انعام آیه: (۱۴).

(۳) - سوره الفاتحه آیه: (۳ - ۴).

(۴) - رضا، محمد رشید بن علی. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) (۱/ ص ۴۸) انتشارات: الهيئة المصرية العامة للكتاب. سال چاپ: (۱۹۹۰م).

(۵) - سوره انعام آیه: (۱۶۲).

(۶) - سوره زمر آیه: (۱۱).

۲- تقوا و عمل صالح:

تقوا از ممتازترین صفاتی است که واجب است هر انسان مسلمان به آن، متصف باشد، اندیشمندان ربانی تقوا را این چنین تعریف کرده اند، خداوند متعال تو را در جایی نبیند که نهی فرموده است. یا همچنان که بعضی گفته اند، تقوا، پرهیز از عذاب الهی با عمل صالح است و در رسیدن از او در آشکار و نهان.

در هر صورت هر دو تعریف حول محور واحدی دور می زند که همانا پرهیز از عذاب الهی با مراقبت و محاسبه دائمی است و التزام به برنامه الهی در آشکار و نهان و کوشش مداوم در انتخاب حلال و پرهیز از حرام است. الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^(۱). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، چنان که سزاوار است از خدا بترسید.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی در رابطه به این آیت: مراد از حَقَّ تُقَاتِهِ در این آیت یعنی اطاعت کامل الله و اجتناب از نافرمانی آن، ذکر الله را بطور همیشه و اجتناب از فراموشی آن، شکر الله را بجا آوردن و کفران نعمت نکردن^(۲).

همچنان الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^(۳). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید...

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی در رابطه به این بخش آیت وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا یعنی سخنی بگویید که ظاهر و باطن آن یکی باشد، سخن حق باشد، در گفتار منظور و یا قصد دیگری نداشته باشید^(۴).

(۱): - سوره آل عمران آیه: (۱۰۲).

(۲): - قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح انصاری، شمس الدین. تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القرآن (۴ / ص ۱۵۷). انتشارات: دار الکتب المصریة القاہرة چاپ دوم: سال چاپ: (۱۹۶۴م).

(۳): - سوره احزاب آیه: (۷۰).

(۴): - قرطبی، شمس الدین. تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القرآن (۴ / ص ۲۵۳).

همچنان الله تبارک و تعالی راجع به وحشت و سختی روز قیامت یاد آوری می کند و می فرماید که از الله تبارک و تعالی بترسید که چنین روزی را پیش رو دارید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^(۱). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مخالفت خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی: در رابطه به این آیت، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ یعنی ترس از الله در اطاعت از اوامر الهی و منع از نواهی او تعالی است، ادای فرائض و اجتناب از معاصی است. وَتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ مراد کلمه غد تنبه است برای قرب و نزدیکی قیامت^(۲).

همچنان الله تبارک و تعالی از نابودی دنیا و هر آنچه در آن است یاد آوری می کند و می فرماید که از الله بترسید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾^(۳). ترجمه: ای مردم از عذاب پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی: در ارتباط به این آیت، ندای الله تبارک و تعالی در این بخش ندا سر می دهد برای کسانی که مکلفین هستند، بر اینکه از الله بترسند، اوامر آنها اطاعت کنند، نواهی الله را ترک کنند، در اصل لاتقاء بر این گویند: که حتی انسان مؤمن از مکروهات هم حراس داشته باشند^(۴).

همچنان الله تبارک و تعالی جایگاه انسانی که از الله بیشتر می ترسد خاطر نشان می کند، و می فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^(۵). ترجمه: کسی که از الله بیشتر می ترسد الله تبارک و تعالی برای شان جایگاه خاصی تعیین می کند و روزی می دهد برای شان بدون حساب.

(۱) - - سورة حشر آیه: (۱۸).

(۲) - - قرطبی، شمس الدین. تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القرآن (۱۸ / ص ۴۳).

(۳) - - سورة حج آیه: (۱).

(۴) - - قرطبی، شمس الدین. تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القرآن (۱۲ / ص ۳).

(۵) - - سورة طلاق آیه: (۲ - ۳).

عمل صالح: عمل صالح مفهوم واضح و روشنی دارد که چندان نیاز به توضیح ندارد؛ و ما در زبان پارسی دری به آن عمل نیک می‌گوییم. که در مقابل آن عمل سوء قرار دارد بطور مثال الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ﴾^(۱). ترجمه: انسان هرگز از تقاضای نیکی و نعمت خسته نمی‌شود؛ و هرگاه شرّ و بدی به او رسد، بسیار مأیوس و نومید می‌گردد.

و همچنان اعمال اگر خوب باشد منفعت آن به عامل عمل برمیگردد و اگر بد باشد همچنان شخص عامل متضرر می‌شود به قسمیکه الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾^(۲). ترجمه: هر کس کار شایسته‌ای بجا آورد، برای خود بجا آورده است؛ و کسی که کار بد می‌کند، به زیان خود اوست؛ سپس همه شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

نه تنها در این دو سوره؛ بلکه اکثر از سوره‌های قرآن اشاراتی به اعمال صالح برای انسان شده بطور مثال: ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ ... وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾^(۳). ترجمه: هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده؛ و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

همچنان در جای دیگری نیز می‌فرماید: ﴿أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۴). ترجمه: هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح و جبران نماید، مشمول رحمت خدا می‌شود چرا که او آمرزنده مهربان است.

نکته قابل تأمل: بخاطر بیش از حد نشدن موضوعات اقوال مفسرین را در رابطه به هر کدام از آیات توضیح ندادم در عموم جمع بندی می‌کنیم که اگر انسان زره ای از نیکی داشته باشد ضایع نمی‌شود و همچنان اگر بدی از وی سرزده باشد نیز در مقابل پاسخ الله تبارک و تعالی را می‌هد اگر شامل عفو قرار گیرد یک مسئله جدا پنداشته می‌شود.

(۱) - سوره فصلت آیه: (۴۹).

(۲) - سوره جاثیه آیه: (۱۵).

(۳) - سوره النساء آیه: (۱۲۳ - ۱۲۴).

(۴) - سوره انعام آیه: (۵۴).

مبحث سوم: وسایل تربیت معنوی.

وسائل تربیت معنوی به مثل وسائل تربیت مادی به بخش های مختلف تقسیم می شود. هستند مسائلی مهمی که در زندگی انسان نقش یک کلید را دارد می تواند نظام زندگی را کاملاً تغییر دهد. و به جهت مثبت سوق دهد.

مطلب اول: تحقق عبادت الله متعال. عبادت الله تبارک و تعالی یک امر لزومی است بدون عبادت الله انسان را ممکن نیست که تضمین کننده بقای خویش بوده باشد. لذا در هر صورت انسان مکلف است که مطابق اوامر الله تعالی عمل کند.

مطلب اول: مفهوم عبادت: عبادت نوعی از سپاس و مرتبه والای آن است، چراکه حقیقت عبادت خضوع و خشوع است از این جهت تنها کسی مستحق عبادت است که نعمت های اساسی و بنیادی به مانند آفرینش و زندگی و قدرت از او باشد و جز خداوند متعال کسی بدین امور قادر نباشد. عبادت خداوند جل جلاله بر دو نوع است: عبادت به معنی عام که اطاعت از دستورات او تعالی را در همه شئون زندگی را شامل می شود؛ اما عبادت به معنی خاص: تذلل توأم با تقدیس و نهایت خضوع، و امثال آن به مثل نماز، روزه، زکات و ...

اقسام عبادت:

عبادت بر سه قسم است: عبادت تکوینی، عبادت تشریحی و عبادت رفتاری.

الف: عبادت تکوینی: به این معنی که همه مخلوقات از لحاظ اصل وجود مملوک پروردگارانند و خواهی نخواهی وجودشان وابسته به او تعالی می باشد. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا﴾^(۱). ترجمه: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند.

به نقل از صاحب تفسیر طبری: در رابطه به این آیت، وی می گوید هر آنچه در آسمانها از جمله ملائکه و در زمین به مثل بشر و جن، مگر این که در روز قیامت بنده او تعالی می باشد، ذلیل و خاضع در پیش گاه الله تبارک و تعالی اقرار به بنده می کند^(۲).

(۱) - - سوره مریم آیه: (۹۳).

(۲) - - طبری، ابن جریر. جامع البیان (۱۸/ ص ۲۸۶).

ب: عبادت تشریحی: به همان احکام گفته می شود که خداوند مقرر کرده بطور مثال: اوقات ختمه نماز در یک شبانه روز، گرفتن روزه زمانیکه شخص مکلف پنداشته شود، ادای حج در صورت توانمندی و استطاعت، دادن زکات در صورتیکه مال موجوده به حد شرعی نصاب زکات برسد و...

ج: عبادت رفتاری: که مربوط می شود به روش و منش انسانها که روش و رفتار خود را در زندگی، بر اساس این دیدگاه تنظیم کنند و بدانند که بنده و مخلوق خدایند و باید رفتارشان مطابق با اقتضای بندگی باشد. در نتیجه، بندگان واقعی خداوند کسانی اند که رفتار فردی و اجتماعی خود را بر اساس بندگی فطری و تکوینی استوار می کنند، همانطور که قرآن کریم به صفات و ویژه گی های این گونه افراد تحت عنوان عباد رحمن اشاره می کند. ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^(۱). فرقان ۶۳ ترجمه: بندگان خاص خداوند رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند و سخنان ناخردانه گویند، به آنها سلام می گویند و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند.

به نقل از صاحب تفسیر طبری: در رابطه به این آیت؛ یعنی بنده های نیک الله باصبر و بردباری و وقار، که از فساد و معاصی الله تبارک و تعالی دوری می کنند، در حقیقت اینان هستند که در زمین با وقار، نرمی و بردباری راه می روند^(۲).

آداب و شرایط عبادت:

هر نماز و روزه و حج و انفاقی عبادت نیست. تحقق عبادت خداوند تنها در سایه حفظ شرایط ظاهری و باطنی آن محقق می باشد. از جمله:

اخلاص در عبادت: بی شک از مهمترین آداب عبادت اخلاص و دوری از شرک و ریا در عبادت است. الله تبارک و تعالی در تمام ادیان آسمانی انسان را به بندگی خالصانه و به دور از انحراف، فرمان داده است. مثال آنرا در آیت ملاحظه می کنیم:

(۱) - سوره فرقان آیه: (۶۳).

(۲) - طبری، ابن جریر. جامع البیان (۱۹ / ص ۲۹۳).

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^(۱). ترجمه: و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را پردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار.

به نقل از صاحب تفسیر طبری: در رابطه به این آیت؛ یعنی: الله تبارک و تعالی امر نکرده برای یهود و نصاری که اهل کتاب هستند مگر اینکه عبادت الله را بجا آرند به غیر از الله متصل نشوند به مثل یهود که عزیر علیه سلام را فرزند الله می داند و نصاری عسی علیه سلام را یعنی ای مسلمانان به مثل یهود و نصاری نباشید فقط با خالقتان که الله است اخلاص داشته باشید^(۲).

فروتنی در عبادت: اساس عبادت فروتنی و خشوع در مقابل معبود است. قرآن کریم در وصف اهل ایمان می فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^(۳). ترجمه: مؤمنان رستگار شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند.

به نقل از صاحب تفسیر طبری: در رابطه به این آیت، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ یعنی: آنده اشخاص که با الله و رسول صداقت دارند، اقرار می نمایند بر این که هر آنچه که برای شان آمده از جانب الله جل جلاله آمده است، عمل می کنند به آنچه که از جانب الله برای شان فرستاده شده است و آنچه وعده شده از جانب الله برای صالحین که جنات نعیم است که همیشه در آن می مانند در طلب آن به دست آوردن آن کوتاهی نمی کنند^(۴).

شرایط کمال عبادت: به غیر از شرایط صحت و قبول عبادت که بیان شد. اموری هم جزء شرایط کمال عبادت است. این شرایط، نشان دهنده ارزش والاتر و محتوای بهتر و تأثیر بیشتر عبادت است، شرایط قرار ذیل اند:

(۱): - سوره البینه آیه: (۵).

(۲): - طبری، ابن جریر. جامع البیان (۲۴ / ص ۵۴۱).

(۳): - سوره المؤمنون آیه: (۱).

(۴): - طبری، ابن جریر. جامع البیان (۱۹ / ص ۶۹۴).

الف: شناسایی اهم و مهم در عبادت: در انجام کارها، رعایت اهم و مهم، نشان عقل و عاقبت اندیشی و مصلحت شناسی است و اسلام، در کارها به آنچه که لازم تر و مفیدتر و مهم تر است تشویق می کند، چه در آموختن، چه در عبادت، چه در انفاق. به قسمیکه رسول اسلام صلی الله علیه وسلم در حدیثی می فرماید: حدثنی، اللیث، عن إسحاق بن أبي أسد أبي عبد الرحمن، عن رجاء بن حيوة، عن أبيه، عن عبد الله بن عمرو، عن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: " **قليل الفقه خير من كثير العبادة** ... شخصی که اندکی دانش فقهی داشته باشد بهتر از انسان عابدی است که فقط اکتفا به عبادت کرده و بس (۱).

ب: سبقت در عبادات: در عبادات و کارهای نیک، مسابقه ارزش دارد و پیشتازی به اینگونه امور، ملاک کمال است. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ﴾ (۲). ترجمه: و کسی چیزی را با خود نمی برد کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.

به نقل از صاحب تفسیر المنیر: در رابطه به این آیت، یعنی: هر گز برابر نیستند آنانکه قبل از فتح مکه انفاق کردند، به قتال در مقابل کفار پرداختند، در مقابل آن عده اشخاص و افراد که بعد از فتح مکه انفاق میکردند (۳).

(۱) - طبرانی، سلیمان بن أحمد بن یوسف بن مطیر اللخمی الشامی. المعجم الكبير (۲۰ / ۱۳۳) شماره حدیث: (۱۵۱۱) نوعیت حدیث: تفرد به اللیث انتشارات: دار المعرفه. سال چاپ: (۱۹۹۹م).

(۲) - سوره حدید آیه: (۱۰).

(۳) - زحلی، وهبة بن مصطفى. التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج (۲۷ / ۲۹۷).

مطلب دوم: استخلاف در زمین.

مفهوم استخلاف: خلافت در اصل واژه عربی است از ریشه "خلف" به معنی نیابت از غیر به علل های گوناگون از جمله: یابه علت مرگش، یا به جهت عاجز بودن، یا به سبب شرافت بخشیدن به نائب، به معنای جانشین آمده است. واژه خلیفه که جمع آن: خلفاً و خلافت به معنای جانشین، وکیل وقائم مقام است (۱).

واژه خلیفه در قرآن کریم به معنای جانشین خداوند بر روی زمین آمده است و این خلافت تمام نمی شود، جز اینکه خلیفه در شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر حاکی از مستخلف باشد (۲).

دلایل از قرآن: به قسمکه الله تبارک و تعالی در کلام خود می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (۳). ترجمه: به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی نماینده ای قرار خواهم داد. همچنان در جای دیگر از قرآن نیز می فرماید: ﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً﴾ (۴). ترجمه: و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد و شما را از جهت خلقت جسمانی گسترش و قدرت داد؛ همچنان در جای دیگر از قرآن: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ (۵). ترجمه: یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد؛

(۱) - ابن منظور، محمد بن مكرم بن علی، ابو الفضل، جمالدين ابن منظور الانصاری. لسان العرب (۲۳ / ص ۲۶۳ - ۲۶۵).

(۲) - طباطبائی، سید محمد حسین. تفسیر میزان (۱ / ص ۱۱۵ و ۱۷ ص ۱۹۴ - ۱۹۵). انتشارات: اسماعیلیان دار الکتب السلامیه.

(۳) - سوره بقره آیه: (۳۰).

(۴) - سوره اعراف آیه: (۶۹).

(۵) - سوره نمل آیه: (۶۲).

همچنان در جای دیگر می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾^(۱). ترجمه: و او کسی است که شما را جانشینان و نمایندگان خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد.

همچنان در جای دیگر می فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾^(۲). ترجمه: سپس شما را جانشینان آنها در روی زمین پس از ایشان قرار دادیم؛ تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید. ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا﴾^(۳). ترجمه: و آنان را جانشین و وارث کافران قرار دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم.

در جای دیگر نیز می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾^(۴). ترجمه: اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد؛

همچنان در دلیل دیگر از خلافت در روی زمین: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾^(۵). ترجمه: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛

در این آیه سه وعده صریح به آنها که گروه افراد با ایمان و شایسته را تشکیل می‌دهند داده شده است. و می‌دانیم در هر وعده سه رکن وجود دارد:

(۱) - سوره انعام آیه: (۱۶۵).

(۲) - سوره یونس آیه: (۱۴).

(۳) - همان سوره آیه: (۷۳).

(۴) - سوره فاطر آیه: (۳۹).

(۵) - سوره نور آیه: (۵۵).

الف: وعده دهنده که در اینجا الله تبارک و تعالی است.

ب: وعده گیرنده که در این آیت صریح اشاره شده الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ.

ج: مواد مورد وعده امور سه گانه زیر است:

۱ - استخلاف در زمین " حکومت روی زمین به عنواہ نمایندگی الله در آن " حکومت حق و عدالت.

۲ - تمکین دین " نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام ابعاد زندگی.

۳ - تبدیل خوف به امنیت و بر طرف شدن تمام عوامل ترس و نا امنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین. منظور از " تمکین دین " همانطور که از سایر موارد استعمال کلمه تمکین بر می آید این است که تعلیمات الهی بطور ریشه دار و یا پابرجا در تمام شئون زندگی نفوذ خواهد داشت، نه همانند الفاظ صلح و آزادی و حقوق بشر شعاری که امروز بازیچه دست مدافعان قلابی آن است و تنها گلو هایشان را برای شعارهای داغ در این زمینه پاره می کنند و در خارج از آن اثر نیست، گوئی الفاظی هستند رؤیایی که جز در عالم خیال نمی توان به آنها دست یافت (۱).

خلافت بر دو نوع است: خلافت به معنی عام و خلافت به معنی خاص.

الف: خلافت به معنی عام: واژه خلیفه که جمع آن، خلائف و خلفا است، مکرر در قرآن کریم در مواردی که انسان ها به جای یکدیگر آمده اند به کار رفته و بدون استثناء تمام آیاتی که مسأله استخلاف و جانشینی انسان از انسان را مطرح می کنند در سیاقی از آیات واقع شده که صحبت از هلاکت اقوام گذشته (مستخلف عنه) است به عنوان مثال یاد آور می شویم:

﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (۲).

(۱) - طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. تفسیر مجمع البیان (۶ / ص ۱۲۳). انتشارات: دار المعرفه بیروت: لبنان سال چاپ: (۲۰۱۶م).

(۲) - سوره نمل آیه: (۵۲).

﴿وَادْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَا فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (۱). ﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً﴾ (۲). ﴿فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا﴾ (۳). ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا﴾ (۴). در آیات ذیل که ذکر کردیم مستخلف عنه اقوامی است که آیات الهی را تکذیب کردند و هلاک شدند و خداوند متعال اقوام و احوال برتری را در روی زمین جانشین آنان قرار داده است.

بناءً به دلایل اکتفا کرده از ترجمه آیات و آرا مفسرین بخاطر بیشتر نشدن محتوا جلوگیری کردم فقط به ذکر دلایل پرداختم و بس.

ب: خلافت به معنی خاص: در آیات آتی خلیفه به معنای خاص آن به کار برده شده است. به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (۵). ترجمه: به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من را در روی زمین، جانشینی.

دلیل دیگر از خلافت به معنی خاص: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (۶). ترجمه: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.

(۱) - سوره اعراف آیه: (۷۳).

(۲) - سوره فاطر آیه: (۴۴).

(۳) - سوره یونس آیه: (۷۳).

(۴) - سوره هود آیه: (۵۷).

(۵) - سوره بقره آیه: (۳۰).

(۶) - سوره نور آیه: (۵۵).

همچنان دلیل اخیر در خلافت به معنی خاص: ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾^(۱). ترجمه: ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن.

هریک از آیات، مبتنی بر بافت کلامی خود، به بخشی از مفهوم خلیفه به معنای اخص آن اشاره دارد: آیه نخست، مهمترین آیه در تبیین مفهوم خلیفه است، مقام والای خلیفه و ویژگی های ممتاز آن را که اختصاص به افراد معدودی دارد، بیان می کند که مشروحاً به آن خواهیم پرداخت؛ و در آیه دوم: الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ كَلِمَةً "من" تبعیضی خواهد بود به بیانی و خطاب در آن، به عموم مسلمین است.

در نخست خواستم تا دلایل زیادی را در رابطه به خلافت انسان در روی زمین از سوره های قرآنی احتوا کنم بعد به تفصیل روی هم به ترتیب بحث روی آن صورت گیرد.

مطلب سوم: قیام به عدل.

مفهوم عدالت: در قدم نخست مسأله اول که عدالت چیست؟ شاید چندان احتیاج به تعریف نداشته باشد. افراد بشر کم و بیش ظلم را می شناسند، تبعیض را می شناسند، عدالت نقطه مقابل ظلم است، نقطه مقابل تبعیض است، و به عبارت دیگر: افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیت هایی که می کنند و استعدادهایی که از خود نشان می دهند، استحقاق هایی پیدا می کنند، عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود، نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند، و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند؛ ولی در عین حال از قدیم الایام افرادی در میان بشر بوده اند از فیلسوفان قدیم یونان تا دوره های اروپا که اساساً منکر واقعیت داشتن عدالت بوده و هستند و می گویند اصلاً عدالت معنی ندارد، عدالت مساوی با زور است، عدالت یعنی آن چیزی که قانون موجود حکم کرده باشد و قانون موجود هم آن است که زور آن را به بشر تحمیل کرده باشد، پس عدالت را در نهایت امر زور تعیین می کند^(۲).

(۱) - سوره ص آیه: (۲۶).

(۲) - مطهری، مرتضی. مجموعه آثار (۳ / ص ۷۸) انتشارات: صدرا تهران ایران، سال نشر: (۱۳۸۹).

در قدم نخست: معنی عدالت در قرآن کریم یعنی: راه و شیوه مستقیم، که یکی از عناصر مهم عدالت در قرآن را تشکیل می دهد، در سوره نحل عدالت به معنی راه مستقیم و شیوه عاری از کجی بیان شده است: ﴿هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱). ترجمه: آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است.

در این آیت: از نظر شخص نویسنده مراد از عدل دوری از افراط و تفریط است بخاطرکه در ختم آیه اشاره به صراط مستقیم شده یعنی حد میانه در میان این دو گزینه.

یکی دیگر از معانی عدالت در قرآن "انصاف" و عدم جانبداری است، مفهوم انصاف به معنی بی طرفی و ضد آن عصبیت یا جانبداری است. منظور از عدالت به مثابه انصاف این است که تعلقات مثبت و منفی و یا حب و بغض نباشد باعث آن گردد که مردم از طریق اعتدال خارج شوند و در حق همدیگر روا دارند. هرچند مفهوم انصاف در آیات قرآن بطور صریح به کار نرفته؛ اما عدالت به مثابه انصاف است از بافت و سیاق برخی آیات قابل استنباط است. بطور مثال: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^(۲). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید کاملاً قیام به عدالت کنید برای خدا شهادت دهید، اگر چه این گواهی به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد چرا که اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

به نقل از صاحب تفسیر منیر: در این بخش آیت ذیل *أَن تَعْدِلُوا* به این آیت تفسیر می کند *يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا* یعنی: تا که گمراه نشوند^(۳).

(۱) - سوره نحل آیه: (۷۶).

(۲) - سوره النساء آیه: (۱۳۵).

(۳) - زحیلی، وهبه بن مصطفی. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج (۵ / ص ۳۱۰).

معنی دیگر عدالت در قرآن تساوی و نیز برابری نیز به کار رفته بطور مثال الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا﴾^(۱). ترجمه: شما هرگز نمی توانید از نظر محبت قلبی در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید ولی تمایل خود را بکلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورد و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

به نقل از صاحب تفسیر المنار: یعنی: اگر تعدد در زوجات دارید پس بهتر است که در میان شان به عدل رفتار کنید تا حق هیچ زیحقی ضایع نشود در صورت فقدان عدالت هیچ نیازی به کثرت در زوجات دیده نمی شود باید به یک زوجه اکتفا کرده شود^(۲).

به سه تعریف از لابلائی آیات قرآنی در تعریف عدالت اکتفاء می کنیم اگر در انتخاب مرادف کلمه عدالت و دلایل آن اشتباهی صورت گرفته باشد من را یاری رسانید.

در قدم دوم به تعاریف مفسرین بخش تفسیر و دلایل آنها پیرامون واژه عدالت می پردازیم.

به نقل از صاحب تفسیر بیضاوی در تعریف عدالت می فرماید: عدل عبارت از حد وسط در امور اعتقادی (چون اینکه توحید حد وسط تعطیل و تشبیه است، یا کسب نظریه حد وسط جبر و قدر است) حد وسط در امور عملی (چون تعبد در ادای واجبات که حد وسط رهبانیت و بطالت است) و نیز حد وسط در امور اخلاقی (چون جود که حد وسط بخل و تزویر است)^(۳).

به نقل از امام رازی در تفسیرش در تعریف عدالت: عدالت یعنی حد وسط ای است که تمام بخش را در بر گیرد.^(۴)

(۱) - سورة النساء آیه: (۱۲۹).

(۲) - رضا، محمد رشید بن علی. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) (۵ / ص ۳۶۶).

(۳) - بیضاوی، ناصرالدین ابو سعید عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی. تفسیر البیضاوی (۱ / ص ۵۵۴). انتشارات: دار الفکر بیروت لبنان.

(۴) - رازی، فخر الدین محمد بن عمر. مفاتیح الغیب (۲۰ / ص ۱۰۱) انتشارات: دار الکتب العلمیة بیروت چاپ اول سال چاپ: (۲۰۰۰م).

به نقل از صاحب تفسیر بحر الحیط را جمع به تعریف عدل: او نیز عدالت را با تفسیر "حد وسط" تبیین می کند (۱).

الفاظ و کلمات مرادف عدالت در قرآن: اندیشه عدالت در قرآن کریم علاوه بر مفهوم عدل با مفاهیم دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در این جا آن دسته از مفاهیم که معنی مشابه با مفهوم عدالت دارند، بطور مثال: مفاهیم جانشین یا هم ارز مورد تحلیل قرار می گیرد. که به تعدادی از آن اشارات مختصری می داشته باشیم:

۱ - قسط: قسط از جمله مفاهیمی است که پیوند معنای نزدیکی با مفهوم عدل دارد. قسط از لحاظ شناخت نظیر عدل به شمار می رود. به قسمیکه الله تبارک و تعالی در کلام خویش می فرماید: ﴿وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ (۲). ترجمه: و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است، و اما ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخ اند.

در این آیه اجنه را به دو گروه تقسیم مسلم وقاسط تقسیم می کنند، مسلم به کسی گفته می شود در مقابل الله تبارک و تعالی تسلیم بوده به قرینه مقابله مراد از قاسطون کسانی است که از اطاعت الله تبارک و تعالی عدول نموده و بسوی بد گرایش پیدا کرده اند.

۲ - توازن و هماهنگی در عالم هستی: در برخی از آیات واژه قسط به عنوان یکی از صفات الله تبارک و تعالی ذکر شده است: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ (۳). ترجمه: خداوند، با ایجاد نظام واحد جهان هستی، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، هر کدام به گونه ای بر این مطلب، گواهی می دهند؛ در حالی که خداوند در تمام عالم قیام به عدالت دارد؛

به نقل از صاحب تفسیر بغوی: در رابطه به شَهِدَ اللَّهُ یعنی بیان می کند الله تبارک و تعالی چراکه شهادت تبیین است (۴).

(۱) - الوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله. تفسیر بحر الحیط (۱۴ / ص ۲۰۷).

(۲) - سوره جن آیه: (۱۴ - ۱۵).

(۳) - سوره آل عمران آیه: (۱۸).

(۴) - بغوی، محیی السنه ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل (۲ / ص ۱۷).

۳ - توازن و تعادل در حیات انسانی: در آیه فوق عدل به معنای توازن و هماهنگی صفت فعل الهی به کار رفته بود، اما در سوره حدید همین معنی به عنوان وصف فعل انسانی و ساختارهای اجتماعی نیز به کار رفته است: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^(۱). ترجمه: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛

در این آیه کریمه الله تبارک و تعالی یکی از اهداف اساسی ارسال پیامبران و فرستادن کتب آسمانی و در یک کلمه دین را استقرار قسط در عرصه حیات انسانی بیان فرموده است.

الفاظ و مفاهیم متضاد عدالت در قرآن:

مفهوم ظلم در صورت بندی نظریه عدالت از دیدگاه قرآن یک مفهوم اساسی است زیرا کلمه عدالت در قرآن بیشتر با مفهوم متضاد یعنی واژه ظلم مورد اشاره قرار گرفته است تا مفهوم عدل. مشتقات آن بیش از "۲۸" بار در قرآن مورد استفاده قرار نگرفته است، این در حالی است که ماده ظلم و مشتقات آن "۳۱۵" بار در "۵۹" سوره و "۲۹۰" آیت مطرح شده است؛ بنا براین، برای صورت بندی نظریه عدالت تأمل در آیاتی که مفهوم ظلم در آن مورد استفاده قرار گرفته است، اهمیت اساسی دارد^(۲).

تعریف ظلم: مفهوم ظلم در لغت به دو معنا استعمال شده است؛ گاهی این واژه به عنوان مفهوم مخالف واژه نور استعمال شده که در این صورت به معنی ظلمت و تاریکی است و گاهی هم به عنوان متضاد عدل به کار می رود که در این صورت به معنای ظلمت و تاریکی است و گاهی هم به عنوان متضاد عدل به کار می رود که در این صورت به اعتقاد زیادی از زبان شناسان به معنی "قرار دادن در غیر از جای خود" می باشد ظلم از جمله در دو آیه ذیل: به عنوان متضاد مفهوم عدل و قسط به کار رفته است:

(۱) - سوره حدید آیه: (۲۵).

(۲) - مرکز بررسی های استراتژیک، عدالت در قرآن و نسبت آن با پیشرفت (ص ۴۰) آثار تحقیقی: سالهای: ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ ه. ش).

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (۲).

به نقل از علامه راغب اصفهانی در رابطه به کلمه ظلم: قرار دادن چیزی در غیر جایگاه اختصاصی و مناسب آن است؛ به کم کردن باشد یا به زیاد کردن، به تغییر زمان باشد یا به تغییر مکان. ظلم به تجاوز از حقی که به منزله نقطه مرکزی دایره است، گفته می شود و این سه نوع است: ظلم به الله تبارک و تعالی، ظلم به خود و ظلم به دیگران. (۱).

اعمالیکه شامل ظلم می شود:

۱ - کفر و ناسپاسی: به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَاهَدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (۴). ترجمه: چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول و آمدن نشانه های روشن برای آنها، کافر شدند و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد. یکی از معانی و مفهوم ظلم که در آیاتی متعدد از جمله آیه فوق که در آن اشاره گردیده، کفر و شرک ورزیدن به یگانه حقیقت هستی یعنی خداوند جل جلاله می باشد. معنای اصلی ریشه کفر در اصل پوشانیدن و نهان ساختن است، شب را نیز به خاطر این پدیده ها به سیاهی اش می پوشاند و نیز زارع را که بذر ودانه را در زمین می افشاند و در خاک پنهان می کند، کافر می گویند (۵).

(۱) - سورة یونس آیه: (۴۷).

(۲) - همان سورة آیه: (۵۴).

(۳) - اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل. المفردات فی غریت القرآن (ص ۵۳۷ - ۵۳۸) تحقیق: صفوان عدنان داودی انتشارات: دار العلم الدار الشامیه مکان الطبع: دمشق و بیروت سال طبع: (۱۴۱۲هـ).

(۴) - سورة آل عمران آیه: (۸۶).

(۵) - اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل. الفاط قرآن تحقیق: صفوان عدنان داودی. (۴ / ص ۴۰ - ۴۱).

۲ - قلب و تحریف حقیقت: به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾^(۱). ترجمه: اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ (و به جای آن، جمله استهزا آمیزی گفتند؛) لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.

مسئله عدالت در قرآن کریم به اساس عدالت تعریف می شود. بر همین اساس مفاهیمی که دال و عناصر گفتمان معارض گفتمان عدالت را بیان می کند، نظیر مفهوم ظلم، طرد و انکار حقیقت مهم ترین عنصر معنای آنها را تشکیل می دهد. انکار حق و معارضه با آن به عنوان عنصر گفتمان ظالمانه در آیه فوق مورد اشاره قرار گرفته است.^(۲)

۳ - کتمان حقیقت: نوع دیگر از انواع ظلم است به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أأنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^(۳). ترجمه: یا می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند بگو: شما بهتر می دانید یا خدا و با اینکه می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می کنید و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند و خدا از اعمال شما غافل نیست.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی: در قُلْ أأنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وی می گوید: این سخن تشدید و توبیخ برای یهود و نصاری است که ادعای فهم را کرده بودند که خداوند هشتر گونه برای شان فهماند که شما می دانید یا الله^(۴).

(۱): - سوره بقره آیه: (۵۹).

(۲): - مرکز بررسی های استراتژیک، عدالت در قرآن ونسبت آن با پیشرفت (ص ۶۷).

(۳): - سوره بقره آیه: (۱۴۰).

(۴): - قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح انصاری، شمس الدین. تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القران (۲ / ص ۱۴۷).

۴ - چند پارچگی اجتماعی: یکی دیگر از انواع ظلم فروپاشی اجتماع است بخاطر ساختن محیط سالم بدور از دغدغه ها به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^(۱). ترجمه: و با آنها پیکار کنید تا فتنه و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر از روش نادرست خود دست برداشتند، مزاحم آنها نشوید! زیرا تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی: ایشان می فرماید: در ابتدا امر به قتال شده که باید در مقابل هر مشرک ایستاد، در اصل هدف از قتال دفع شر و فتنه است^(۲).

۵ - سرپیچی از انفاق: رسیده گی برای فقراء یکی از وظایف عمده انسان مسلمان به شمار می رود به قسمیکه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِمَّنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^(۳). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید. پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید، و نه دوستی و رفاقت های مادی سودی دارد، و نه شفاعت؛ زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود. و کافران، خود ستمگرند؛ هم به خودشان ستم می کنند، هم به دیگران.

به نقل از صاحب تفسیر قرطبی: در ابتداء این آیت اشاره به زکات مفروضه است، در ختم آیت اشاره به این شده که در مقابل کفار شما مکلف هستید، که باجان و مال خویش در مقابل کفار بایستید اگر مال دارید با مال بناء مال در صورتی واجب است، در صورتی مستحب^(۴).

در حقیقت مسائل زیادی وجود دارد که شامل ظلم می شود و فاعل آنرا ظالم می نامند بناء بخاطر خسته کن نشدن محتوا به این چند مثال اکتفا می کنیم.

(۱) - - سورة بقره آیه: (۱۹۳).

(۲) - - قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد . تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القرآن (۲ / ۳۵۴).

(۳) - - سورة بقره آیه: (۲۵۴).

(۴) - - قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد . تحقیق: احمد الردونی و ابراهیم اطفیش. الجامع لاحکام القرآن (۳ / ۲۶۶).

نتیجه گیری

در حقیقت این قرآن است که مبین تمام امور در ابعاد مختلف زندگی بشر است. جواب گوی تمام مقتضیات انسانیت قرار گرفته، با وجود دیدگاه ها و نظریات اندیشمندان در رابطه به تربیت؛ در عین حال قرآن که حقایق تربیت را به نمایش گذاشته کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در این اثر مختصر سه فصل وجود دارد که هرکدام از فصول مبین یک بخش بصورت دقیق و کامل است در فصل اول آن که کلیات و مفاهیم پیرامون تربیت انسان در قرآن مورد بررسی قرار گرفته، دارای دو مبحث بوده هرکدام از مباحث دارای مطالب جداگانه می باشد.

۱ - در فصل اول کوشش براین صورت گرفت که تربیت به گونه ای درست آن در ابعاد مختلف از منظر قرآن و اندیشمندان به بحث گرفته شده، همچنان انسان از بدو پیدایش آن تا به ختم حیات فانی بصورت موجز اشارات اجمالی صورت گرفته، در ضمن قابل یاد آوری است که مسئولیت انسان در دنیا و هدف خلق آن در کره خاکی نیز در روشنایی آیات قرآن توضیح داده شده.

۲ - در فصل دوم: تربیت مادی انسان، اهداف، مراحل و وسائل آن در سه مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل ذیل تلاش صورت گرفته تا تربیت مادی و ابعاد آن بگونه ای استندرد تا حد امکان و توان ابعاد مادی تربیت از منظر قرآن به بحث گرفته شود افعال و شرایط که انسان مکلف پنداشته شده نیز مورد بررسی و بحث قرار دادیم.

۳ - فصل سوم در برگیرنده تربیت معنوی انسان است که در سه مبحث اختصار یافته، که در این فصل تلاش صورت گرفته تا مفهوم تربیت معنوی، که در زندگی انسان چقدر می تواند تاثیر گزار باشد، و در روند زنده گی فرد تغییر اساسی داشته باشد. اهداف آن، که انسان به چه هدفی خلق شده وظیفه او چیست تکلف انسان در دنیا چی می باشد، در خاتمه این فصل پی خواهیم برد که با کدام رویکرد ما قادر خواهیم شد که به تربیت معنوی برسیم کدام اعمال می تواند تاثیرات بیشتری در جود مان بجا می گزارد تا عمل آن داشته باشیم.

توصیه ها و پیشنهادات:

- ۱ - ممکن در تهیه و ترتیب این اثر حق تربیت انسان از منظر قرآن به وجه درست آن ادانشده باشد. بخاطر کثرت حجم محتوا از شرح بیشتر جلوگیری صورت گرفته، پیشنهاد بنده برای عزیزان که علاقه مند به تربیت قرآنی اند به خاندن این اثر و امسال آن از باحثین دیگری می توانند تربیت را بگونه ای که خواسته باشند بشناسند.
 - ۲ - ممکن در جمع آوری محتوا و معلومات تلاش اعظمی صورت نگرفته باشد، بناء خاندن گرامی شمامی توانید با شریک سازی محتوای لازم مارا در این زمینه یاری رسانید.
 - ۳ - مسئله مهم دیگر اینکه تربیت از منظر قرآن یک مسئله خیلی مهم و حیاتی است در حقیقت سازنده زندگی انسان به گونه ای درست و شایسته آن است می باشد. خاندن گرامی اگر فرصت نوشتار داشته باشید یا اینکه مارا در نوشتن هر بخش از تربیت انسان از منظر قرآن همکاری کرده محتوا در اختیار مان قرار دهید یک بخشی از خلا ممکن تکمیل کرده شود.
- و بعد آن پیشنهاد می گردد: ممکن در جمع آوری، تسلسل منطقی، جابجایی معلومات توجه کمتر صورت گرفته باشد بناء از خوانندگان عزیز صمیمانه تقاضا می کنم بخاطر بهبود کار تحقیق نویسنده را در جریان قرار دهید تا در حد امکان رسیده گی صورت گیرد.
- در خاتمه یاد آور می شوم اینکه بنده را از دعای خیرتان فراموش نکنید تا دعای خیر شما سبب بخشش مایان گردد.

ومن الله توفیق

با احترام محمدرافع "افضلی"

فهرست آیات قرآنی

شماره	سوره	آیت قرآنی	شماره آیت	صفحه
ج ۱	الفاتحه	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ...	۱	۳۵
۲	بقره	كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ ...	۱۵۱	۱۳
۳	=	رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ ...	۱۲۹	۱۱
۴	=	إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ...	۳۰	۱۶
۵	=	ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ ..	۲۸۶	۲۶
۶	=	آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ ...	۲۸۵	۴۶
۷	=	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا ...	۳۱	۶۲
۸	=	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ	۲۲۲	۵۵
۹	=	إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً ..	۲۴۷	۵۷
۱۰	=	إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ ...	۱۷۳	۷۰
۱۱	=	وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ...	۲۷۵	۷۱
۱۲	=	وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا ...	۱۱۵	۷۲
۱۳	=	قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن ...	۲۶۳	۸۱
۱۴	=	كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ ...	۲۸	۸۳
۱۵	=	هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي ...	۲۹	۸۴
۱۶	=	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي ...	۲۱	۸۴
۱۷	=	وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم ...	۱۸۸	۵۸
۱۸	=	أُولَئِكَ هُم نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا ...	۱۰۲	۶۳
۱۹	=	وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ	۱۸۶	۸۶
۲۰	=	بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ ...	۱۱۲	۸۷
۲۱	=	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا .	۲۱۸	۸۸

٩٨	٣٠	إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ...	=	٢٢
١٠٨	٥٩	فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي	=	٢٣
١٠٨	١٤٠	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ	=	٢٤
١٠٩	١٩٣	وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ ...	=	٢٥
٨٦	٢٥٤	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا ...	=	٢٦
١٢	١٦٣	لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ ...	آل عمران	٢٧
٢٦	١٤٥	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا	=	٢٨
٥١	٧٩	مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ ...	=	٢٩
٨٥	١٨٩	وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	=	٣٠
٨٧	٣١	قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي ..	=	٣١
٨٧	٣٢	قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا	=	٣٢
٩٠	١٠٢	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ	=	٣٣
١٠٥	١٨	وَالْمَلَائِكَةَ وَأُولُو الْعِلْمِ فَإِنَّمَا بِالْقِسْطِ	=	٣٤
١٠٧	٨٦	كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ	=	٣٥
٤٤	٥	وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ	النساء	٣٦
٦١	٥٩	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ	=	٣٧
٥٢	٢٣	وَرَبَائِبِكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ ...	=	٣٨
٥٧	٤٣	لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى ...	=	٣٩
٩٣	١٣٥	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ ...	=	٤٠
١٠٤	١٢٩	وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ ...	=	٤١
٩	٤٤	إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ	المائدة	٤٢
٤٨	٣	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَحَلْمٌ ...	=	٤٣
٥١	٦٣	لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِثُونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ ...	=	٤٤
٥٧	٦	مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ ...	=	٤٥

٧١	٣٨	وَالسَّارِقِ وَالسَّارِقَةَ فَاقْتَعُوا أَيْدِيَهُمَا ...	=	٤٦
٥٥	٢	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ .	الانعام	٤٧
٣٣	١٤١	وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَ...	=	٤٨
٧٦	١٠٣	لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ..	=	٤٩
٨٥	١٧	وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ ...	=	٥٠
٩٠	١٦٢	قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ	=	٥١
٩٣	٥٤	أَنَّهُ مِنْ عَمَلٍ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ ...	=	٥٢
١٣١	١٦٥	وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ ...	=	٥٣
٣٢	٧٤	وَادْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ ...	الاعراف	٥٤
٥٩	٣١	يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ	=	٥٥
٧٠	٥٩	اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ...	=	٥٦
٩٨	٦٩	وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ ...	=	٥٧
٩٩	٧٣	وَادْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ ...	=	٥٨
٤٧	٦٠	وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ	الانفال	٥٩
١٠٩	٢	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ ...	=	٦٠
٦٠	١١٩	أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ	توبه	٦١
٣٥	١٤	ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ...	يونس	٦٢
٨٨	٧	إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا ...	=	٦٣
١٠١	٧٣	فَكَذَّبُوهُ فَتَبَيَّنَّا وَأَمَّا فِي الْفُلِكِ	=	٦٤
١٠٧	٤٧	وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ ...	=	٦٥
٥١	٤	إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ...	الرعد	٦٦
٨١	٢٢	وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا	=	٦٧
١٧	٧	وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ ...	هود	٦٨
١٨	١١٨	وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً ...	=	٦٩
٣٢	٦١	هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ ...	=	٧٠
٣٧	٧١	وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ ...	=	٧١

٥٤	٦	وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا	=	٧٢
١٠١	٥٧	وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ ...	=	٧٣
٨٩	٧	وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ .	ابراهيم	٧٤
٢٣	٢٩ - ٢٨	وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ ...	حجر	٧٥
٦٦	٧٠	وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنكُمْ مَنْ يُرَدُّ	النحل	٧٦
١٠٣	٧٦	هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ ...	=	٧٧
٢٦	٨٩	إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمٌ ...	الاسراء	٧٨
٨	٢٤	وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا كَمَا رَحِمْتَ رَبِّيَانِي صَغِيرًا ...	=	٧٩
٨٥	١١١	وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ .	=	٨٠
٨٨	١١٠	قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا ...	الكهف	٨١
٩٤	٩٣	إِنْ كُنُّ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا ..	مریم	٨٢
١٩	٥٥	مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ .	طه	٨٣
٢٦	٣٥	لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ...	الانبياء	٨٤
٢١	٥	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ ...	الحج	٨٥
٢٩	٤٦	أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ ...	=	٨٦
٩٢	١	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ ...	=	٨٧
١٩	١٢	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن	المؤمنون	٨٨
٩٦	١	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ	=	٨٩
٤٢	٥٩	وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِ	النور	٩٠
٥٩	٦١	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ	=	٩١
٩٩	٥٥	الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ ...	=	٩٢
٧١	٢	الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا	=	٩٣
٩٥	٦٣	وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى ...	الفرقان	٩٤
٩٨	٦٢	أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ ...	النمل	٩٥
١٠٠	٥٢	فَتَبْلُغْ بُيُوتَهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا ...	=	٩٦
٦٣	٥١	وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ ...	قصص	٩٧

٥٣	٤٣	وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِيبِهَا لِلنَّاسِ وَمَا ...	العنكبوت	٩٨
٢٠	١١	قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي ...	سجده	٩٩
٢٣	٩	ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ...	=	١٠٠
٦٥	٥٤	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ ..	الروم	١٠١
٦٠	٢١	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا	الاحزاب	١٠٢
٣٦	١١	وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ ...	فاطر	١٠٣
١٠١	٤٤	أَوْمًا يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا ...	=	١٠٤
٧٩	٢٨	وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ ...	=	١٠٥
٩٩	٣٩	جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ...	=	١٠٦
٧٨	٩	قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ ..	الزمر	١٠٧
٨٢	٣٣	وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ	=	١٠٨
٨٥	٦٢	اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ ...	=	١٠٩
٩٠	١١	قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ ...	=	١١٠
١٠٢	٢٦	يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي ...	ص	١١١
٨٠	٣٤	وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي	فصلت	١١٢
٩٣	٤٩	لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانَ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ	=	١١٣
٨٤	٢٩	وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا	الشورى	١١٤
٩٣	١٥	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ ...	الجاثية	١١٥
١	٢٤	وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ ..	محمد	١١٦
٣٠ - ١٦	٥٦	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	الذريات	١١٧
٥٤	٥٨	إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ...	=	١١٨
٨٧	٣٢	أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بَهْدًا أَمْ هُمْ قَوْمٌ ..	الطور	١١٩
٥٣	٣٩	وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ...	النجم	١٢٠
٨٠	٦٠	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ...	الرحمن	١٢١
١٥٢	١٠	وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...	الحديد	١٢٢
١٠٦	٢٥	لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا ...	=	١٢٣

٥٢	١١	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ ...	مجادله	١٢٤
	١٨	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ ...	حشر	١٢٥
٦٠	٤	فَدَكَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ...	ممتحنه	١٢٦
١٧	١٢	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ...	الطلاق	١٢٧
٩٢	٣ - ٢	إِنْ يَتَفَقَّهُكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً ...	=	١٢٨
٥٨	٢	الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ ..	الملك	١٢٩
٥٣	١٥	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا ...	=	١٣٠
١٠٥	١٥ - ١٤	وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ	الجن	١٣١
٢٠	١٩	لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ...	انشقاق	١٣٢
٢٦	٥	عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ...	انفطار	١٣٣
٦٠	١٦	فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ...	البروج	١٣٤
٧٨	٦ - ٥	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِن مَّاءٍ	الطارق	١٣٥
٢٨	٣ - ١	سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي	الاعلى	١٣٦
٢٨	٥	هَلْ فِي ذَلِكَ فَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ...	الفجر	١٣٧
٢٠	٢	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ...	علق	١٣٨
٢١	٥	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ...	=	١٣٩
٩٦	٥	وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ...	البينه	١٤٠
٨٦	٢ - ١	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ ...	اخلاص	١٤١

فهرست احاديث نبوی

شماره	نام كتاب	احاديث	صفحه	ملاحظات
١	صحيح بخارى	كل مولود يولد على الفطرة، فابواه يهودانه ...	١٥	
٢	=	الرجل على دين خليله فلينظر احدكم ...	٤٠	
٣	=	إن لبدنك عليك حقاً ...	٥٨	
٤	مسلم	المؤمن القوى خير من المؤمن الضعيف.	٥٨	
٥	=	إن الله لا ينظر إلى أجسادكم ولا إلى صوركم	٢٥	
٦	ترمذى	من خرج في طلب العلم فهو في سبيل الله ...	١	
٧	=	إذا خطب الكم من ترضون دينه و خلقه فزوجوه..	٤٢	
٨	المعجم الكبير لطبرانى	قليل الفقه خير من كثير العبادة	٩٧	

فهرست اعلام

شماره	اسماء علماء	صفحه	ملاحظات
۱	ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد متوفی. (۸۰۸هـ).	۱۸	
۲	ابن منظور، محمد بن مکرم متوفی. (۷۱۱هـ).	۷	
۳	ابن کثیر، محمد بن اسماعیل ابن کثیر متوفی. (۷۷۴هـ).	۶۵	
۴	ابوسعود، محمد ابن محمد بن مصطفی متوفی. (۹۸۲هـ).	۱۳	
۵	البغوی، حسین بن مسعود متوفی. (۵۱۶هـ).	۲۲	
۶	السعدی، عبدالرحمن ناصر متوفی. (۱۹۵۶م).	۱۵	
۷	الزحیلی، وهبه بن مصطفی. متوفی (۱۴۳۶هـ ق).	۷۲	
۸	الزمخشری، جارالله محمود بن عمر. متوفی (۶۳۲م).	۳۰	
۹	اصفهانى، حسین بن محمد معروف به رازی. (۱۳۵۶هـ).	۷	
۱۰	الالوسی، شهاب الدین محمود بن ابراهیم متوفی. (۱۲۷۰هـ).	۲۵	
۱۱	الماوردی، علی بن محمد بن محمد بن حبيب متوفی (۴۵۰هـ).	۳۳	
۱۲	بلخی، مقاتل بن سلیمان بن بشیر متوفی. (۱۵۰هـ).	۲۸	
۱۳	بیضاوی، ناصر الدین ابوالخیر متوفی. (۱۲۹۲م).	۷	
۱۴	بغدادی، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم. متوفی. (ب ت)	۶۷	
۱۵	رازی، محمد بن عمر بن حسین تیمی. متوفی. (۱۲۱۰م).	۲۵	
۱۶	رضا، محمدرشید بن علی متوفی. (۱۳۵۴هـ).	۶۵	
۱۷	سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. متوفی (۹۸۵م).	۳۰	
۱۸	سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین متوفی. (۹۱۶هـ).	۳۰	
۱۹	سید قطب، ابراهیم حسین متوفی. (۱۳۸۵هـ).	۱۵	
۲۰	شوکانی، محمد بن علی بن عبدالله متوفی. (۱۲۵۰هـ).	۲۰	

	۶۹	عثمانی، محمد شفیع. متوفی. (۱۳۹۶ھ ق ۱۹۷۶م).	۲۱
	۳۱	ابن عاشور محمد طاهر. متولد (۱۸۷۹م) متوفی (۱۹۷۳م).	۲۲
	۴۲	طبری، محمد بن جریر بن یزید. متوفی (۳۱۱ھ).	۲۳
	۲۹	قرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر متوفی. (۶۷۱ھ).	۲۴
	۳۱	نیشاپوری، حسن بن محمد بن حبیب متوفی. (۴۰۶ھ ق)	۲۸

فهرست منابع و مراجع

قرآن الكريم

- ١ - ابن كثير، محمد بن اسماعيل. تفسير القرآن العظيم. تحقيق: سامي، بن محمد سلامه. انتشارات: دار طيبة للنشر والتوزيع. چاپ: دوم سال چاپ: (١٩٩٩م).
- ٢ - ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي. لسان العرب. انتشارات: دار صادر بيروت. چاپ: اول.
- ٣ - ابو سعود، محمد ابن محمد بن مصطفى. ارشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم. انتشارات: مؤسسه الرساله چاپ: اول. سال چاپ: (١٤٢٠ هـ ق).
- ٤ - ابن خلدون، ابوزيد عبدالرحمن، بن محمد. مقدمه ابن خلدون. انتشارات: دار الحديث، قاهره. چاپ اول سال چاپ: (١٣٧٧ هـ ش).
- ٥ - امدى، عبدالوحد. شرح غررالحكم. انتشارات: دار الکتب اسلامي تهران ايران. سال چاپ: (١٣٦٨ هـ ش).
- ٦ - الزحيلي، وهبة بن مصطفى. التفسير المنير. انتشارات: دار الفكر المعاصر چاپ: بيروت، سال چاپ: (١٤١٨ هـ ق).
- ٧ - الماوردى، على بن محمد. تفسير النكت والعيون. انتشارات: دار الكتب العلمية بيروت، لبنان.
- ٨ - الالوسى، شهاب الدين محمود ابن عبدالله. روح المعاني فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. انتشارات: دار المعرفة بيروت لبنان. سال چاپ: (١٤١٥ هـ ق).
- ٩ - الميدانى، عبدالرحمن. اجنحة المكر الثلاثة. انتشارات: دار القلم دمشق سورية چاپ: هفتم، سال چاپ: (٢٠٠٠م).
- ١٠ - الزركلى، خيرالدين بن محمود بن محمد. الاعلام الزركلى. انتشارات: دار العلم للملايين. چاپ پانزده هم سال چاپ: (٢٠٠٢م).
- ١١ - اصفهاني، حسين بن محمد بن المعقل. المفردات فى غريب القرآن. تحقيق: داودى، صفوان و عدنان. انتشارات: دار العلم الدار الشاميه مكان طبع دمشق وبيروت. سال طبع: (١٤١٢ هـ ق).
- ١٢ - البغاء، مصطفى. الجوانب التربوية فى علم اصول الفقه. انتشارات: دار المصطفى، دمشق سورية چاپ اول.

- ۱۳- السعدی، عبدالرحمن ناصر. تیسیرالکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان. انتشارات: مکتبة دار اسلام سال نشر: (۲۰۰۲م).
- ۱۴- امینی، ابراهیم. اسلام و تعلیم و تربیت. انتشارات: انجمن اولیاء و مربیان تهران ایران چاپ: هفتم سال چاپ: (۱۳۹۶ه ش).
- ۱۵- بلخی، مقاتل بن سلیمان بن بشیر. تفسیر مقاتل. انتشارات: دار المعرفة بیروت لبنان، چاپ دوم، سال چاپ (۱۹۹۸م).
- ۱۶- بن عاشور، محمد طاهر. التحریر والتنویر. انتشارات: دار سحنون للنشر والتوزیع تونس سال چاپ: (۱۴۱۸ه ق).
- ۱۷- بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم. الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأیامه. انتشارات: مکتبة حقانیة پشاور پاکستان.
- ۱۸- باهنر، محمد جواد. سیری در عقاید و اخلاق اسلامی. انتشارات: شاهد ایران تهران. سال چاپ: (۱۳۸۷ه ش).
- ۱۹- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. تفسیر الخازن نسخه محففة (لباب التأویل فی معانی التنزیل). انتشارات: دار الكتب العلمية، بیروت لبنان. سال چاپ: (۱۴۱۵ه ق).
- ۲۰- بهرامی، هاجر. روانشناسی دینی. انتشارات: احسان تهران سال چاپ: (۱۳۹۴ه ش).
- ۲۱- بغوی، محی السنه حسین بن مسعود بن محمد. معالم التنزیل محقق: النمر، محمد عبدالله. انتشارات: دار طیبہ للنشر والتوزیع چاپ چهارم سال چاپ: (۱۹۹۷م).
- ۲۲- بیضاوی، ناصرالدین، ابوالخیر عبدالله بن عمر بن محمد. تفسیر بیضاوی. انتشارات: شیخ الاسلام احمدجام زاهدان ایران.
- ۲۳- بی آزار، عبدالکریم شیرازی. قرآن و طبیعت. انتشارات: امیر کبیر ایران تهران سال نشر: (۱۳۹۱ه ش).
- ۲۴- ترمذی، محمد بن عیسی. الجامع المختصر من السنن عن رسول الله ومعرفة الصحیح و المعلول وما علیه المعروف. انتشارات: شركة مکتبة ومطبعة البابی الحلبي چاپ: دوم.
- ۲۵- جرجس، مشال. معجم مصطلحات التریبه و التعلیم. انتشارات: دار النهضه العربیه سال چاپ: (۲۰۰۵م).

- ۲۶- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا. انتشارات: امیر کبیر ایران تهران سال چاپ: (۱۳۷۷ هـ ش).
- ۲۷- ده آبادی، محمد علی حاجی. در آمدی بر نظام تربیتی اسلام. انتشارات: مرکز جهانی علوم اسلامی ایران تهران سال: (۱۳۷۷ هـ ش).
- ۲۸- رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین تیمی. تفسیر مفاتیح الغیب. انتشارات: دار القلم دمشق سوریه.
- ۲۹- زمخشری، جارالله محمود بن عمرو بن احمد. تفسیر الکشاف. انتشارات: دار المعرفة بیروت لبنان.
- ۳۰- رشید پور، مهزاد شاه علی. فرهنگ و اخلاق. انتشارات: امیر کبیر تهران.
- ۳۱- زحیلی، وهبة. فقه خانواده در جهان معاصر. انتشارات: نشر احسان تهران.
- ۳۲- رضا، محمد رشید بن علی. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). انتشارات: الهیئه المصریه العامه للکتاب سال چاپ: (۱۹۹۰ م).
- ۳۳- زحیلی، وهبة بن مصطفی. التفسیر الوسیط. انتشارات: دار الفکر دمشق سوریه. چاپ اول سال چاپ: (۱۴۲۲ هـ ق).
- ۳۹- زحیلی، وهبة. بن مصطفی. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة والمنهج. انتشارات: دار المعرفة.
- ۴۰- سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی. تفسیر فی ظلال القرآن. انتشارات: دار الشروق بیروت.
- ۴۱- سجادی، سید جعفر. فرهنگ معارف اسلامی. انتشارات: گومش، تهران چاپ: چهارم.
- ۴۲- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین. تفسیر جلالین. انتشارات: مکتبه حقانیه پشاور پاکستان.
- ۴۳- سیف، علی اکبر. روانشناسی تربیتی. انتشارات: امیر کبیر تهران ایران چاپ: دوم.
- ۴۴- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. بحر العلوم. انتشارات: مکتبه حقانیه پشاور پاکستان.
- ۴۵- شگوهی، غلام حسین. المنجد فی اللغة. انتشارات: بیروت دار الشروق.
- ۴۶- شریعتمداری علی. رسالت تربیتی مراکز آموزشی. انتشارات: سمت، ایران تهران سال نشر، (۱۳۹۳ هـ ش).
- ۴۷- شوکانی، محمد بن علی بن عبدالله. تفسیر فتح القدیر. انتشارات: مؤسسه الرساله چاپ: دوم.

- ۴۸- رفیعی، بهروز. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیه و مبانی آن. انتشارات: احسان تهران سال نشر: (۱۳۹۰ هـ ش).
- ۴۹- طبری، محمد بن جریر بن یزید. تفسیر جامع البیان. انتشارات: دار المعرفه بیروت لبنان.
- ۵۰- طوسی، ابو علی فضل بن الحسن. تفسیر الطبری. انتشارات: دار المعرفه بیروت لبنان. چاپ اول سال نشر: (۱۴۱۲ هـ ق).
- ۵۱- سیف، علی اکبر. ورانشناسی پرورشی. انتشارات: احسان تهران ایران.
- ۵۲- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. انتشارات: امیر کبیر ایران تهران سال چاپ: (۱۳۶۳ هـ ش).
- ۵۳- علوان، عبدالله ناصح. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم. انتشارات: شیخ اسلام احمد جام زاهدان ایران.
- ۵۴- عثمانی، محمد شفیع. تفسیر معارف القرآن فارسی. مترجم: حسین پور، مولانا محمد یوسف. انتشارات: مکتبه حقانیه محله جنگی قصه خوانی پشاور پاکستان سال چاپ: (۱۳۸۹ هـ ش).
- ۵۵- قرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر. الجامع لاحکام. محقق: البخاری، هشام سمیر انتشارات: دار عالم الکتب الرياض المملکه العربیه السعودیه سال چاپ: (۲۰۰۳ م).
- ۵۶- فقیهی، محسن. معرفت ابواب الفقه. انتشارات: مرکز ایران تهران، سال چاپ: (۱۳۸۹ هـ ش).
- ۵۷- کریمی، عبدالعظیم. آموزش به مثابه پرورش. انتشارات: سمت تهران ایران.
- ۵۸- مطهری، مرتضی. انسان و ایمان. انتشارات: امیر کبیر ایران تهران سال چاپ: (۱۳۸۰ هـ ش) چاپ: اول.
- ۵۹- مرادی، محمد جبر. صفات انسان در قرآن. انتشارات: طبیه. قم ایران تهران.
- ۶۰- مروجی، طبسی، محمد رضا. حقوق فرزندان در اسلام. انتشارات: نشر احسان تهران سال چاپ: (۱۳۸۷ هـ ش).
- ۶۱- ملکی، حسن. شکراللهی، مهدی. تربیت عبادی کودکان. انتشارات: اسلام و پژوهش های تربیتی. سال چاپ: (۱۳۹۰ هـ ش).
- ۶۲- مطهری، مرتضی. انسان و سرنوشت. انتشارات: احسان تهران ایران چاپ: اول.

- ۶۳ - مطهری، مرتضی. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی انسان در قرآن. انتشارات: تهران ایران. سال چاپ: (۱۳۸۸ هـ ش).
- ۶۴ - مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. انتشارات: صدرا تهران سال چاپ: (۱۳۸۹ هـ ش).
- ۶۵ - مخلص، عبدالروف. تفسیر انوار القرآن. انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: (۱۳۸۶).
- ۶۶ - نیشاپوری، مسلم بن حجاج. صحیح مسلم. انتشارات: دار الجیر بیروت لبنان چاپ: دوم.
- ۶۷ - نیشاپوری، حسن بن محمد بن حبیب. تفسیر النیشابوری. انتشارات: دار القلم قاهره.
- ۶۸ - نافع، نظام الدین. حقوق طفل در اسلام. انتشارات: الهام احدی کابل افغانستان. سال چاپ: (۱۳۹۶ هـ ش).
- ۶۹ - مرکز بررسی های استراتژیک. عدالت در قرآن و نسبت آن با پیشرفت آثار تحقیقی. سال نشر: (۱۳۹۲ هـ ش).

خطه بحث

(تقسیم بندی موضوع به فصلها، مباحث و مطالب)

پلان بحث:

این رساله مشتمل بر یک اهداء، پیشگفتار، مقدمه، سه فصل و یک نتیجه فهرست اعلام، فهرست احادیث، منابع و مأخذ و خلاصه به انگلیسی می باشد.

فصل اول

تمهید

کلیات و مفاهیم پیرامون تربیت انسان در قرآن

مبحث اول: تربیت و فلسه آن:

این مبحث دارای شش مطلب می باشد:

- مطلب اول: تعریف تربیت.
- مطلب دوم: تعریف تربیت از دید گاه دانشمندان.
- مطلب سوم: وجه مشترک در میان تعلیم و تربیت.
- مطلب چهارم: رابطه در میان تربیت و تزکیه.
- مطلب پنجم: فلسفه تربیت در قرآن.

مبحث دوم: تعریف انسان و مقصد از خلقت وی:

این مبحث دارای چهار مبحث می باشد:

- مطلب اول: تعریف انسان از منظر قرآن.
- مطلب دوم: انسان از منظر دانشمندان.
- مطلب سوم: حقیقت و ماهیت انسان.

- **مطلب چهارم:** هدف و مقصد از پیدایش انسان در قرآن.
- مبحث سوم:** انواع تربیت انسان در قرآن.
- مطلب اول: مراحل تربیت جسمی.
- مطلب دوم: انسان و تکلیف.

فصل دوم

تربیت مادی انسان، اهداف، مراحل و وسائل آن در قرآن

مبحث اول: معنی و اهداف تربیتی مادی در پرتوی آیات.

این مبحث دارای دو مطلب می باشد:

- **مطلب اول:** مفهوم تربیت مادی.
- **مطلب دوم:** اهداف تربیت مادی.

مبحث دوم: مراحل تربیت مادی در قرآن:

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

- **مطلب اول:** غنای اقتصادی اقتصاد در قرآن.
- **مطلب دوم:** انتخاب الگوه و قدوه نیک از منظر قرآن.
- **مطلب سوم:** اطاعت و فرمانبرداری.

مبحث سوم: وسائل تربیت مادی در قرآن:

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

- **مطلب اول:** تعلیم و آموزش مفید از منظر قرآن.
- **مطلب دوم:** نعمت عمر انسان در قرآن.
- **مطلب سوم:** آزادی و اختیار برای انسان از منظر قرآن.

فصل سوم

تربیت معنوی انسان، اهداف و وسائل آن در قرآن

مبحث اول: معنی و مفهوم تربیت معنوی در قرآن:

مبحث دوم: اهداف تربیت معنوی.

این مبحث دارای دو مطلب می باشد:

- مطلب اول: اهداف معنی عام.
 - مطلب دوم: اهداف و معنی خاص.
- مبحث سوم: وسائل تربیت معنوی در قرآن.

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

- مطلب اول: مفهوم عبادت.
- مطلب دوم: استخلاف در زمین.
- مطلب سوم: قیام به عدل.

Summary of discussion

Quran is a book, which guides the human at every moment of life. Allah says (مَا
فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ^(١)). I have explained everything in Quran) The goals of this
discussion is to clarify how to train ourselves, Allah has given details in his holy
speech in the field of training. Thus, in the mentioned issue, research has taken in
the field of training and has divided into three chapters.

Chapter one: initially, in first discussion's details and concept the meaning of
training in the vision of Quran has five meanings. These details and concepts in
the vision of Quran according to the concept of scholars has different meaning.

Chapter ٢: in first discussion the goals of human's obstacle has two meanings.
Second discussion consists of three meaning. Third chapter focuses on the
training of obstacle in the vision of Quran. Also, in third chapter the goals and
materials of spiritual training and the second has two meanings and also has the
goals of spiritual training. In third discussion the spiritual training is finished in
three concepts.

Finally, the mentioned issue is written in three chapters and every chapter has the
same discussion. Latterly, the mentioned discussion is expressed by verses index,
Hadith index, advertises index and sources index.

With Regards

(١): - سورة الانعام آيه: (٣٨).



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Tafseer g Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of higher education

DM of Academic Affairs

The value of Holy Quran in human's training

(Thesis of master programming)

Adivisor : Mohammad Naeem” Jalali”

Prepared by: Mohammad Rafi “Afzali”

Year: ۲۰۲۱

نگارش: محمد رافع "افضلی" نقش قرآن در تربیت انسان سال: ۱۴۰۱ هجری



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer g Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of higher education
DM of Academic Affairs

The value of Holy Quran in human's training

(Thesis of master programming)

Adivisor : Mohammad Naeem" Jalali"

Prepared by: Mohammad Rafi "Afzali"

Year: ۲۰۲۱